ساخت جلد تیماج وصحافی مختصر شده

صحافی
احمد طالبان



منتخب تحفة الاخوان

این رساله منتخبیست از کتاب تحفة الاخوان وهدیة الاخوان تصنیف ملا احمد کاظم
سبزواری که بعضی از مسایل ضروری را از حضرت علامة العصر عمدة المحققین وزبدة
المدققین وافضل المتأخرین العالم الربانی مولانا محمد بن الحسن الحر العاملی طیب الله الشیخ الفاضل
مرقده وبرد مضجعه بعنوان مکاتبه ومشافهه استفتا نموده است میفرمایند که بعد
از آنکه فتاوی گرفته شد وثانیا بنظر شریف ایشان رسانیده اذن نقل از ایشان
طلبیدن چون مسایل مذکوره متفرقه بود جمعی از برادران ایمانی از این داعی التماس نمودند
که ترتیبی مربوط وتنقیحی معقول بیابد بنابراین شروع در جمع آوری آن نموده بدین
ترتیب نوشته شد سؤال چه میفرمایند علمای امامیه وفقهای کرام اثنا عشریه که
هرگاه از عالمی مسئله بپرسند آیا بعد از مردن آن عالم آن مسئله بکار او می آید یا نه
جواب بسم الله الرحمن الرحیم اگر آن مسئله نص از ائمه علیهم السلام داشته باشد
میتوان عمل کرد بعد از مرگ آن عالم والله اعلم حرره محمد الحر محل مهر سؤال جواب گفتن
در مسایل از غیر حدیث جایز است یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم جایز نیست چون
دلیل شرعی ندارد والله اعلم حرره محمد الحر سؤال مردم اطاعت نمودن قول عالمی که از غیر حدیث
مسایل را بیرون آورد چون است جواب بسیار مشکل است اگر تحقیق نماید که حدیث ...

سؤال

سؤال کسی که از علما دور است هرگاه مسایل ضروری را نداند خصوصا وقتی که نباید
دور باشد هرگاه بعنوان مکاتبه از ایشان بپرسد وایشان جواب نویسند چکار
کند جواب میباید عمل کردن باحتیاط بقدر امکان تا جواب برسد سؤال
در این زمان بمکاتبات عمل کردن چون است جواب هرگاه علم حاصل شود وخاطر
جمع شود از نقل ثقات یا قراین جایز است در غیر باب شهادت عمل کردن بمکاتبات
سؤال چه چیز است آنچه واجب است بر مردمی که در روستاق میباشند در مسایلی که ضروری
باشد ایشان را از عبادات وغیر آن جواب واجبات بسیار است در یکجا جمع نتوان کرد
ودر این باب تفاوتی نیست میان مردمی که در روستاق میباشند یا در شهر میباید جاهل
رجوع کند بعالم بقدر امکان واگر ممکن نباشد احتیاط کند سؤال کسی که فی الجمله بهره
از علم دارد هرگاه در روستاق افتد آنچه واجبست بر او چه چیز است جواب آنچه
از مسایل میداند وخاطر جمع باشد عمل کند وآنچه نداند میباید از علما اخذ کرد واگر
نتواند عمل کند باحتیاط تا وقتی که میسر شود رجوع بعلما نماید سؤال کسی که قدری
از علم دارد وبیشتر مسایل ضروری خود را میداند آیا نسبت با جهال آخرت او بهتر است
که در جایی که از علما دور باشد آنچه داند بایشان تعلیم کند وآنچه نداند بمکاتبات وغیره
آن از علما که از آنجا دورند چه جزو وایشان تحقیق کند وهمان مرتبه که دارد بماند
وزیاد نشود آیا آن بهتر است که بشهرهای دور رود واز هر مسئله که خواهد زود مستحضر
شود ومرتبه او در علم زیاد شود جواب اگر تواند تعلیم وتعلم علم واجبی هر دو را

بعد از امکان واجبست و حدیثی در ترجیح میان این دو صورت در خاطر فقیر نیست
سؤال هرگاه کسی از علما که بر قول او اعتماد باشد گوید فلان حدیث دلالت دارد بر فلان
مسئله و کسیکه فی الجمله بهره از علم دارد هر چند که فکر میکند که وجه دلالت آنرا بیابد نمی یابد
آیا آنرا جایز است عمل کردن بفهمیدن آن عالم در اینصورت یا نه هر چند که بعضی از علما نیز گفته
باشند که این حدیث بر آن دلالت ندارد جواب احتیاط باید کرد هرگاه آن دلالت ظنی
باشد و ظاهر و واضح نباشد سؤال ادعیه از برای اوقات معینه در مصباح و غیر آن
از کتب عبادات امامیه که مذکور کرده اند عمل کردن بآن و سنت دانستن آن چه صفت جواب
نص عام در دعا فی الجمله هست اما ادعیه که ثابت است از ائمه علیهم السلام ترجیح دارد
پس در اینصورت نص عام میباید بنظر باشد و جزم باستحباب خصوص آن دعا نباید
کرد سؤال هرگاه در کتب فقها ببینیم که گفته اند که فلان فعل مستحب است و فلان
مکروه است و مضمون آن حدیثی نه بینیم از این راه که کتابهای حدیث نداریم یا اگر
بعد از طلب نیافته باشیم در اینصورت ارتکاب فعل مستحب و اجتناب مکروه از برای ثواب
درست است یا نه و حدیث من سمع شیئا من الثواب شامل این هست یا نه جواب
حدیث من سمع شیئا من الثواب بخصوص سماع بطریق روایت است از ائمه علیهم السلام
و در صورت مفروضه هرگاه حدیث نباشد مشکلست عمل کردن و جزم کردن بآن حکم
بدون رجوع کردن بدلیل سؤال اگر کسی از ما مسئله بپرسد و توانیم آنرا از کتاب
فقهیه پیدا کنیم آیا اگر چنین نکنیم گمان علم کرده ایم یا نه جواب هرگاه دلیل
آن مسئله ظاهر نباشد احتیاط در نگفتن است سؤال اگر کسی از دو حدیث مسئله

جواب

جواب گوید واجبست که بگوید که از حدیث چنین فهمیده ام جواب واجب نیست سؤال
کسی که اهلیت فتوی دادن ندارد اگر جواب گوید مسئله را واجبست که آنرا بقائلش نسبت
دهد یا نه جواب اگر نقل کند بهتر است هرگاه خاطر جمع نداشته باشد از دلیل آن سؤال
حدیث کافی یا فقیه هرگاه در مسئله آن ضعفی باشد معارضه کند با حدیث صحیح غیر آن
دو کتاب عمل بر چه باید کرد جواب عمل بمرجحات منصوصه در احادیث باید کرد و اگر
نتوان ترجیح داد بمرجح منصوص احتیاط باید کرد سؤال هر مسئله که در کتاب کافی
و من لا یحضره باشد که آنرا نسبت بائمه ع نداده باشند اعتماد میتوان کرد بنا بر آنچه در
اول دو کتاب گفته اند جواب مشکلست سؤال هرگاه مشهور شده که فلان
کتاب حدیث منسوب بفلان مصنف است جایز است عمل کردن بآن هر چند اجازتی
که متعارفست از کسی نگیرد جواب هرگاه ثابت شود که کتاب معتمد است و خاطر جمع
شود از صحت آن کتاب بدون اجازه عمل میتوان کرد بقول معصوم که در آن کتاب
معتمد باشد سؤال عمل کردن خود در مسئله و بدیگران گفتن تا چنان کنند تفاوت
هست یا نه جواب تفاوتی نیست سؤال هرگاه اینکس در جائی باشد که از علما
بسیار دور باشد و در مسئله احتیاج مند باشد چون تامل کند میباید که او متردد است
میان حرمت و جواز و شک نیست که احتیاط او در ترک است آیا در این صورت ارتکاب
آن باعث عقوبت و حرمت است آیا احتیاط دارد در کردن و ناکردن تا معلوم
شود حکم آن از عمل خواه در معاملات باشد و خواه در عبادات و خواه در احکام
و خواه در ایقاعات جواب مسئله خلافیست و اگر دلیل وجوب این احتیاط باو

دیده باشد باید عمل کند و جزم نکند بوجوب **سؤال** هرگاه کسی مضطر باشد و راه بجائی نبرد و از حدیث مسئله استخراج نتواند کفت جایز است که از قول فقها باید کند و آب بگوید که چنین کن یا نه و اگر چنین نتواند کرد آن مضطر چه کند و هم چنین وقتی که اینکس خود مضطر شود **جواب** اختلاف در اقوال فقها بسیار است می باید رجوع بدلیل و حدیث ائمه کند و اگر ممکن نباشد احتیاط باید کرد **سؤال** اگر مسئله باشد که بعضی از علما قایل بوجوب آن باشند اگر اینکس از برای طلب ثواب آنرا بعمل آورد چون است و هم چنین اگر حرامی باشد و از برای ثواب آنرا ترک کنیم هر چند که حدیث دلالت بر وجوب و حرمت نیابیم **جواب** هرگاه بعضی از علما قایل بتحریم باشند و دلیل ظاهر نباشد احتیاط باید کرد و احتیاط در اینجا ترک است بدون جزم بتحریم و هم چنین قول بوجوب هرگاه احتمال تحریم نباشد و طلب ثواب بخصوص آن فعل و ترک مشکلست بدون نص اما نص عام داریم در باب احتیاط باید عمل کرد بآن عام و لازم دارد ثواب را **سؤال** بر مکلفان واجبست که رجوع کنند بقول علما که بقول ائمه عمل میکرده باشند و برای خود عمل بکنند قول این قسم بمنزله قول ائمه است در وجوب قبول و عمل کردن بآن یا نه **جواب** در این زمان قول علما از برای نادان بمنزله قول ائمه است **سؤال** اگر چند نفر از علما باشند که همه زنده باشند و بر قول همه اعتماد باشد و ایشان در بعضی مسایل با یکدیگر اختلاف کنند چکار باید کرد **جواب** رجوع باید کرد بدلیل شرعی و اگر ممکن نباشد ترجیح باید داد قول اعلم و اعدل و اورع و اوثق را و اگر ممکن نباشد عمل باید کرد بقولی که موافق احتیاط باشد **سؤال** اگر کسی قول

فقها را

قول فقها را نقل کند از برای مردم و بگوید که شما چنین کنید چون است **جواب** نقل کردن قول بعوض تامل در دلیل بسیار مشکلست **ج** در احکام نفر قدر که مناسب این باب است **سؤال** هرگاه اینکس برای رضای خدا داخل نماز شود و در اثنای نماز بخاطرش رسد که فلان کس حاضر است مطلع شد که من قرات نماز را خوب میخوانم یا قنوت طویل میخوانم یا سجده را طول میدهم و با خضوع و خشوع نماز میکنم آیا اینها و امثال اینها ضرر دارد یا نه **جواب** ضرر ندارد هرگاه بقصد ریا این عبادتها را نکرده باشد **سؤال** اگر کسی باشد که گاهی بخاطرش میرسد که من مرد خوبی هستم یا من بهتر از فلان و فلانم یا چندین قرآن خوانده‌ام و فلان نماز را کرده‌ام و تصدق داده‌ام آیا امثال این خیالها چه صورت دارد و آیا در این حالت لازمست چه چیز است **جواب** امثال این خیالها حرام نیست هرگاه صاحب این خیال عجب و غرور و عجب بعبادات خود نرسد و هرگاه این حالت کسی را بهم رسد باید فکر کرد در تقصیرات خود و نسبت نماید عبادتهای خود را بنعمتهای الهی و آن عظمت تا بداند که هنوز صاحب تقصیر است و می باید بداند که این عبادت نیز نعمتیست از جانب جناب اقدس الهی باید شکر و بکار کرد او را **سؤال** آیا کسی میتواند بزبان یا در دل خود هر چند که بنده عالم و متقی باشد که من بهتر از فلان ظالم یا فلان یهودم باعتبار آخرت یا نمیتواند گفت بنا بر اینکه احتمال کافر مردن در همه کس میرود **جواب** تحریم گفتن این حرف و احتمال کافر شدن نسبت بمؤمنی که یقین داشته باشد باصول اعتقادات نباید داد چون از احادیث ظاهر میشود که این حالت غالبا اختصاص بمستضعفان است اما احتمال تجدد فسق هست پس بهر تقدیر نگفتن این حرف بهتر است اگر در حق کافر **سؤال**

تو هم خود بپسندی که ناشی میشوم اگر خود را عادل داند چه نوع مرفوع کند **جواب** بتفکر کردن

در عیوب و تقصیرات خود و احتمال دادن که توبه قبول نشده باشد میباید مؤمن خوف و رجا

هر دو داشته باشد و هر دو مساوی باشد **سؤال** اگر کسی کار خیری ترک کند از برای

اینکه خواهند گفت که این شخص سالوس است و خود نیز بشود آیا این تارک دار یا کننده می

گویند یا نه **جواب** اگر آن کار واجب باشد باین علت ترک نمیتوان کرد و اگر سنت باشد

نیز نباید ترک کرد و میباید اخفا کرد **سؤال** کسی که کار خیر را ترک میکند از این راه که

شهرت میشود آیا این را ریا کننده میتوان گفت یا نه **جواب** این شهرت کی خوب نیست

آن کار خیر را میباید کرد **سؤال** کسیکه کار سنت میکند بیکمرتبه دید که شخص حاضر شده

و او از آن خوشحالی دست داد آیا این ضرر دارد هر چند بعقل می یابد که از مطلع شدن

آن شخص دیگر بیت این ضرر ندارد **جواب** خوشحال شدن در اینصورت نقصی ندارد و نفی

داریم در اینصورت اما جمع نمیشود خوشحالی با دلگیری نمی باید فرض کرد هر دو را ۵

در مسایل متفرقه که دخل بوضو و غسل دارد و حکم آب غصبی و مشتبه **سؤال** هرگاه جوی

آب حوضها امکنه مخصوصه داشته باشد که آب بسیار قرار گرفته آیا بعد از نوبت غاصب وضو و غسل

در آن حوضها جایز است با وجود اینکه آب غصبی برده شده بود و احتمال دارد که بقیه او تا مدتی

باشد یا نه **جواب** بسیار مشکلست باید از مالک رخصت گیرند و الا احتیاط کنند **سؤال** هرگاه

نهری باشد که جمعی در آن شریک باشند و شخصی با ذن شرکا آب از آن نهر بگیرد و اندو بر زمین

خود اندازد و بعد از آن بقدری از آن غصب کنند مثل ده یک یا دو نیم در اینصورت

باعتبار اینکه غصب در آن آب بهم رسیده غسل و وضو در آن زمین از آب مباح چه

صورت دارد **جواب** هرگاه زمین و آب مباح باشد غسل در آن زمین و از آن آب

جاینر

ل

جایز خواهد بود و الله اعلم **سؤال** اگر دو ظرف باشد که یکی از آن دو نجس باشد اما مشخص

نباشد که نجس کدامست و شخصی دست را بیکی از آن دو ظرف برده حکم بطهارت دست او باید

کرد یا نه **جواب** حکم بطهارت باید کرد اما احتیاط بهتر است **سؤال** اینکه میگویند

که هر چیزی که قسم نتوان خورد که آن نجس است پاکست درست است یا نه **جواب** از احادیث

معلوم میشود که حقیقت معتبر است در باب نجاست بلی آنچه فرموده درست است **سؤال** ظرف

سفالی که رنگ کاشی ندارد هرگاه سگ آنرا لیسید آیا پاک میشود یا نه **جواب** پاک میشود

سؤال ابریقی که موشی آنجا افتاده باشد و آب از آن استعمال کرده اند بعد از آن ظاهر

شده **جواب** هرگاه با آب کر رسد پاک میشود احتیاج بخاک ندارد **سؤال** در مکانی که

هر روز آن آب میپاشند و در وقتی که رطوبت دارد مردم بسیار در آن تردد میکنند و کفشها

بسیار راه میروند و فضله در آنجا ریخته میشود و در بسیاری از آنجا ظروف ریخته میشود

و تر کفش هم که نجس باشد بسیار راه میروند و در وقتی هم که تر است جاروب میکنند و

آفتاب بر آن نمی تابد و گاهی خشک جاروب میکنند و گرد از آن زمین به همه جا میرسد آیا

اگر جامه کسی بر آن زمین بخورد چکار کند و از خاک این مکان اگر جامه اینکس برگرد

شود آن گرد نجس است یا نه **جواب** حکم بنجاست هر جزء از اجزای آن مکان و آن

گرد بدون یقین بنجاست نمیتوان کرد و اگر ظن غالب شود به نجاست احتیاط مستحب

کرد و اگر یقین حاصل شود بنجاست جای معینی اجتناب از آنجا واجب میشود **سؤال**

کسیکه بسیار شک میکند در اینکه آیا امروز دیگر ساعت پیش از این دست خود را که نجس بود

طاهر کرده اند در وقتی که تنهای طاهر کرده اند یا نه و شرع بود یا نه چکار کند با نماز

[illegible]

[illegible]

و دست و آنجائی که دست آن رسیده در وقت رطوبت **جواب** بدون یقین حکم نمیتوان
کرد به نجاست واما احتیاط بهتر است **سؤال** اگر از مسلمانان بگیریم نوعی شاید که مسلمانان
غیبت زنند و کافر بیارد که نجس است حاصل آنکه همه اسباب علم به نجاست بهم رسیده باشد
غیر از آنکه بچشم ندیده ایم آیا در این صورت حکم بطهارت باید کرد یا نه **جواب** تا احتمال
طهارت باشد حکم به نجاست نمیتوان کرد و اگر یقین بنجاست حاصل شود حکم باید
کرد بطهارت مسئله در رضی که کار رجوعی و کفارت است نص متعدد داریم که در او نماز میتوان
کرد و در غالب بمجرد یقین حاصل نمیشود و اگر یقین حاصل شود حکم باید کرد **سؤال**
چیزهائی که بآن علم به نجاست بهم میرسد غیر از دیدن کدام است **جواب** قول جمعی که احتمال
نقیض نداشته باشد و علم عادی که جزم از او حاصل شود و اسباب یقین بسیار است
و بعضی افراد علم و ظن اشتباه دارد و در اینجا تامل میباید کرد تا متنجس شود و با
احتیاط باید کرد **سؤال** هرگاه حوضی که چند کر آب دارد آب جاری شود بحوض
دیگر آیا در وقت آمدن آب اگر نجاستی بحوض دوم ملاقات کند پیش از آنکه کر
شود نجس میشود یا نه و در این حکم میان حمام و غیر آن تفاوت هست یا نه **جواب**
در اینصورت آن آب نجس نمیشود و تفاوت نیست میان حمام و غیر حمام **سؤال**
اگر اندرون دماغ اینکس نجس شده باشد و ازاله عین آن کند و ظاهر دماغ هم نجس
شود آیا همین بس است که آب از پشت دماغ ریزد تا همان جائی که در وقت وضو
شستن آن واجبست آب بر آن جاری شود یا نه **جواب** مشکلست میباید که هر جا
که داخل ظاهر باشد آب کشد **سؤال** دست کشیدن در غسل در کار هست یا نه و اعضای

وضو

وضو در غسل ترتیبی هرگاه تر باشد بهتر است یا خشک و کسی که غسل ارتماسی میکند آیا باید
که اول مرتبه تخلیل شعر کند و بعد از آن سر به زیر آب فرو برد یا نه **جواب** واجب نیست
سؤال در غسل ارتماسی اگر از روی سهو نجاستی که برسد بآب پاک میشود بر بدن
باقی بماند غسل چون است میان سهو و عمد فرقی هست یا نه **جواب** میان عمد و سهو
تفاوت نیست و دلیل صریح در وجوب ازالهٔ نجاست قبل از غسل نداریم و اگر آب بنهی
نجاست رسیده باشد و آب کر باشد یا جاری غسل درست است **سؤال** خالی کردانیدن
بیخ ناخن دست و پا در غسل و بیخ ناخن دست در وضو واجبست یا نه **جواب** نص ندارد
بطریق خصوص اما نص عام هست که در وضو و غسل ظاهر شستنی واجبست و شستنی
باطن واجب نیست و احتیاط در اینجا بهتر است **سؤال** خفیف الشعر را در وضو تخلیل
واجبست یا نه و معنی خفیف الشعر چه چیز است **جواب** دلیل وجوب تخلیل الشعر
محل تامل است نمیتوان حکم کرد بوجوب آن و معنی خفیف الشعر موئی که بشره از زیر آن
بنماید **سؤال** کسیکه قبر میکند از برای او چیزی متعارف که بعنوان هدیه می آورند
گرفتن او چون است **جواب** مشکلست مشکلست **سؤال** زنجیره اگر در خانه نجس شود
و آب بر او ریزند پاک میشود یا نه و هم چنین در خانه یا چوبی که در بستانه در خانه
گرفته اند بر هیئتی آب قلیل هرگاه منفصل شود پاک میشود یا نه **جواب** پاک میشود
سؤال هرگاه بر لب اینکس ریزهای پوست خشک شود که آنرا بتحال کویند و هم چنین
اجزای صغیره که از بدن جدا میشود و خشک میشود و غیر آن و آیا حکم آن پیش از کندن
و بعد از کندن چه چیز است **جواب** خلاف دارد و طهارت اقوی است و اجتناب

مباشرت برطوبت احوط است سؤال آب متنجس چون حکم خون دارد در عفو یا
آنکه کمتر از درهم مانند بسیار است جواب نص صریح ندارد و خلاف دارد و ظاهر
نص عفو است و احتیاط اولی است سؤال قدر درهم یعنی چند است جواب تخمینا گودی
الراحه یا بند ابهام میشود سؤال اگر جامی که حال او را نمیدانیم لکه چیزی را که بر زمین یا
جامی افتاده بشوید و ما نه بینیم که چه قسم شست چکنیم جواب احتیاط تطهیر است
تا اتصال تحفظ متحقق شود سؤال اگر دیدیم کسی را که دست او مثلا یا جامه او نجس
شده و خبردار نشده بنجاست او آیا واجبست اعلام او ما را یا او کردن یا نه جواب اعلام
بنجاست واجب نیست سؤال مطلق شستن جامه در آب روان و ایستاده هرگاه آفتابه
و ابریقی میسر نشود چون است جواب نصی در خاطر فقیر نیست اما مبالغه در آب ایستاده
بقدر کر رسیده باشد سؤال مسح رو در حمام بغیر لنگی مکروه است یا نه و همچنین در
غیر حمام چه صورت دارد جواب نص صریح در خاطر فقیر نیست سؤال چیزی که از
رنگ نجس رنگ کنند پاک میشود یا نه جواب پاک میشود هرگاه عین نجاست برطرف
شده باشد و مجرد رنگ که عرض است نقصی ندارد سؤال هرگاه در وقت وضو و غیر آن
موئی کنده شود از ریش یا غیر ریش اعضائی که از زمان گوشت بیرون آمده پاکست
یا نه و تفاوتی هست میان موئی که از آدمی کنده شود و غیر آن یا نه جواب موی
پاکست مطلقا سؤال در حالتی که رطوبت وافری بر اعضای مسح باشد آیا مسح
چه صورت دارد جواب اگر مانند عرق باشد سهل است و اگر آب جاری باشد استیناف
میشود باب تازه خوبست سؤال حد مسح بر پاها چه قدر است جواب مسمی کافیست

وزیادتی

٧

وزیادتی بقدر سر انگشت پهلوی یکدیگر سنت است اگر به یک انگشت بدرازی مسح کند کافیست
و بر عرض که باشد بهتر خواهد بود سؤال هرگاه چاهی بکنند تا به آب رسد و بعد از آن آنجا را
با آب کنند با این قسم که زمین را بکنند چنانچه در رفت آمد توان کرد و احتیاج بدلو نباشد
آیا آب آن حکم آب چاه دارد یا حکم آب جاری اگر حکم آب چاه دارد تطهیر آن چه گونه است
و اگر کسی در چنین جاهی نجاست دیده باشد و آن چاه را تطهیر نداده باشند بعد از آنکه چاه
پاک کرد یا نه بهتر آن آید حکم بطهارت کند جواب هرگاه در عرف چاه گویند حکم چاه
دارد و معتمد و اقوی آنست که تا آب چاه متغیر نشود بنجاست نجس نمیشود و نص بیشتر دارم
با این معنی و هرگاه نجس شد بتغییر نزح شود تا تغییر برطرف شود پاک میشود هرگاه
تغییر دیده باشد و وقت دیگر آمده آن چاه و تغییر برطرف شده باشد حکم باید کرد به
طهارت سؤال هرگاه جائی از بدن انسان نجس شد و آن را پاک کردیم جایز است
یا راجحست که دیگر نگاه بآن زخم نکنیم از ترس اینکه مبادا خون بیرون آمده باشد و
پاک کردن آن مشکل است هرچند که ظن غالب باشد بلکه عادی از برای او موجود باشد
با اینکه خون بیرون آمده یا واجبست نگاه کردن جواب نگاه کردن راجحست سؤال
جایز است که مثلا زخم را حنا رنگ کنیم بعد از پاک کردن تا اینکه هرگاه ببینیم
که سرخست گوییم که از حنا که این رنگ حنا نیست جواب جایز است و احتیاط بهتر نیست
سؤال در وقتی که کسی فوت شد موذنان ذکر بلند میگویند از جهت اینکه مردم خبر
دار شوند و همچنین صد ذکری که خوانده میشود بیشتر تا بوقت هرگاه غنا شود در
هر دو جا آیا کسی این را تجویز کرده و بر تقدیری که غنا شود سنتیت او چیست

جواب اگر غنا شود حرامست واگر نشود سنت نمیتوان دانست وسند خاص ندارد سؤال
هرگاه کسی جنب است و دیر از خواب بیدار شده تا غسل کردن وقت بیرون میرود چکند
تیمم کند و نماز گذارد جواب اگر بعد از غسل قضا کند این نماز را بهتر خواهد بود سؤال
هرگاه دست اینکس زخم دارد و آنرا پاک کند وقت نماز بیرون میرود و غیر از جامه خود
چیزی نیست که دست خود را خشک کند بآن آیا در اینصورت با دست تر وضو یا تیمم درست
استاینه جواب نجاسة در وقت تعذر ازاله معفو عنه است بلغ

در بیان احکامی که تعلق بطهارت و احکام اموات و اهل مصیبت دارد

سؤال در غسل ترتیبی
اگر آب بر سر خود ریزد بعد از آن بر جانب راست و بعد از آن بر جانب چپ و بعد از آن
ریختن هر جا نمد اگر از مواضع ثلثه آب آن نرسید دست بکشد تا آب بهمه جا برسد
هرچند که آب جاری نمیشود و ماء نمد و غیر مالیدن باشد جایز است یانه جواب
جایز است باین شرط که ترتیب شرعی بعمل آید سؤال اگر سر خود را ننزله بندی کند
جایز است که مسح کند بر روی خرقه در وضو و غسل یانه جواب در حالت ضرورت
و عدم امکان نزع جایز است سؤال بوضوی سنتی هرچند که از برای نماز غیر سنتی
باشد نماز واجبی را میتوان کرد یانه جواب میتوان کرد سؤال نیت وضو را چه نحو
میتوان کرد جواب سوای قصد قربت باقی قیود دیگر در حدیث دلیل ندارد سؤال
غسل مس میت ناقض وضو است یانه و تا غسل نکرده نماز میتوان کرد یانه جواب
ناقض بودن دلیل واضح ندارد ولیکن چون بعضی ناقض میدانند احتیاط اینست
که قبل از نماز غسل کند سؤال لوح گذاشتن بر قبر هرگاه اسم میت بر او باشد چه صورت
جواب رخصت دارد سؤال اگر کسی لوح قبور را تامل کند بدون اینکه بر زبان جاری

کند

کند آیا اینکه بهتر است یانه جواب خواندن کتابت قبور نهی دارد و این قسم معلوم نیست
داخل قرائت باشد سؤال تعزیتهائی که بر مرده میخوانند که عربی عبارت است اگر
بفارسی بگویند بهتر است یانه جواب معلوم نیست بهتر باشد بعربی باید گفت سؤال
شیرینی که می‌آورند بر محل دفن بر مردم میدهند خوردن او چونست جواب میتوان خورد
سؤال اگر کسی دیگر برای اهل مصیبت طعام بیارد خواه سازنده طعام خویش
باشد خواه نباشد خوردن او نیز کراهت دارد یانه جواب نزد اهل مصیبت طعام
خوردن کراهت دارد سؤال نقل اموات بمشاهد متبرکه بچه صورت دارد حدیث
نقل عظام یوسف و آدم ع دلیل میشود یانه جواب در حدیث مرسل دارد و مانع
نمیکنیم حدیث نقل عظام دلیل نمیشود چونکه آن در شریعت دیگر بوده و شاید مخصوص ایشان
باشد سؤال میت را که در سردابه دفن میکنند در شرع بودن آن چه میفرمایند جواب
محل تامل است بواسطه اینکه در خاک پنهان نمیشود بطریقی معهود سؤال ان الارض
یطهر بعضها بعضا چه معنی دارد جواب یعنی زمین پاک میکند نجاستی را که حاصل
شد از زمین نجس سؤال تاخیر کردن دفن میت یکروز دو روز بجهة تحصیل سدر وکافور
جایز است یانه جواب جایز است و تحصیل سدر و کافور واجب است سؤال قبرستان
کهنه را اگر شخصی داستوان کند و تعمیر حمام نمود مطلقا یانه و همان کسان که قبر را ساخته اند
میتوانند کند یا اگر نبش قبر شود جواب نمیتوانند کند سؤال آیا غسل میت
مسلمان از جهت نجاست اوست یا از جهت شرافت اوست و میت را با آب قلیل میتوان غسل داد
یانه جواب غسل میت از هر دو جهت است با آب قلیل غسل میتوان داد والله اعلم

سؤال اگر کسی کفشش عوض شده باشد صحت وضو ساختن در آن چه صورت دارد
و کفشی را که برده اند نو بوده و کهنه را گذاشته اند جواب حکم لقطه دارد و جزم نمیتوان
کرد که صاحب کفش البته برده و وضو ساختن در آن تامل دارد در بیان آنچه تعلق
بوقت و مکان و نماز و لباس مصلی دارد سؤال کسیکه نوافل ظهر و عصر را از روی عمد
یا بسبب مانعی فوت کرده و خواهد که نافلهٔ هر نماز را بعد از آن نماز یا نافلهٔ هر دو را
بعد از عصر بجا آورد چه صورت دارد و نیت کند جواب احادیث دلالت دارد بر آنکه
که دو قدم و چهار قدم وقت فضیلت است و تقدیم و تاخیر جایز است پس قضا نمیشود
تا آخر روز سؤال اگر کسی در امکنه که چند کس در آن مساوی اند فرشی بیندازد و کسی
آنرا بر دارد و در آنجا نماز کند و آن شخص اول راضی نباشد نماز او چه صورت دارد
جواب آن شخص که فرش را برداشته بد کرده اما دلیل در بطلان این نماز در خاطر
ندارم و احتیاط بد نیست سؤال هرگاه ببینیم زمینی را که شخص صاحب دارد
از زراعت و باغ و غیر آن از امکنهٔ مملوکه جایز است در آن نماز کردن بدون اذن یا نه
جواب در صحرا استفسار نمیشود ملکیت حقیقی زمینی چون زمین این ولایت مفتوح
العنوه است و در جائی که مخصوص باشد ملکیت اذن مالک در کار است هر چند از
قراین معلوم شود طیب نفس مالک و خاطر از رضای او جمع شود سؤال طفل کوچک
خواه یتیم و خواه غیر یتیم یا بزرگ را چیزی دادن از نان و غیر آن هرگاه بیم آن
باشد که او عادت بطلب خواهد کرد مستحب است یا مکروه جواب ظاهرا دادن
خوب باشد سؤال اگر کسی را در اثنای وضو یا بعد از وضو ظن غالب بهم رسد

یا شک

یا شک کند که فلان عضو را ترک کرده بودم چه حکم دارد جواب در اثنا بعمل آورد و شک
بعد از آن اعتبار ندارد و اگر ظن او بعد از وضو بر ترک فعل غالب شود احوط اعادهٔ وضو
است سؤال هرگاه در کشتی باشیم و با جماعهٔ خلاف مذهب رفیق باشیم و قبله را ندانیم بقول
ایشان عمل میتوان کرد یا نه جواب اگر ظن غالب از گفتهٔ ایشان بهم رسد میتوان
سؤال هرگاه شخصی حمامی ساخته باشد از وجه غصب یا حرام غسل نمودن و نماز کردن
در زمین آن چون است و اگر کسی خواهد از شهر بیرون آید چه علاج باید کرد جواب
اگر مغصوب منه را توان شناخت حلیت از او باید گرفت و او را باید راضی کرد و اگر مجهول
المالک باشد باید تصدق کرد باجرة المثل و انتفاع کردن با حمام در وقت غیر ضرورت
جایز نیست والله اعلم سؤال اگر مسجدی باشد در محله بدون آنکه مشرف به انهدام
باشد آیا از جهت توسعه نقض آن جایز است یا نه جواب با وجود احتیاج مردم آن محل
و زیادتی تعمیر آن جایز است والله تعالی اعلم سؤال هرگاه کسی از زر غصبی رختی بخرد و کسی
در آن نماز کرده باشد صحت و بطلان آن نماز چون است و اگر مغصوب منه معلوم یا محصور
نباشد بهمه آن رخت یا آن رخت چه باید کرد و نمازها قضا دارد یا نه و اگر رخت مذکور
دزدی یا از وجه حرام باشد چون است جواب بمال مجهول المالک باید تصدق کرد بعد از تعریف
و سعی تمام در شناختن مالک و نمازها را باید قضا کرد احتیاطا اگر جاهل نبوده باشد والله
اعلم سؤال اگر رختی از زر غصبی یا صوفی خریده شود و مغصوب منه نباشد قیمت
آنرا بمستحق دادن چون است و اگر عینی در صورت مفروضه غصبی باشد چه باید کرد جواب

باید رد مغصوب منه کرد و اگر معلوم نباشد تصدق باید کرد والله اعلم سؤال
در خانه که ساخته باشند بر بالای کوچه عام نماز کردن و در آن نشستن چون است
تفاوت هست میانه کوچه عام و کوچه که میانه چند نفر مشترکست یا نه جواب در
خانه مذکور نماز نمیتوان کرد و نمیتوان نشست و در کوچه مشترک رضای شرکا در وقت
ساختن خانه معتبر است بخلاف کوچه عام اما باید هیچ ضرر براه و پای راه نرسد سؤال
چیزهایی که بر آن و در آن نماز جایز نیست نشستن بر آن و راه رفتن در آن همان حکم
دارد یا نه جواب نشستن و راه رفتن حکم نماز ندارد و با اذن مالک میتوان کرد سؤال
اگر کسی خواهد که نماز کند در خانه که مخصوص به یتیم یا شرکت با او این نماز صحیح
است یا نه و همچنین اگر پدر یا مادر خانه را هبه طفل خود کنند واهب و غیر واهب را
در آن نماز کردن چون است جواب نماز کردن در خانه یتیم یا داخل شدن بخانه او هرگاه
ضرر و نقصان به یتیم نداشته باشد میتوان کرد و عوض به یتیم مقابل این نفع میباید
رسانید سؤال در جامه که هرگاه عشر آن پنبه یا کرک یا پشم بوده باشد نماز کردن
و آنرا پوشیدن چون است جواب هرگاه صادق باشد که آن جامه حریر محض نیست میتوان
پوشید و نماز کرد و نص نداریم که حریر باید زیاده بر نصف باشد سؤال در حدیث
جامع مذکور است که در آن دو رکعت الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه
بخوانند آیا معنی آن اینست که در هر رکعت مجموع آنها را بخوانند یا معنی دیگر دارد جواب
در هر رکعت مجموع آنها را باید خواند والله اعلم سؤال در میل سرمه و حقه و زنجیر

و شانه

بلغ

در میل سرمه و شانه و تکمه که از استخوان ما لا یؤکل لحمه ساخته باشند نماز چگونه است
جواب نص صریح ندارد بمنع و احتیاط بهتر است • در بیان اذان و اقامت و قرائت
و بعضی از احکام شک و سهو سؤال حکایت اذان همین در اذان اعلامی مستحب است
یا اگر در اذان جماعت و منفرد نیز هست و ماموین را حکایت اقامت سنت است یا نه و اگر
هر یکی از ماموین از برای خود اذان و اقامت گویند بدعت است یا سنت جواب نص
استحباب حکایت اذان عموم دارد و نص حکایت اقامت بخاطر ندارم و تعدد اذان
بعدد ماموین سند ندارد نباید گفت سؤال کسیکه مدتها از عمر او گذشته و در خواندن
الحمد و سوره حرفها را از مخرج خود ادا نکرده و میدانسته که واجبست که حرفها را از مخرج
باید گفت آیا این نمازها را اعاده باید کرد یا نه جواب اگر تقصیر و تفریطی نکرده باشد
در سؤال و احتیاط و یاد گرفتن اعاده واجب نیست سؤال هرگاه کسی از نصف
یا دو حصه سوره گذشته و ماند از خواندن سوره و هر چند فکر میکند بخاطرش نمی آید چکند
خصوصا امام هرگاه کسی نباشد که بخاطرش بدهد جواب حدیث هست که در اینصورت
سوره اخلاص باید خواند سؤال شخصی که تسبیح میخواند در دو رکعت آخر اگر سهوا شروع
در الحمد کند اگر چه بسم الله باشد یا اراده سوره حمد داشته و از روی سهو شروع در تسبیح
کرده چکار کند جواب تسبیح را تمام کند سؤال مهر نمازی که بکهر و آن چیزی باشد
که سجده بر آن روا نیست هرگاه از روی سهو سجده کرده باشد بر آن آیا آن نماز را
اعاده باید کرد یا نه جواب وجوب اعاده در اینصورت منتفی نیست و احتیاط به
نیت اما قضای یک سجده احتیاط باید کرد سؤال هرگاه کسی شک کرد در تشهد

که یک سجده کرده یا دو تا بر کرده دو سجده دیگر کند یا نه جواب سجده دیگر کند و اگر احتیاطا
اعاده نماز کند بهتر است سؤال در وقت برخاستن پیش از راست ایستادن اگر شک
کند در اینکه آیا یک سجده کرده یا دو تا چه کند و همچنین اگر بعد از راست ایستادن شک
کند جواب قبل از راست ایستادن اگر شک کند باید سجده دیگر کند و بعد از راست
ایستادن اگر شک کند بنا بر عمل کرده دیگر یقین حاصل نشود سؤال اگر کسی بعد از آنکه نشست
شک کرد که آیا رکوع کرده یا نه یا اینکه شک کرد که آیا سر از رکوع برداشت یا نه یا بعد از
سر برداشتن طمأنینه نیز نمود[بجا آورد] یا نه چکند و هم چنین اگر شک کند در وقتی که هنوز
خوب ننشسته در یکی از آنها جواب بعد از سجود کردن شک در رکوع اعتبار ندارد
سؤال در ظن غالب که معتبر است و مثلا علمش تفاوتی هست در دو رکعتی و سه
رکعت در دو رکعت اولی از چهار رکعتی و در دو رکعت آخر و عدد رکوع و غیر آن یا نه
جواب تفاوتی نیست سؤال شکها که گفته اند که تا از محل آن نگذشته اند باید
کرد بیا از برای بجا آوردن مشکوک فیه فرقی هست میانه دو رکعت اول و غیر آن
صبح و شام و غیر آن یا نه جواب فرقی نیست سؤال قاعده کلیه هست که با آن توان
دانست که هرگاه شک در فعلی از افعال واقع شود در چه وقت از محل مشکوک فیه
گذشته اند یا نه جواب وقتی که بحالت دیگر منتقل یا در فعلی دیگر داخل شده باشد
اما معلوم نمیشود از نص که اقوال حکم افعال دارد در این مسئله سؤال فلان کس
کثیر الشک است چه معنی دارد جواب راجع بعرف میدانند و بعضی اعتبار میکنند
شک را در یک نماز یا در سه نماز متوالی یا سه نماز از شخصی بی شک واقع نشود

اگر

و آخرین نص ندارد سؤال خواندن هر دعائی از دعاهای قنوت جایز است یا نه و متابعت
امام در همان دعائی که امام میخواند لازم است یا نه جواب هر دعا باشد در قنوت
میتوان خواند و دعای مأثور ترجیح دارد و وجوب متابعت امام در اقوال نیست
با موم ثابت نشد در رجحان متابعت شک نیست س در بعض امور متفرقه که متعلق
با دعیه و استخاره و غیر آنست سؤال مثل عذاب الیم ان الله وعد الصابرین آیا
این استخاره را بد گویند یا خوب جواب مشکلات ظاهرا مباح است سؤال استخاره
تسبیح که غیر از استخاره صاحب الزمان باشد مستحب و مأخوذ هست یا نه و اگر هست چه
کونه است جواب در خاطر فقیر نیست سؤال استخاره از برای شخص دیگر میتوان
کرد هر قسم استخاره که باشد یا نه و اگر توان ذکر آنرا بصیغه متکلم که استخیر الله یا الکه استخیه
و ادر میگوید جواب حدیث خاص ندارد و از عموم استحباب دعا از برای مومن جواز
میتوان فهمید چون استخاره دعاییست بطلب خیر و در ضمیر و غیر آن مناسب عبارتی آورد
که مطابق واقع باشد سؤال هرگاه استخاره بد آمد از برای کاری آیا آن کار را کردن
حرامست یا مکروه جواب تحریم ثابت نشده سؤال اگر استخاره خوب آمد از برای کردن
کاری آیا عمل کردن با او لازمست و وقتی که نقیض آنرا استخاره کرد بد آمد یا خوب آمد
آن کار او را باید کرد یا نه جواب وجوب و تحریم ثابت نیست در این صورتها سؤال
هرگاه استخاره کردن از برای کردن امری خوب آمد و نکردن نیز خوب آمد در این صورتها
عمل بر چه صبر کند جواب هرگاه تعارض شده باشد اختیار دارد سؤال در استخاره
بقرآن اگر بعد از قصد بدون اینکه یکمرتبه یا دو مرتبه صیغه استخاره را بگوید استخاره کند

هر یک از این دو صورت درست هست یا نه جواب درست است سؤال کسی که فرصت ندارد
که نوافل و تعقیب را هر دو بجا آورد و هر دو میسر شدنی نیست آیا کدام ضروری‌تر هست جواب
نفی هست که دعا بعد از نماز فریضه افضلست از نافله اما سیاید که بنزد جهل کند که هر دو
کرده شود سؤال مستحباتی که در وقت خواب بعمل می باید آورد مخصوص شب است یا نسبت
بخواب شب و روز مساوی است جواب اکثر احادیث مخصوص شب نیست سؤال خواندن
آیات قرآنی و سوره‌ها را در وقت خواب بعمل می باید آورد وقتش وقتی هست که سر به
بالش بگذارد یا در وقتی که هنوز نخفته باشد جواب در هر دو وقت بعمل میتوان
آورد هر گاه نزدیک وقت خواب باشد اما بعضی احادیث مخصوص است بصورت اول
سؤال در حدیث واقع شده که عقیق حرز است در سفر کسی عقیق را انگشتر داشته
دزدان او را برهنه کرده اند سر این چیست جواب عقیق حرز بودن منافات
ندارد با آنکه ضرر بصاحب عقیق برسد چه اسباب اثر میکنند اگر مانعی نباشد اگر اسباب و
موانع جمع شده باشد اقوی اثر خواهد کرد سؤال جایز است که یکی از دو رکعت
نافله را ایستاده بکند و دیگری را نشسته جواب عمومات دلالت دارد بر جواز سؤال
خواندن تسبیحات اربع در دو رکعت آخر بر ماموم واجبست یا نه جواب احتیاط بهتر است
سؤال در نماز نیابت که چند کس بواسطه یک کس بکنند بنوبت بکنند یا نه و اگر بنوبت
باید کرد کدام حدیث دلالت دارد بر آن جواب باید که ترتیب شرعی بعمل آید و احادیث
دلالت دارد بر وجوب ترتیب در نماز قضا مطلقا سؤال شخصی را گفته اند که
به نیابت فلانی نماز کند و آن مرد غلط کرده و قصد حضرت آن زن کرده در نماز چون فوت
هر دو قریب العهد بوده این نماز چه صورت دارد و اگر در صورت مفروضه در اسم

تنها

بلغ

تنها غلط شود و قصد نیابت همان شخص بود که گفته اند بواسطه او نماز کنی آیا این
نماز قضا درست هست یا نه جواب قصد اجمالی کافی است و این غلط نقصی ندارد
در مسایل زکوة و خمس سؤال کسیکه ملکی دارد بقدری که اگر بفروشد خرجی یک ساله
میشود یا آنکه بیشتر یا کمتر اما بعد از فروختن در آن ولایت بودن مشکلست خمس و زکوة
باو میتوان داد یا نه جواب ظاهر احادیث در این باب فی الجمله تعارض دارد و دلالت
احادیث جواز ظاهرتر هست و احتیاط بهتر است سؤال اگر کسی باشد که نماز
میکند اما صرف مال را از خرج خود نمیکند بالغت آیا خمس و زکوة بآن میتوان
داد یا نه و اگر نتوان داد کسی چیزی کرده باشد چه کار کند جواب اشتراط عدالت
بخارج صرف در مستحق زکوة و خمس حدیث صریح ندارد و احتیاط اینجا بهتر است
سؤال هر گاه شخصی صاحب المال چیزی از زکوة یا از مال خمس بدهد بشخصی که
این مال را بفلان مستحق بده و خود نیز مستحق باشد و قدری از آن مال باو داده شده
باشد که جهت خود صرف کند آیا اگر آن شخص تمام آنرا جهت خود بردارد حلالست
یا نه بنا بر آنکه گویند که این از برای مستحقانست و من نیز مستحقم جواب هر گاه
این مال امانت باشد از یک شخص معین پس بی اجازه نمیتواند که صرف این وکیل از برای
خود سؤال سیدی که مثلا ده تومان قرض دارد جایز است که از خمس چندانی باو بدهند
که دین خود را ادا کند و خرج سال خود را از آن بردارد هر چند سادات که هستند
دیگر باشند یا نه جواب جایز هست از حصه امام و دین از جمله مونت سالست
و قسمت بر جمعی از سادات بهتر است اما باقی خمس که سوای حصه امامست میباید

قسمت شود میان اصناف سؤال سیدی که تواند نوکری غیر سید کند و تمام اخراجات
سال خود را یا بعضی از آن را از آن شخص بگیرد و چنین نکند از این راه که هیچکس او
این کار را نکرده و از این راه که خدمتکاری ندارد جهة عیال او خمس دادن و قرض
را از خمس دادن هر چند بسیار باشد جایز هست یا نه و هم چنین دادن زکوة در غیر
سید جواب وجوب کسب بر این قسم و تحریم خمس و زکوة بر ایشان مشخص نیست
هرگاه کسب کردن نسبت با ایشان عیب و عار باشد سؤال کسیکه قادر باشد
بر اکتساب اخراجات خود بسبب درس و غیر آن و مسایل ضروری را نمیداند آیا جایز هست
که از خمس و زکوة چندان باو بدهند که اخراجات او و عیال او را بس باشد بلکه قرض
او را از آن بدهند تا مسایل خود را یاد گیرد اگر چه ابتدا از الف و بی کند یا نه جواب
مشکلست اما جزم نمیتوان کرد سؤال کسیکه حمد و سوره را ضبط نمیداند و زن
و اطفال دارد آیا جایز هست که خمس و زکوة بعیالش بدهند و او خود از او نخورد
بچنین کسی دادن خوب باشد یا نه جواب هرگاه عیال آنکس این شخص مستحق
باشد و این شخص نتواند کفایت عیال خود را بدهد از زکوة و خمس میتوان داد با
در این صورت اما از خمس و زکوة خود نمیتوان داد و از خمس و زکوة غیر میتوان داد سؤال
زکوة واجبی و تصدق و کفاره واجبی میتوان داد بکسی که خویشی دارد برسول الله
از جانب مادر تنها هر چند که دهنده هیچ خویشی نداشته باشد یا نه جواب میتوان
داد سؤال به زن واجبست که خمس بدهد از آنچه بسبب مهر باو منتقل شده
باشد جواب بخاطر ندارم حدیث صریحی در خمس بخصوص مهر اما از بعض احادیث

بطریق

بلغ

بطریق عموم ظاهر میشود که در این صورت خمس باید داد ه در بیان قصر و اتمام
و احکام آن سؤال هرگاه آنکس در منزلی که شش ماه میوه درختی دارد و در
قلیلی از آن درختان از او نیست و یا چند نفر در چند خانه شراکت دارند و بقدر یکخانه شان
حصه او نشود اگر شخص چنین بچنین مکانی برسد قصر کند یا اتمام جواب مشکلست
سؤال هرگاه شخصی در مکانی ملکی دارد و شش ماه بوده بحسب شرع تمام باید کرد یا نه آیا
اگر آن ملک را بفروشد و یا هبه کند بقصد اینکه نماز را قصر میکرده باشد یا بدون قصد
آیا بعد از آنکه بآن مکان برسد باید قصر را اتمام میکند جواب خلاف دارد و نص در خاطر
نیست سؤال جائی هست که یکی از قصر نماز و روزه باید کرد و دون دیگری یا نه جواب
در غیر خاطر مسئله سبب سفر فرقی نیست بنا بر مشهور نصی داریم در نفی فرق الا ما استثنی
سؤال در سفر چهار فرسخ هرگاه خواهد رجوع کند پیش از ده روز روزه را بخورد
یا نه حاصل که چه دانیم اگر روزه را بخوریم مراعات نکنیم و اگر نخوریم میترسیم که حرام
باشد جواب روزه را بخورد والله اعلم سؤال هرگاه اراده جائی داریم که تا آنجا
ده فرسخ است و در آنجا هم یکماه خواهیم ماند و بعد از آن بر خواهیم گردید آیا در این صورت
در کجا قصر و در کجا اتمام باید کرد جواب در هشت فرسخ تمام باید کرد اگر فرسخ
شرعی باشد و از آنجا تا نهایت ده فرسخ نیز باید تمام کرد و در رجوع چون ده فرسخ
است باید قصر کرد سؤال اگر اراده جائی داریم که تا آنجا چهار فرسخ است یا شش یا هفت
نیم و اراده برگردیدن نداریم در همان روز یا قصر و اتمام میکنیم جواب قصر باید کرد
سؤال اگر کسی در نصف روز یا عصر یا شام بیرون رود بقصد اینکه فردا بعد از طلوع

آفتاب برکردد آیا این موجب قصر چهار فرسخ زیاده هست یا نه و اگر همچنین نصف شب
یا سحر یا صبح روانه شود بقصد اینکه نماز شام روز آینده برگردد چه کند با قصر
و اتمام جواب دراینصورت تنها قصر باید کرد چون رجوع در آن روز یا در آن شب شرط
نیست و در چهار فرسخ نص متواتر دارد اما قصد رجوع قبل از ده روز شرط است سؤال
هرگاه کسی در سال بیشتر در سفر میباشد و گاهی در خانه خود ده روز میماند و گاهی زیاده
و گاهی کمتر و گاه در سفر در بعضی مواضع قصد اقامت میکند و گاهی هست که در
هیچ جا با منزل خود نرسد قصد اقامت نمی نماید آیا کسی چنین چکند جواب
کثیر السفر هرگاه ده روز در خانه خود بماند و بعد از آن انشاء سفر کند بعد از مسافت
باید قصر کند سؤال کسی را که حاکم جابر جبر کند همراه خود ببرد بسفری قصر کند نماز
و روزه را یا تمام خصوصا در صورتی که آن شخص تقصیری نداشته باشد و فرق میان
کسی هست که نوکر ایشان باشد یا نه هرگاه برهر دو جبر کنند در بردن جواب در این دو
صورت قصر باید کرد والله اعلم سؤال هرگاه شخصی بیرون رفت بسفر ظلمی و بعد از آنکه
کار خود را ساخت اراده منزل خود کرد و در راه در دل ندارد که بر کسی ظلم کند خواه اراده
سفر ظلم دیگر داشته بعد از رفتن بمنزل یا نه و چه منزل اراده ظلم بر کسی دارد یا ندارد
نماز و روزه را قصر میکند یا نه جواب هرگاه اراده ظلم داشته باشد تمام کند سؤال
هرگاه به روستائی رود شخصی قصد ندارد که فلان جا ده روز بماند بلکه همیشه در سیر است
و گاه در بعضی جاها ده روز بماند و گاه زیاده و گاه کم و میان این دهها گاه یک فرسخ است
و گاه هفت و گاهی پنج و گاه چهار و برای قیاس و در نظر دارد که سه ماه یا چهار ماه

یا بیشتر یا کمتر بماند آیا بر کسی چنین چه لازم است جواب هرگاه قصد مسافت داشته باشد
و اراده اقامت ده روز نکند قصر بکند سؤال ملکی که در استیطان شرط است اگر در ضیعه یا خانه
باشد اگرچه چند کس در یک ضیعت یا یک خانه شریک باشند کافیست یا نه جواب ظاهر
نفی اشتراط انفراد هست در ملکیت سؤال کسی که در جائی قصد اقامت کرده اگر از حد
ترخص بیرون رود در قصر و اتمام چه کند جواب اگر اراده مسافت داشته باشد قصر
کند و الا اتمام و در اینجا شقوق بسیار و تفاصیل دیگر هست شیخ زین الدین رض در این
مسئله رساله نوشته و هفت قول دارد این مسئله در اکثر آن شقوق احتیاط باید
بلغ کرد ۵ در وجوب حج و احکام آن سؤال هرگاه شخصی چیزی بر مهر زن کرد
و قدر آن چندان نیست که از جمیع اخراجات راه حج زیاده بیاید و شوهر آن قدر را دارد آیا
بر زن واجبست که مطالبه آن مهر کند بلکه اگر فوت او برسد جبر بگیرد یا نه جواب
اگر تواند بگیرد واجبست که بگیرد و حج کند سؤال اگر زن مطالبه مهر کرد و شوهر
نداد آیا گناه ترک حج بگردن شوهر میشود یا نه جواب اگر تواند بر مهر و نهد مستحق عقاب
میشود سؤال در صورت مذکوره اگر زن مطالبه کرده و شوهر نداده یا در اصل
مطالبه نکند و بعد از آن مهر را بشوهر بخشید یا مال شوهر بتاراج حادثات رفت
آیا حج در گردن او مستقر هست یا نه جواب مستقر نیست سؤال اگر شخصی باشد
که ده تومان دارد که از میراث و هبه یا و انتقال یافته و اراده مکه دارد و کمتر از ده تومان
او را بس نیست آیا خمس این ده تومان را بدهد و بمکه نرود یا اینکه خمس را نهد و بمکه رود

واگر کسی خمس را نداده باشد و بمکه رفته باشد آیا مرتبه دیگر اگر مستطیع شود حج واجب
باشد جواب مشخص نیت کردن اگر هشت تومان کافی نیست از برای حج مشکلست
که خاطر از آن جمع شود و احتیاط در اینصورت اینست که خمس داده شود و آنشخص
بحج برود و اگر رفته باشد خمس نفقه حج را بدهد و اگر اعاده کند حج را نهایت احتیاط است
هرگاه مستطیع شود اما جزم بوجوب نمیتوان کرد سؤال اگر شخصی باشد که حج در
ذمه او مستقر شده و بعد از آن کدخدا شده و مال ندارد که با او حج تواند کرد و زن او
مطالبه مهر خود میکند و مال او بمهر و حج و مهر و کفایت نمیکند آیا این مال را در حج
صرف کند یا در مهر زن و زن مانع میتواند شد و در اینصورت از حج کردن باید
جواب دادن مهر در اینصورت مقدمست باید بدهد و قرض کند از برای حج و میتواند
قرض کند از برای دادن مهر و بمال خود حج کند سؤال اگر شخصی باشد که ده تومان
داشته و بخود نسبت که بایی ده تومان حج میتوان کرد این ده تومان را هبه کرد
و در وقت رفتن قافله حج از برای که تحقیق از واجب بودن حج و بعد از آنکه حبسی
کرده که قافله که در سال گذشته رفته بود نیامده اند و مشخص شد که باید در حج سؤال
کرد حج بر او واجب باشد جواب واجب نیست هرگاه هبه کرده و الحال مانده داشته
اگر حج کند بهتر خواهد بود اما هبه بدون قبض اعتبار ندارد و اگر قبض نشده باشد
البته حج باید کرد سؤال کسی در وقت بجا آوردن نماز طواف حرفها را از مخرج
خود نگفته باشد حج او چونست و کسی که چنین کرده و الحال استطاعت حج کرده

مرتبه

مرتبه دیگر دارد آنچه بر او لازمست چه چیز است جواب این مسئله نصی ندارد باید
احتیاط کرد سؤال کسی که حرفها را غلط ادا نماید از مخرج خود نگوید او را نایب میتوان کرد برای
حج یا نه جواب تا موفق بهم نرساند بتلاوت فاتحه نایب گرفتن او بسیار مشکلست
مگر وقت اراده نماز طواف یاد گیرد ۵ در مسایل امر معروف و نهی منکر سؤال
هرگاه در جائی نشسته باشیم و ببینیم که رودخانه آواز خوانند یا غنا بلند میکنند یا غیر آن از
کارهای بد آیا واجبست که برخیزیم و برویم نزد ایشان و بگوئیم که این کار را خوب
نکنید هر چند روزی ده مرتبه یا زیاده اتفاق می‌افتاده باشد جواب اگر ممکن
باشد واجبست بشرط احتمال قبول سؤال کسی که بر پشت بام میخوابد که محجر نداشته
باشد اگر خود را بر پیاده ببندد که از پشت بام نیفتد آیا در اینصورت کراهت خواب
کردن باقیست یا نه جواب نص نداریم در تخصیص این صورت بنفی کراهت سؤال
بر بالای خرپشته ای که در آن قرآن گذاشته است میتوان سوار شد یا نه جواب بقصد تحقیر
جایز نیست و بدون قصد تحقیر در ضرورت جایز است سؤال آیا شخصی غیبتی
میکند آیا بمجرد شروع او در غیبت واجبست که او را منع کند از غیبت یا بعد از تمام
کردن جواب بمجرد شروع واجب میشود سؤال معنی اصرار بر گناه صغیره چه چیز است جواب
اصرار اراده عود کردنست و پشیمان نشدن سؤال کسیکه دهل میشنود یا سرنا
میشنود مثلا خندیدن و پیش او سر نشستن چونست جواب با فاعل منکر نمی‌باید
خوب بود در غیر ضرورت و تقیه سؤال رد غیبت واجبست یا نه یعنی چه جواب
اگر عذر در شنیده باشد عتاب میباید مذکور ساخت و الا باید نهی کرد یا گوید که این سخن نهی

بلغ

میت و نباید جزم کرد و امثال اینها سؤال کسی که قرآن میخواند از روی قرآن یا بر سفره
چیزی میخورد اگر از برای کسی تواضع کند نقص دارد یا نه جواب نهی نداریم از حرمت
مؤمن در این دو وقت سؤال اگر کسی ملک وقف را مثلا بفروشد و مردمان میگویند
که این وقفست واجبست که تا تواند منع کند و برهم زدن آن یا نه جواب اگر بثبوت
رسیده باشد که این ملک وقفست میباید منع کرد از فروختن آن وقف را سؤال
گمان بد بشخصی بردن هر چند بسیار ظاهر شود که آن گمان غلط نیست جایزست
یا حرام جواب اگر اعتقاد غلط باشد نباید کرد سؤال اگر از شخصی که خویش باشد
یا غیر خویش دوری کند از برای اینکه نمیدهند یا نماز را خوب نمیکنند یا بحج نمی روند
یا دشنام میدهند ثوابست یا نه جواب ثوابست سؤال میگویند اصرار بر صغیره
باعث خروج از عدالت و داخل در فسق میشود آیا اگر اصرار بر کبایر باعث خروج
از چه چیز و دخول در چه چیزست جواب باعث خروج از ایمان و دخول در فسقست
سؤال اگر کسی اینکس را قسم دهد که چیزی کن یا چیزی مکن عمل کردن بآن قسم
واجبست یا نه جواب واجب نیست سؤال میخواهیم بدانیم که چه قسم بسی ابذ شد
که کسی قرآن را بحزن بخواند و غنا نشود جواب بدون ترجیع و طرب باید
خواند و حزن در خاطر قاری باشد و سعی کند که آن حزن زیاده شود سؤال
هرگاه آدمی با شخصی در یکسرا باشد و او نماز نکند چه باید کرد جواب میباید فرمود
او را بنماز و موعظه کرد سؤال اگر شخصی را از نامشروع مثل غیبت و غیر آن مکرر
منع کرده باشند و او ترک نکند و ظن اینکس غالب شد که سخن اینکس را قبول نمیکند آیا بعد از آن

بعضی

بعضی واجبست یا نه و حکم چیست در امر واجبات جواب واجب نیست سؤال هرگاه کسی
در مجلس مردم بزرگی نشسته باشد و آن مرد یا کسی که در آن مجلست غیبت حرامی کند
یا نامشروعی دیگر کند و او تواند هر کدام از آن دو تا را منع کند از غیبت و نامشروع
یا برخیزد از آن مجلس و ترس و ضرری از برخاستن و منع کردن نداشته باشد
آیا اگر آن کس بنشیند و هیچ نگوید از ترس اینکه ایشان خواهند گفت در دل خود یا
ظاهر که این چه سالوسست یا این مرد چکار دارد تعارف میکند بر او نیز شاق باشد
کردن یکی از این دو کار مذکور بسبب دوستی اعتبار را یا چیزی کسی فاسق و مردود الشهاده
است یا نه جواب نهی کند یا برخیزد بهترست بلکه حکم ستوان کرد بوجوب امر معروف
سؤال کسی که او را مالی باشد نسبت با صلاح آخرت او بهتر اینست که آنرا محافظت کند
و صرف نکند یا اولی بهترست که زیاده بر خرج سال خود را صرف کند در خیرات هر چند
که اهل عیال بوده باشد و زن و فرزند داشته باشد و لیکن احتمال این باشد که محتاج
خواهند شد بآخر در دست مردمانست جواب اگر مداخل بقدری داشته باشد که
وفا کند بکفایت عیال خود بهتر اینست که زیادتی را صرف کند در خیرات اما دادن
بعیال خود از جمله خیراتست بلکه آن قسم دیگر افضلست سؤال غیبت فاسق کردن
در امری که سامعان یا بعضی از ایشان از آن امر خبر ندارند بخصوص جایزست
یا نه جواب غیبت فاسق مطلق جایزست سؤال غیبت کردن پیش کسی
که علم بفسق مغتاب ندارد جایزست یا نه جواب اگر مغتاب فاسق باشد رخصت دارد

سؤال غیبت فاسق کردن در اکثری جمیع امور ثابتست یا در همان امری که همه کس میدانند
جواب در جمیع امور جایز است سؤال هرگاه شنونده غیبت علم بفسق مغتاب دارد
آیا واجب بر شنونده رد غیبت هرچند کننده ادعای فسق او کند یا نه جواب وجوب
رد مشخص نیست درین صورت سؤال هرگاه مکرر شخصی را از غیبت منع کرده باشد و اگر
چه در آنوقت ممنوع میشود اما بعد از آن نیز غیبت میکند آیا او را هم نهی و منع کردن
واجبست یا نه جواب اگر اثر کند واجبست سؤال هرگاه ببینیم که مردم در زمینی که از زمین
گذشته از بس که راه رفته اند راه کرده اند جایز است که ما هم بر آن راه برویم جواب
اگر زمین ملک شخصی و ممر عام مشترک میانه مسلمانان نباشد بدون رخصت مالک جایز نیست
که کسی در آنجا راه برود در امور متفرقه نافعه سؤال اگر کسی نذر کند که اگر قرض
ترا در فلان وقت ندهم در هر روزی که نکند دو فلان قدر بتو بدهم آیا بعد از ندادن
گرفتن آن قدر حلال و دادن بآن شخص واجبست یا نه جواب فذهب شرعی لزوم
دارد وفا کردن بنذر واجبست سؤال بازیهائی که متعارفست غیر آنچه در اخبار نهی
واقع نشده مثل بازی پادشاه و وزیر حرامست یا نه جواب قمار و لهو حکم دارد سؤال
هرگاه دزد بر اینکس وارد شود و ظن غالب باشد که اگر با ایشان مقاتله و محاربه
کند ایشان او را خواهند کشت یا زخم کاری بر او خواهند زد آیا درین صورت
مقاتله حرامست یا جایز جواب حرام نیست اما مکروه است سؤال اگر العیاذ
بالله کسی خواهد که بزعم خود ضعیفه مسلمه برساند خواه آن ضعیفه را اراده جماع باشد

دخواه

۱۷

دخواه غیر آن آیا درین صورت چنین هرگاه اینکس حاضر است داند که زور آن ظالم زیاده است
که اگر مدافعه کند کشته میشود آیا آنچه واجبست درین صورت چه چیز است جواب اگر بتواند
اعانت ضعیفه نماید معذور است اما میباید بقدر جهد راه خود را بکند سؤال همچنین
اگر آن زن داند که اگر ممانعت کند کشته میشود یا ضرری شدید از او واقع میشود آیا ممانعت
واجبست یا حرام جواب ممانعت واجبست بقدر امکان سؤال قطاع الطریق اگر مالی
باینکس دهد یا از ایشان بزور گرفته شود چه حکم دارد و در طهارت ایشان حرفی هست
یا نه جواب اگر مشخص باشد که آن مال بعینه حرامست حکم لقطه دارد اگر مال ایشانست
و اگر مسلمانان باشند بطهارت ایشان حکم باید کرد سؤال هرگاه بضیافت طلبند اینکس را
جماعتی که مجالس ایشان در اکثر اوقات از غیبت خالی نمیباشند اجابت ایشان سنت است
یا نه جواب اجابت دعوت مؤمن سنت است و مطلق غیبت حرام نیست و اقسام دارد
که حلالست و بعد از اجابت اگر در مجالس غیبت کنند آن غیبت شرعا حرام باشد
میباید نهی کرد و اگر بر طرف نشود میباید بیرون رفت سؤال هرگاه ارباب دهها
از ما بسبب ملکی که داریم زر حوالجی که از بیحسابات مقرری زیاده است بگیرند مثلا
ده سال یا بیست سال بشود باشد که این بیحساب بر ما بیشتر باشد و ما قدرت داریم
که آنرا از خود دفع کنیم و اگر ما آن بیحساب را از خود دفع کنیم دیگری را بعوض ما میگیرند آیا
درین صورت دفع بیحساب از خود جایز است یا نه جواب مشکلست درین صورت
دادن این زر بهتر است سؤال آیا اگر کسی گمان بد بکسی ببرد در واقع آن گمان راست باشد

آیا آن صاحب کان کنه کار است یا نه جواب هرگاه واقع را ندانند جایز نیست که کان
ببرند در حق مؤمن و اگر آن نوع نباشد پس آن شخص کنه کار است سؤال کسی که هر چند
میخواهد که کان بد نبرد بخود بر نمی آید اما در فکر این هست که آن را برطرف کند آیا او را گناهی هست
یا نه جواب میباید بذل جهد کرد در جهاد نفس تا خلاف شرع نکند و اگر کان بد ببرد در حق
مؤمن با آن شخص بد نشود و آن کان را اظهار نکند سؤال اگر کسی بفرزند و بنده و زن و
معلم با اطفال سخنان درشت گوید مثل اینکه گوید ای سگ دست نشکند و بجهنم روی
گاه از روی غضب و گاه از برای ادب گناه کار است یا نه جواب هرگاه غضب غالب
شود این حرفها گناه نیست در غیر این صورت جایز نیست سؤال میگویند اصرار بر صغیره
باعث خروج از عدالت و دخول در فسق است آیا اصرار بر کبایر باعث خروج از صغیرست
جواب در این حکم تفاوتی نیست میان صغیره و کبیره هر دو موجب فسق است اگر اصرار کند
و توبه نکند و اگر حلال دانند کفر است سؤال جماعتی که نوکر حکام و پادشاهند مواجب
دارند بعضی حوالهٔ ایشان که ندانیم که از چه وجه است بر ما چه حکم است و اگر کسی مبلغ تقرری
بجز نقد یا جنس خود متوجه گرفتن او شود بر بایع وجه آن حلالست یا نه جواب
اگر تحریم آن مواجب معلوم باشد نمیتوان گرفت و اگر بعینه معلوم نباشد که حرامست
حلال خواهد بود و ثمن در بیع آن مواجب به دستور والله یعلم سؤال در لوالم هرگاه
فاعل شک در ایقاب برشته باشند بعد از خوردن حشیره او ظن غالب در ایقاب بهم رسد
تفریق واجبست یا نه جواب بدون یقین بایقاب تفریق واجب نیست و احتیاط بهتر است

والله

والله یعلم سؤال هرگاه کسی اعتراف بوجوب عینی نماز جمعه داشته باشد و حجه نکردن را
بیم میگوید با بعضی مردم اطمینان نیست و بقدر فرسخ رفتن مشقت زیاد بر عادت
عارض میشود و گاه میگوید که بعضی از علما فضیلت را در نماز جمعه شرط میدانند از باب
ملا محمد باقر مجلسی سلمه الله در رسایل ما فوق او را ارجح و احوط میدانیم آیا با وجود عدم
فسق و این عذرها نماز با چنین کسی کردن چون است جواب جزم کردن بفسق این
شخص بسیار مشکل است والله اعلم سؤال شخصی که تجارت میکند و غالبا در ده میباشد
و اکثر معاملات با زنان است و روی نمی پوشند و حرف بسیار میزنند و این شخص کسی دیگر
ندارد او را چه باید کرد جواب دیدن ایشان بغیر شهوت بقدر ضرورت و حاجت
جایز است و شنیدن کلام ایشان به دستور والله اعلم سؤال کسی که بقصد صله رحم
بروستا قوارد میشود و اکثر خویشان که نامحرمند روی نمی پوشند چه علاج کند و اگر
بدیدن ایشان برود در حالت حرف زدن بقدر ضرورتی ساعتی که آنجا میباشد
و اگر چشم بهم نمی اندازد و متوجه فسق شود جایز است رفتن یا نه و اگر جماعتی که صله احد
باین قطع کند خوبست یا صله بنحوی که مذکور شد ترجیح دارد جواب این قسم صله
خالی از اشکالی نیست والله اعلم سؤال بعضی ظروف مسی با آنکه اسامی عظام و آیات
کلام بر آن مکتوبست و میخواهند که سفید کنند با آتش بردن او چون است هر چند آن را
که ادعیه و آیات و تعویذ دارد با آتش نرسد جواب بدون قصد احتقار و نیت
استخفاف تحریم این فعل مشخص نیست و نهی در خاطر ندارم والله اعلم سؤال ذکوع

هرگاه صغیری محتاج باشد و ولی شرعی نداشته باشد خویشان او میتوانند که حصه
جهة او زکوة یا غیر آن بگیرند و بر تقدیر جواز آیا از ولایت دیگر بقصد وکالت یا قربت
نقل این وجه ببلدی که صغیر هست میتوانند کرد یا نه و هرگاه صغیر قیّم نداشته باشد
والدان او از هر جنس خواهد به پسر خود بقیمت بردارد و هرچند بقیمت خوب حساب کنند
یا نه جواب زکوة گرفتن از برای صغیر مستحق جایز است و نقل زکوة خالی از اشکال
نیست و گرفتن وجه بدون متوجه شدن اهل شرع یا عدول مؤمنان و قوم قسمت
شرعی نیز مشکل است والله یعلم سؤال اگر کسی با زن خود ملاعبه کند تا منی بیاید حرام
است یا نه جواب نقصی ندارد و حرام نیست فصل در بعضی احکام بیع و شرا و مصالحه
و اجاره و غیر آن سؤال هرگاه چیزی در مهر زوجه شده بتصرف زن داده نشده
و بعد از دخول مصالحه کردن بعض آن که بر مهر کرده شده درست است یا نه جواب
هرگاه رضای طرفین حاصل شد مصالحه درست و بدون رضای طرفین باطلست
سؤال چیزهایی را هرگاه بر مهر کردند بمجرد دخول مال زن میشود یا نه هرچند
بتصرف او داده نشود جواب بمجرد عقد و دخول ملک زن میشود سؤال
هرگاه بزن تکلیف کنند که با شوهر خود مصالحه کن و بعد از الحاح بسیار گوید
که من راضی نیستم از دل اما شما میدانید بعد از آن کسی که او را وکیل نکرده بود
صیغه مصالحه را بخوانند و بعد از آن که زمانی که زن و شوهر همدیگر را دیدند زن
گفت من مصالحه میکنم بشرط آنکه پا از خانه بدون اذن من بیرون نگذاری
و اختیار تو بدست من باشد نه بدست تو در اینصورت این مصالحه چگونه است جواب

رضای

رضای طرفین شرط مصالحه است و مصالحه مذکور درست نمی نماید چون رضای طرفین
حاصل نشده سؤال هرگاه خواهند که گندم یا جو یا انگور را وقتی که سبز و زرد
شده یا درو شده و چیده شده خواهند که بفروشند آیا از چه قسم صورت شرعی
میتوان داد جواب هرگاه بیع دین شود و قیمت مشخص نشود به رضای طرفین
میتوان بیع کرد و در اینصورت کیل و وزن در کار نیست سؤال هرگاه زمینی را
یا باغی را باجاره بدهند یا گندم رسیده یا درو کرده شده یا خرمای رسیده یا چیده
شده جایز است یا نه و اگر جایز باشد بچه قسم صورت شرعی میتوان داد جواب
زمین و باغ را باجاره میتوان داد و آب گندم و خرما را بیع باید کرد چون عین موضع
بیع و منفعت موضوع اجاره است سؤال شیر گوسفند را که میدهند تا آخر سال
هر منی شیر را چند من روغن بفروشند جایز است یا نه اگر نتوان این را صورت
شرعی میتوان داد یا نه جواب شیر را میتوان خرید بطریق سلم بشرط تعیین مقدار
و مدت و ثمن فی الحال و این قسم که متعارف است نوع دیگر است و اگر دعوی شود
و اختلاف واقع شود مشخص نیست که لزوم شرعی داشته باشد سؤال
در مطلق عقد از بیع و شرا و هبه و نکاح جایز است که او امرتبه آنرا مذکور سازند
بفارسی و گویند که بعتک هکذا و وهبتک هکذا و انکحتک هکذا و در جواب گویند
قبلت یا قبلت هکذا یا نه جواب در غیر نکاح میتوان کرد و در نکاح احتیاط تمام
باید کرد و در بیع کنیز نیز احتیاط باید کرد ایجاب و قبول و سایر شروط را

سؤال وهمچنین در نذر بعد از ذکر شروط و قبول جایز است که لله هکذا یا نه بلکه
لله علی باید تصریح شود بلکه هر چند بفارسی باشد و هر چه احتیاج بصیغه باشد
رعایت مخارج حروف و اعراب و وقف و وصل واجب است یا نه جواب آنچه علمای عربیت
و قراءت واجب دانند و خلاف ندارند واجب است و باقی سنت خواهد بود سؤال جایز است که مثلا
که ده من گندم بفروشیم بکسی که زر ندارد که با بدهد بیکماهی و آن یکماهی بیع
کنیم از او بخریم که از بعد پنجماه تسلیم کند یا نه جواب ثمن در سلم باید قبض شود
در مجلس و الا بیع دین بدین جایز نیست سؤال اگر کسی ملکی در تصرف خود دارد و شخصی
ادعا میکند که آن از منست و اینکس را ظن قوی بهم میرسد که مدعی راست میگوید
آیا غسل کردن و وضو ساختن با آن آب و از حاصل آن چیزی خوردن و در آن مسکنی
داشتن و در آن نماز گذاردن جایز است یا نه بر تقدیر عدم جواز اگر مدعی گوید بآن شخص
که من ترا حلال کردم این فایده میدهد یا نه و اگر اینکس را جزم شود انکه گفتگوی ایشان
که حق بجانب مدعی است اما کسی نباشد که حکم کند یا باشد و حکم نکند آیا در اینصورت
راه حیله هست یا نه جواب ظن در اینجا اعتبار ندارد و تصرف شرعی اعتبار دارد یا
بینه شرعی لهذا میباید تصدیق کند مدعی را در اینصورت و در اینجا حدیث داریم
اما دلالت ندارد بر وجوب و رخصت مدعی بعد از اثبات دعوی فایده ندارد
و جزم از گفتگوی ایشان حاصل نمیشود تا مدعی علیه اقرار نکند یا مدعی بینه شرعی
نداشته باشد سؤال اگر پردهی یا مزرعه ملک وقفی را که ده یک یا صد یک انجا هست مثلا
بفروشند یا انرا غصب کنند یا بنوعی غیر شرعی متصرف شوند آیا وضو و غسل در آن

آب

آب جایز است یا نه و اجازه مظلوم فایده دارد یا نه جواب اجازه مظلوم فایده دارد و
رخصت مالک اعتبار دارد هر چند بدون ظن معلوم شود چون در حدیث هست که لا یحل
مال امرء مسلم الا بطیبة نفس منه سؤال هرگاه اینکس با شخصی دعوی دارد بر سر مالی
آیا اگر مدعی گوید بمنکر که اگر رضا بدهی آنچه از او در ذمه تو داشته باشم آن مال را ثواب نماز
و روزه و اعمال و عمل خود را بالتمام یا فلان قدر از ثواب بمن ده یا فلان قدر از عبادات
منکر گوید که اگر حق با تست گو باشی راضی شدم بدادن ثواب آیا این کار جایز و باعث انتقال
ثواب از منکر بمدعی بر تقدیر حقیقت قول مدعی میشود یا نه جواب انتقال ثواب معلوم نیست
اما عوض بصاحب مال میرسد سؤال هرگاه شخصی بعنوان هدیه میداده باشد میتواند یافت
که در یکنوبتی دیگر میشود آیا در اینصورت در ناگرفتن عقاب و در گرفتن ثواب دارد یا نه
جواب در اینصورت گرفتن سنت است و ثواب دارد سؤال گوشت بز ماده فروختن
و نگفتن که آن از ماده است غش و حرام است یا نه جواب غش نیست بلکه معلوم شود
که مشتری باین قسم گوشت راضی نیست سؤال تصویری که در شرع حرام است کدام است
و آنچه مکروه هست کدام است جواب صورتی که جسم داشته باشد و صورتها باشند حرام است
جانماز و صورت درخت و امثال آن فی الجمله رخصت دارد ه در بیان احکام وصیت
و بعضی امور متعلقه بآن و هبه سؤال وصی و ناظر میتوانند که برای وصی و ناظر
کرد بدون ضرورت و با ضرورت یا نه جواب بدون اذن موصی نمیتوان کرد سؤال
از برای مصلحت جایز است واقف و غیر واقف را که درس بجد را که خواهند یا دو در روز یا ده
قرار دهند جواب جایز است اگر خلاف گفته واقف نباشد سؤال رد مظالم

چه معنی دارد و مصرف او کجاست جواب هرگاه شخص مشغول الذمه باشد بالغیر که بغیر
حق گرفته باشد واجبست بر او که پس دهد آن مال را بمالک شرعی و اگر نشناسد باید تصدق
کردن بر فقرا و مساکین و این رد مظالمست سؤال هرگاه کسی بر او اعتماد باشد و جمعی
با شکد شود جایز است که گوید که از بعد مرگ چنین کنند و بر وارثان عمل کنند او وصیت
یا نه جواب عدول المؤمنین باید در اینصورت وصایای آن شخص را بعمل آورند سؤال
هرگاه کسی وصیت کند بمالی که صرف او نماز و روزه قضا کنند و رد مظالم آیا آن از اصل
معتبر است یا از ثلث جواب نماز و روزه از جمله مالیست اصل و رد مظالم از اصل مالست
اگر موصی مشغول الذمه باشد و اگر تبرعا و احتیاطا وصیت کرده باشد از ثلث و اما ظاهرا
اقرار بشغل ذمه است سؤال اگر کسی در مرض موت هبه کند چیزی را که حاضر است و چیزی را
که در شهر دیگر است آیا هبه در مال حاضر و غایب هر دو صحیحست یا در مال حاضر جواب
هبه موقوفست بقبض قبل از موت اما قبض در ملک تخلیه است سؤال اگر کسی وصیت
کند خمس و زکوة و هبه هم کند پیش از وصیت مذکور یا بعد از آن آیا در اینصورت هر کدام
از هبه و وصیت از اصل اند یا از ثلث جواب وصیت از ثلث است و هبه خلاف دارد
اما هبه مقدم است بر وصیت هرگاه قبض شود و قبل از موت و زکوة و خمس از
اصلست سؤال وصیت بخمس و زکوة و غیر آنها از اصل معتبر است اگر متهم نباشد
یعنی چه جواب از اصل است اگر مشغول الذمه باشد بزکوة و خمس و اگر تبرعا
وصیت بزکوة یا خمس کرده میشود باشد یا متهم باشد بآنکه میخواهد وارث را
محروم کند از ثلث است سؤال هرگاه شخص تمام مال خود را وصیت کند باذن و
رضای وارث آیا او را میرسد که بعد از مرگ موصی عمل باجازت خود نکند و دو حصه مال را

جهة

جهة خود بردارد یا نه جواب از حدیث ظاهر میشود که رجوع کردن در اجازت در اینصورت
جایز نیست و اعتباری ندارد ٥ در بعضی از مسایل نکاح و بعضی از امور متفرقه مفیده
سؤال اگر شخصی گوید که من از غلبه ترکه نمیخورم و بهر فرش میت نمی نشینم احتیاطا تا وقتی
که علما تجویز کنند یا اجتناب چنین خوبست یا نه جواب بیاید خوبست والله اعلم سؤال
هرگاه عاقد وکیل میشود از جانب زن اگر هیچکس نباشد او را نشناسیم که این صدای
اوست یا زن دیگر است نشناسد ما میتوانیم وکیل شد جهت عقد بسبب اینکه صدای زن میشنویم
که او میگوید من راضیم یا چیزی دلالت کند بر آن هر چند که ندانیم که این صدا از آن
زنست یا زن دیگر یا نه جواب میتوان عقد کرد در اینصورت و نمیتوان شهادت
داد بصحت عقد اگر انکار شود بعد از عقد بدون بینه شرعی بتعریف نفی که
وکیل کرده آن شخص را و اگر بینه شهادت دهند که این فلان زنست بهتر است سؤال
هرگاه عاقد گفت که راضی هستی که ترا بعقد دوام بفلان مهر تزویج فلان شخص در
آورم و او گوید بلی آیا واجب بر عاقد که قبول را بگوید بعربی یا بفارسی یا نه
و اگر زن رضای خود را بفارسی بگوید درست یا نه جواب قبول باید و در
ایجاب و قبول و وکالت و جمیع عقود و ایقاعات عربیه شرطست با امکان و در صورت
عدم امکان فارسی جایز است سؤال در عقد نکاح و غیر آن در کار است که ایجاب
و قبول را در یک نفس بگوید یا نه جواب در کار نیست سؤال سفر مباح در رمضان با
پدر و مادر است و همچنین نذر و یمین یا نه جواب در سفر نذر حدیث بر خاطر نیست
و در یمین هست که لا یمین لولد مع والده سؤال خواهیدن دو مرد یا دو زن بدن

ضرورت در زیر یک لحاف جایز است یا نه جواب اگر رخت داشته باشند جایز است والا نهی
دارد و تحریم مختص نیست سؤال کسیکه زن سیده داشته باشد آیا بفاطمه علیها السلام
محرم میشود یا نه جواب بلی [موسوی و] حسینی و رضوی اما بنی عباسی چنین نیستند
سؤال این حدیث صحت دارد که در حینی که حضرت فاطمه ع در حیات بود در خانه حضرت امیر ع
بودند زنان دیگر بر حضرت امیر ع حرام بودند جواب بلی صحت دارد سؤال داخل
شدن بر زنان نامحرم هرگاه شوهر داشته باشند جایز است یا نه و اگر شوهر داشته باشند و در آن
ده یا در آن ولایت نباشند مثل آنست که باشد یا نه جواب جایز نیست بدون ضرورت سؤال
هرگاه مردی نگاه کند بسوی زن خوش صورت و هیچ مطلب ندارد مگر اینکه لذت
می برد و خوش می آید از نگاه کردن آیا حرامست یا نه و فرقی هست میانه اینکه با هم خویشی
داشته باشند یا نه و همچنین تفاوت هست میانه اینکه دختر داریده باشد یعنی اینکه
وقتی که از او جدا میشود بدان شکل باشد و میانه اینکه نباشد چنین یا نه و همچنین مردان
وقتی که نظر کنند بر زنان در جمیع آنچه مذکور شد جواب نگاه کردن در هر دو صورت
حرامست چون نگاه کردن بشهوت و لذت خواهش است و این قسم نهی بلیغ دارد سؤال
مقاربت در زیر آسمان هرگاه بر خود چیزی بپوشند مثل لحاف و غیر آن آیا کراهت برطرف
میشود یا نه جواب نهی مخصوص است بعدم ساتر سؤال هرگاه پدر حینی بگوید بعاقد که
فلان مال را مهر فلانه [زن] کن آیا این جایز است یا نه و میتواند بعد از آنکه بر مهر شد پشیمان شود
پیش از دخول یا بعد از دخول یا نه جواب این فعل جایز است و لزوم دارد سؤال
هرگاه آدمی در جایی باشد بسبب تنگی بودن سرا میان هر دو یا غیر آن از اسباب و در آنجا
زنها باشند که آواز خود را بلند میکنند چکار باید کرد جواب در غیر ضرورت جایز نیست

شنیدن

شنیدن آواز اجنبی سؤال شنیدن آواز زن هرگاه خوف فتنه و ریبه نباشد حرامست
یا نه جواب نهی دارد در غیر ضرورت و حاجت سؤال بعضی از مردم خطاب بحیوان
میکنند که ای پدر سوخته صاحب آیا آن موجب حد و حرامست یا نه جواب حرامست و تعزیر
دارد سؤال اگر کسی بیاید با دیگری بگوید یکی اینکس و یکی گوید که از جانب دختری وکیل
شده ام که او را بفلان شخص بدهیم بزنی خواه بیوه باشد خواه غیره و خواه چیزی
خوانده باشد و خواه نخوانده باشد و دیگری گوید که من وکیلم از جانب مرد و هر دو گویند
که مهر بر فلان قدر مقرر شده آیا در اینصورت جایز است که دیگری وکیل شود و عقد
کنند هر چند که آن دو نفر از جای دور پیامی باشند یا نه جواب احتیاط در آنجا
باید کرد چون احتمال دعوی و انکار دارد باید بینه طلبید اگر ممکن باشد اما اگر عقد
کنند و وکالت در واقع درست باشد نزاع نشود عقد درست سؤال هرگاه زنی
مهر خود را بشوهر بخشید در حالتی که آن مهر دین باشد و او را شاهد نباشد بعد از وفات [زوجه]
مدعی قسم میتواند خورد که من مشغول الذمه زن خود نیستم یا نه و بهیچ دست از او بر بیاید
یا نه جواب اگر راضی شود منکر بخشیدن بقسم مدعی میتواند قسم بخورد هرگاه داند که
زن بخشیده و بعد از قسم خوردن دعوی باطل میشود سؤال زیرا شنودن آواز مرد
جایز است یا نه جواب حدیثی [درین باب] در خاطر نیست احتیاط باید کرد در غیر ضرورت سؤال
در مطلق عقود و ایقاعات در کار است که آنها را بلفظ عربی واقع سازند در حالت
اختیار یا نه جواب خلاف دارد و ظاهر بعضی شرایط عربیت است در حالت اختیار نه در
حالت اضطرار سؤال شنوانیدن مرد آواز خود را بزن چونست جواب حدیثی در خاطر

نیست و در غیر حال ضرورت نمی‌باید کرد از برای احتیاط سؤال هرگاه اقتضا بعمل آید
آیا بر همان شوهر آن زن حرام میشود یا بر همه کس جواب بر همان شوهر سؤال
شنودن آواز زنان نوحه‌گر حرامست یا نه جواب تفاوتی نیست میان زنان نوحه‌گر
و غیر آن هر دو داخل نهی است سؤال یک شیر خوردن باعث حرمت میشود یا نه جواب
نمیشود سؤال هرگاه شخصی با دختری که چند خواهر خورد دارد شیر خورد آیا برادر مرتضع
خواهرها که شیر خورده و خواهرهای دیگر را میتواند زن کرد یا نه جواب نه سؤال
جد میتواند نواده خود را شیر دهد یا نه جواب نواده پسر را بلی و نواده دختر را نه سؤال
شخصی که دو زن داشته باشد آیا فرزندان یکدیگر را شیر میتوانند داد یا نه جواب بلی
میتوانند سؤال شخصی که بمال حرام زن خواسته باشد و مهر زن را از آن داده باشد
ازو حلالست یا نه جواب حلالست ۵ در بعضی از احکام اطعمه و اشربه و غیر آن سؤال
وقتی که نان میپزند گاه هست که اندکی میماند در تنور و مرتبه دیگر که میپزند باقی مانده میسوزد
و بر پشت نان میچسبد آیا واجبست پاک کردن او یا نه جواب نانی که میسوزد شخص
نیست که حرامست یا حلال احتیاط باید کرد سؤال جماعتی میروند بزیارت مزارها
و آش میپزند و گوسفند میکشند چه صورت دارد جواب هرگاه شرایط ذبح بعمل آید
گوشت و آش حلالست سؤال اینکه وعده افطار در ماه رمضان یا غیر آن نزد کسی داشته
باشد در جای دیگر افطار میتواند کرد یا نه جواب وفا بچنین وعده واجب نیست
و نقصی ندارد افطار کردن سؤال کسی خرما داد که تا آب افطار کند بکسی دیگر میتوان
داد یا نه جواب نقصی ندارد سؤال خوردن طعام کسی که ظاهر اینست که خمس و زکوة

نمیدهد

نمیدهد و همچنین طعام صاحبان منصب و کسی که مردم میگویند سود میخورد حلال
و بی‌شبهه است یا نه جواب تا یقین نداشته باشد که این طعام عین حرامست آن طعام
حلالست چون شخص مذکور حلال و حرام دارد بر تقدیری که مشخص شود که خمس و زکوة
نمیدهد و سود میخورد اجتناب این قسم شبهه واجب نیست و جمیع مال دنیا از این
قبیل است و احتیاط در اینجا بد نیست اگر ممکن باشد سؤال کرمهای کوچک که در میان
میوه میباشد از بابت سیب و زردآلو و غیر آن و فضله آنها و همچنین کرمی که در میان
آب میباشد احتیاط در اینها چه صورت دارد جواب احتیاط کردن خوبست سؤال
آنچه در دنباله کشمش خشک میشود مثل چوب و نیزکی که در عقب نان میباشد که چوب
محسوب میشود چه صورت دارد جواب متعلقه و حرمتش معلوم نیست سؤال
دانه آلو بالو و کیلاس و دانه سنجد و چوب که با قوت چسبیده آنها حلالست یا نه جواب نهی
دارد و نص خاصی ندارد سؤال نان و امثال آن هرگاه که دندان بر آن میگذاریم معلوم میشود
که به خاک گذاشته میشود چنانکه هیچ لقمه نمیخوریم مگر که چیزی هست آیا خوردن چنین
چیزی حرامست یا نه جواب اگر مشخص شود که یقین خاکست پس خاک نمیتوان خورد
و اگر احتمال دیگر دارد حکم بتحریم نمیتوان کرد و در غالب احوال میشود و خیال مینماید سؤال
اگر در ولایتی دهقان باشند که هرگاه تحصیلدار بیاید او را خرج دهند و آزاد دهیم میگویند
آیا اگر کسی از آن طعام بخورد باذن صاحب خانه هرچند که طعام را بقصد تحصیلدار
ریخته باشد و شخص داند یا ظن غالب باشد که اگر آن آن تحصیلدار نبود این طعام
نمی‌ریخت و همچنین خوردن صاحب خانه و عیال آن از آن حلالست و بی‌شبهه است یا نه جواب

مالک طعام میتواند از آن طعام بخورد و هر گاه علم که مالک رخصت دهد سؤال هر گاه
جماعتی از اهل سنت باشند که چندان ملاحظه از نجاست ندارند و قهوه و روغن میسازند
و بسیاری مردم از ایشان میگیرند چه صورت دارد جواب اهل سنت دو قسمند آنکه
مستضعف باشند یعنی با اهل حق عناد و دوستی ندارند از آن نقصی ندارد و آنکه دشمنی
با امامان ع داشته باشند یا با شیعه از راه شیعه بودن بد باشند نه بمطلبی دیگر این
دو صنف دغدغه دارد سؤال وقتی که انگور را در جائی سرکه میاندازند آب در میان
انگور داخل میتوان کرد یا نه جواب میتوان کرد مانع نیست سؤال هر گاه شخصی بدهی
یا شهر غریب چیزی آورده جهة فروختن و ما از آن چیزی خریدیم که قیمت آنرا فردا
بدهیم و بعد از آنکه قیمت باو بردیم که باو بدهیم آنشخص رفته بود و نمیدانیم کجاست
و او را هیچکس نمیشناسد چکار باید کرد جواب میباید تعریف کرده و تفحص نمود تا صاحب
پیدا شود و اگر بعد از یاس تصدق کند بآن مال بقصد ضامن بهتر است و اگر صاحب
بعد از آن پیدا شود باید داد والله اعلم سؤال اگر کسی در کبرسن شیر زن را بخورد
و همچنین طفل بعد از دو سال جایز است یا نه جواب در طفل تا دو ماه بعد از دو سال
میتوان داد و زیاده در طفل و غیر آن احتمال حرمت دارد سؤال با اهل سنت چیز
خوردن چه صورت دارد جواب اگر با شیعه تعصب نداشته باشند پاک و اگر تعصب دارند دغدغه
دارد سؤال گوسفند که میدوشند گاه هست که در میان ظرف شیر بول میکنند یا
فضله اش میریزد و فضله اش روان است و ممزوج به شیر میشود دغدغه دارد یا نه جواب
دغدغه ندارد ❊ در بیان بعضی از مسایل متفرقه سؤال حدیث هست که از حیوانات ٤

که بهشت

که به بهشت خواهند رفت سگ اصحاب کهف است سگ غیر العین است چه صورت دارد
جواب نقصی ندارد و حدیث در سنت سؤال سوختن استخوان چه صورت دارد
جواب نقصی ندارد حدیث منع در خاطر نیست و منع کردن مردم از آن واجب نیست
سؤال هر گاه شخصی انکار این حدیث کند که آسمانها هر یک لون مخصوص دارند و
گوید عقل ما این را قبول نمیکند و هر چه از فرموده بعقل خود می فهمیم اگر فهمید کرد
قبول میکنیم والا فلا حال این شخص چیست جواب آنچه متواتر و ضروری دین باشد
انکارش موجب کفر نمیشود اما جرأت بر خدا و ائمه ع است سؤال در صورتی
که کسی نذر کرده باشد که حج پیاده کند بنا بر قول بوجوب ایستادن در کشتی آیا در صورتی
که لنگر کشتی را انداخته شد واجبست ایستادن یا نه جواب لازم نیست والله اعلم سؤال
ناذر مذکور را واجبست که ترک نوافل کند چه بکند در وقت تشهد باید نشست چون صادق
نمی آید که یقوم فی المعبر یا نه جواب واجب نیست ترک نوافل والله اعلم سؤال شخص مذکور را
جایز است که هر چه خواهد از نماز قضا و غیر آن بکند چون نماز کردن آسان تر است
از محض ایستادن یا نه جواب از عمومات و اطلاقات ظاهر میشود که نماز بسیار کردن
در اینصورت جایز و خوب و راجحست اما در حال قیام حتی نماز سنتی والله اعلم سؤال
شخص مذکور را تشهد و تسبیحات رکوع و سجود و سلام را طول میتواند داد یا اقتصار
باقل واجب باید کرد جواب احتیاط در اینجا بهتر است و ظاهرا که مراد او [illegible]
مراعات باید کرد سؤال شخص مذکور را تکیه کردن بر دیوار کشتی جایز است یا نه جواب

جایز است یا نه هرگاه قیام صادق باشد جواب نادر مذکور نشستن بقدر ضرورت
و خوابیدن جایز است یا نه جواب نشستن بقدر ضرورت و خوابیدن جایز است سوال
نقل کرده اند که حضرت امیر المؤمنین ع در طفولیت مادر را در گهواره دریده از این راه
آنحضرت را حیدر میگفتند اصلی دارد یا نه جواب احتمال دارد که از غرایب آنحضرت باشد
سوال فرق میان رده و کفر و شرک چیست و نفاق کدام است و کافر مرتد کدام است
و تا چند نوبت توبه مرتد قبولست جواب رده کفر است که بعد از اسلام حاصل شده باشد
و کفر اعم است از کفر اصلی و رده و نفاق اظهار اسلام است با اعتقاد کفر در دل و مرتد کافریست
که بعد از اسلام آوردن کافر شود و توبه همیشه قبولست بیان نماید و ضدا بشروط توبه والله اعلم
سوال سبب چیست که تکالیف زنان در نه سالگی میشود و از مردان در پانزده سالگی یا قدری
کمتر باوجود آنکه عقل مردان زیاده بر عقل زنانست جواب جواب اجمالی آنست که دختر
باید پیش از تکلیف کسب نصف عقل کند و پسر باید که عقل تمام را کسب کند خدای تعالی
فرموده والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا و جعل لکم السمع و الابصار
و الافئدة پس باید که مدت تکلیف دختر کمتر از مدت تکلیف پسر باشد بقدر نصف
تخمینا و جواب تفصیلی آنست که پسر و دختر مدت سه سال قابلیت کسب عقل ندارد و هرگاه
دختر کسب نصف کند هر دو در مدت شش سال پسر باید که کسب عقل تمام کند در مدت دوازده
سال و بعد از ضم قدری مشترک نه ساله و پانزده ساله درست میشود والله اعلم

مجموع مسایل
دویست هشتاد
مسایل است

این منتخبیست از کتاب هدیة الاخوان و تحفة الخلان تصنیف ملا محمد کاظم سبزواری
که بعضی مسایل ضروریه از عالم فاضل متبحر کامل غواص بحار الانوار جامع منقول و معقول
حاوی فروع و اصول مبین حلال و حرام جمال الملة و الدین مولانا محمد باقر بن محمد تقی
مجلسی اصفهانی نور الله مرقده و برد الله مضجعه استفتا نموده است میگوید
مصنف رحمه الله که بباید نست که مسایل دین را از هر کسی فرا گرفتن صورت ندارد
بلکه کسی که از احادیث اهل بیت خاطر نشان کند و فهیده باشد و بظن خود عمل بکند
و فتوی نتهد لهذا این مسایلی که ذکر میشود بعضی از انها است از حضرت فضیلت
و افادت پناه پسندیده خلق و الله سالک مسلک صلاح و سداد و رشاد حاجی محمود
بیش نماز که در نهایت احتیاط و تقدس ذات بوده است که رفته شده و ملازمان
ایشان اناض الله سلطه استشنیده بودند و خطا ایشان نیز دیده شد و بفقیر دادند
که از روی خط ایشان من نوشتم و بعضی دیگر را از جناب فضیلت پناه موفق بتاییدات
الهی حاجی محمد حسین بقچی که در نهایت تدین و صلاح و سداد بوده ملتکرفته
شد و بسیاری از انها را از جناب فضیلت و تقوی شعار حاجی محمد شریف بیرجندی
که در کمال دین داری بود و خود از برای مسایل مذکوره باصفهان تشریف برده

بودند

بودند و از جناب ایشان استفاده نموده بودند و فقیر را نیز شرف ملازمت ایشان
روزی گردیده و قدری از مسایل نیز شفاها از خدمت ایشان استفتا نموده
و الله الموفق و المعین در بیان آنچه تعلق باخذ مسایل و کیفیت عمل و طریق
نقل آن دارد سوال در فعلی که بعضی علما قایل بحرمت شده اند و بعضی بکراهت
احتیاط واجبست بر کسی که از علما دور است یا سنت و هم چنین در فعلی که بعضی قایل
بوجوب شده اند و بعضی قایل باستحباب جواب جزم بوجوب مشکلست و
احتیاط مسلک نجاتست سوال در امری که متردد است میان حرمت و جواز
آیا ارتکاب آن باعث عقوبت میشود یا نه جواب نوشتند که جزم به عقوبت
مشکلست اما احتیاط طریق نجاتست سوال از احادیثی که در باب احتیاط واقع
شده است استدلال میتوان کرد که هرگاه در مسئله چند قول باشد اینکس عمل بقول
کند که در آن احتیاط بیشتر است هر چند که از برای هیچکدام حدیثی نباشد یا حدیث
باشد اما همان از برای او قولی که در آن احتیاط نیست و هم چنین آیا از احادیث
احتیاط معلوم میتوان کرد که در مسئله اختلافی چنان رعایت احتیاط کنیم که عمل
بهمه قولها واقع شود اما کسی قایل نشده باشد بمجموع آنچه ما رعایت کرده ایم
مثل اینکه در سفر که چهار فرسخ باشد در حالتی که قصد رجوع در همان روز
نداشته باشیم هم قصر نماز کنیم و هم اتمام جواب اگر کسی را از راه تعارض
ادله اشتباه باشد چنین که هر دو را بایدکرد اما خصوص این مسئله ورود خبر

احادیث صحیحه بر قصر دلالت دارد و را تمام کردن از روی احتیاط تا مرا است
ظاهر اخبار احتیاط شامل باشد و الله یعلم سؤال شیخ بهاء الدین علیه الرحمه
وغیر او دعاها و اعمال سنتی که در کتب خود ذکر کرده اند و نگفته اند که این در حدیث هست
عمل کردن باو چه صورت دارد جواب دعا قصور ندارد و اعمال دیگر را اگر خلاف
باشد از عالم باید معلوم کرد سؤال بکتاب عالمی که زنده است عمل میتوان کرد و
و بدون اجازت روایت احادیث باید جواب ظاهر اگر درست بفهمد عمل توان کرد و تصنیف
کردن اجازه نقل احادیث سؤال اگر حدیثی ببینیم در کتابهای معتبر و ندانیم که معنی
او چه چیز هست یا ظن غالب باشد که معنی او چه چیز هست اگر چه باستعانت کتاب
لغت هم باشد آیا بآن میتوانیم گفت که چنین کند باید جواب با عدم رتبه ترجیح مشکلست
و در حالت اضطرار اگر احتیاط نتوانند کرد شاید عمل توانند کرد یا بعالمی رجوع کنند
اگر شخصی از ما مسئله بپرسد در جائی که هیچ عالمی نیست و ما نمیتوانیم که آنرا از کتابهای
فقهی پیدا کنیم یا از کتاب حدیث آیا اگر چنین بکنیم کتمان علم کرده ایم و مقصریم
یا نه جواب اگر بگوید که علما چنین گفته اند یا حدیث چنین وارد شده شاید کم
بد نباشد سؤال علوم موقوف علیه علم حدیث کدام است جواب
علم صرف و نحو و لغت و قدری از معانی و بیان و تفسیر و کلام و منطق و رجال
و عمده تتبع تام هست در حدیث و ملاحظه اقوال واسعه علما خصوصا
قدما و الله یعلم سؤال تعلّم و تعلیم علم اعداد و رمل و علم کیمیا و علم نجوم را
و استعمال اینها جایز هست یا نه جواب ظاهر مشکلست که جایز نباشد و علم اعداد

بعضی

بعضی از علما داخل سحر میدانند سؤال تعلّم و تعلیم علم طب جایز هست یا نه جواب
احادیث جواز رجوع باطبا و اعتقاد بر قول ایشان دلالت میکند بر جواز سؤال
در اصول دین چه قسم جماعتی را تقلید جایز خواهد بود باعتقاد شما و جماعتی
که تقلید نکنند چه مقدار دلیل از برای ایشان کافیست که کمتر از آن احتمال دغدغه داشته
باشند جواب هر کس بقدر فهم و قابلیت خود مکلّف است و هر دلیلی که موجب علم
ایشان شود کافیست اگر چه دلایل اجمالیه باشند و الله تعالی یعلم سؤال در بطلان
خلفای ثلثه هرگاه اکثر مردمان از قرآن یا از کتابهای ایشان نتوانند آنجماعت را
الزام داد چه صورت دارد و بعضی شنیدن که بد بوده از آنجا میکنند و اعتقاد
دارند ببدی ایشان اما دلیل معقول نمیتوانند گفت جواب هرگاه دلیل
امامت داشته باشند که امام معصوم هست هر چه از امام در حق ایشان رسیده دلیل
بطلان خواهد بود سؤال در اثبات باری تعالی و وحدانیت او لازم هست که کسی
کتب کلامیه را ببیند یا همان دلایلی که از معصوم تلقی شده کافیست جواب
در کار نیست بلکه از قرآن فهمیده میشود سؤال در نبوت و امامت احتیاج بدلایل
متکلمین هست یا نه و هرگاه اعتقاد جزم کنیم بحقیقت اخباری که بمعجزات و
غرایب که از ایشان بحصول پیوسته چون میدانیم که روات ایشان ضبط عظیم و
حفظ شدید داشته اند در باب اخبار و عقل تجویز نمیکند که این همه اخبار معجزات
ایشان خصوص رسول خدا که نقل میکنند دروغ باشد جواب کافیست و ضرور
در امامت دلایل عقلی کم میتوان گفت سؤال در مسائلی که تعلق بطهارت و نجاست دارد

سؤال عرقی که از سقف حمام بریزد پاکست یا نه واگر شخصی که در نماز است این عرق
بر او بریزد آنچه بر او واجبست چیست جواب حکم به نجاست نمیتوان کرد واگر احتیاطا
نماز را بعد از تطهیر اعاده کند خروجا عن الخلاف بهتر است سؤال غساله حمام
که مذکور است در کتب احادیث وفقها کدام است وحکم آن چه چیز است جواب
ظاهرا آبیست که در زمین حمام جمع میشود وچاهی که در حمامها میبوده که آب غسل
در آن جمع میشده که الحال مجلاب بعضی آنست سؤال مثلا کسی که روی خود را
که نجس است میشوید وآب جدا میشود یا بر رو وبدن حرکت میکند وبجامه وعضو
دیگر میرسد آیا پاکست یا نه جواب اگر غساله یا شستن اوله باشد اجتناب احوط است
سؤال غساله بدن وجامه وظرف پاکست یا نه جواب جزم به نجاست نمیتوان
کرد بدون تغیر ولیکن احوط اجتناب است سؤال اگر باران در وقت باریدن بر زمین
نجس بچکد وبه جسد وبر جامه وغیر جامه آیا نجس میشود یا نه جواب اگر آب باران
بر زمین جاری شده باشد نجس نمیشود والا احوط اجتناب است سؤال مثلا
قدری که از سفال است از آب نجس پر شد وبعد از خشک شدن اگر آنرا با آب فرو
برند فی الحال بیرون آورند ظاهر وباطنش پاک میشود که اگر بعد از آن آنرا پر
آب کنند وقدری بگذارند که آب از ظرف بیرون آید آن آب بیرون آمده پاکست
یا نه جواب احوط آنست که قدری در میان آب بگذارند که آب پاک بهر جا که
آب نجس رسیده است برسد سؤال کوزه که از گل نجس ساخته شود
به پختن پاک میشود یا نه جواب مشکل است سؤال آب نجس که یخ شود وبرف
نجس را چون متصل به آب جاری کنند طاهر میشود یا نه جواب آب نجسی

که

که یخ شود ظاهرا آب کشیدن پاک نشود وبرف نجس را اگر در میان کر فرو برند وآب
نفوذ کند در آنچه نجاست نفوذ کرده است ظاهرا پاک شود سؤال اگر تمام دست
انگشت یا جامه نجس باشد ونصف آنرا در آب کشند آن نصف نجس سرایت میکند
باین نصف آب کشیده یا نه جواب محل خلافست اکثر گفته اند که جایز است سؤال
اگر تمام بدن انگشت تر باشد چنانچه آب روان باشد بلکه بعضی جاها قطرهای
آب ایستاده است آیا اگر بعضی بدن نجس شود سرایت بباقی بدن میکند یا نه جواب
اکثر گفته اند از اعلی بسفلی سرایت میکند نه بعکس وبعضی بسرایت مطلقا قایل
نیستند ومسئله محل اشکالست والله یعلم سؤال خشت وسنگی را که فرش کرده
باشند اگر نجس شود وآب بر آن ریزند تا تر شود وآفتاب آنرا خشک کند پاک میشود
یا نه جواب ظاهرا اگر آب بریزند وبآفتاب خشک شود وعین نجاست زایل شده
باشد پاک میشود والله یعلم سؤال هرگاه اندرون دماغ خون دشته باشد وآب
دماغ بر همین خون جاری شود وبیرون آید وتغییر نکند نجس میشود یا نه جواب
اشهر واقوی عدم نجاست است واحوط اجتناب است سؤال اگر از بیخ دندان
کسی خون بیرون آید آیا تمام دهن نجس میشود یا همان جائی که متغیر شده
جواب مشهور آنست که بخصوص نجاست آلوده است وبزوال عین نجاست
پاک میشود واحوط آنست که بعد از زوال عین مضمضه بکند سؤال بچه حیله حکم
بطهارت مساجد کنیم با وجود اگر می بینیم که مردم وما خود در وقت گل وبرف
وباران داخل میشویم به بیت الخلا وبازار وکوچه که سگها وکفار بسیار راه میروند

وزیر کفش نجس میشود و زمینها تر هست و در راه مسجد زمین خشک نیست یا هست
و بجهة راه رفتن بر روی آن ته کفش خشک نمیشود و با وجود این داخل مسجد
میشوند و همچنین در حکم کردن بطهارت بازارهای سرپوشیده و دهلیزها
و کفش کن خانها التماس آنست که چنان کنند که وسواس و وسواسیان از آن
جواب برطرف شود جواب علم قطعی که بنجاست بهم می رسد و ظاهر بسیار
از احادیث آنست که زمینها از آب ریختن و بهم پاشیدن پاک میشود و از بعضی ظاهر
میشود که خاکها و گلها بحرکت دادن و مخلوط شدن به یکدیگر و پامال شدن
پاک میشود و بعضی از زمین بعضی را پاک میکند و دور نیست که ته کفش بر او رفتن
در زمین تر نیز پاک میشود با انضمام اینها هم حکم بنجاست مساجد و بازارها نمیتوان
کرد والله تعالی یعلم سؤال اگر قالی و غیره پلاس و لحاف و نهالی و بالشت
که پنبه یا چیز دیگر در میان او کرده باشند و آنچه از پوست ساخته شده باشد
مثل مسمی و کاتبی و کفش و موزه نجس شود و آب قلیل بر آن ریزند چنانچه
نجس را فرا گیرد و مطلق آنست که نغاز ندهر چند که فشردن او بقدر ممکن باشد
آیا طاهر میشود یا نه جواب مشهور عدم طهارتست و احوط عصر هست در آنچه
عصر ممکن باشد و الا بکوبند تا آنچه ممکن باشد بیرون رفتن از آب بیرون
رود سؤال ریسمان نجس خواه از مو باشد خواه از غیر اگر در آب قلیل طهارت
دهند احتیاج اخراج آب آن بقدر مقدور هست یا نه جواب احوط آنست
که عصر بعمل آید سؤال ظرفی را که اندرون او نجس شده باشد بچه نحو طهارت

باید

۳۹

باید داد جواب آب بر بیرون بریزد و بر اندرون بگردانند و بریزند در غیر لیسیدن سگ
دو مرتبه احوط است سؤال آب چاه بملاقات نجاست نجس میشود یا نه جواب ظاهرا
نجس نمیشود سؤال موش نجس العین هست یا نه جواب استعمال سؤر آن را مکروه میدانند
سؤال آب کمتر از کر بملاقات نجاست نجس میشود یا نه جواب اشهر و اقوی آنست که
نجس میشود سؤال نجس العین چند چیز است که از ایشان و سؤر ایشان اجتناب باید
کرد جواب سگ و خوک و کافر سؤال در وقتی که آب بهم نرسد و گلاب بهم رسد
با وضو چکار کنیم جواب اگر بگلاب وضو سازد و هم تیمم کند احوط است سؤال زرق پرنده
طیر غیر ماکول اللحم پاکست یا نجس جواب احتیاط عظیم اجتنابست سؤال در
وقت تعدی غایط خود را بسنگ میتوان پاک کرد یا نه جواب اگر از حد استنجا عرفا بدر
نرفته باشد دور نیست که توان کرد و مشهور آنست که واجبست استنجا با آب سؤال
آب ~~استنجا پاکست~~ هرگاه شخصی استنجا با آب کند از غایط و بدست دست آب بریزد
و بدست چپ خود را پاک میکند آیا پیش از آنکه پاکیزه شود استنجا پاکست هر چند دست
ملوث بنجاست شده باشد یا نه و بعد از آنکه مخرج پاک باشد از عین نجاست آیا
دست را علیحده آب باید ریخت یا نه یا احتیاج نیست جواب پاکست هرگاه دست
پیش از آب بر مخرج وارد نشده باشد و اگر عکس شده باشد نیز ظاهرا پاک باشد
اما محل خلاف است و بعد از زوال عین از دست و از مخرج دیگر آب ریختن در کار نیست
کلام سؤال یکره التخلی علی قبر یعنی چه جواب یعنی بول و غایط کند بر روی قبر
سؤال زمین نجس را که بروبند آن گرد چه حکم دارد جواب آن گرد نجس نیست

سؤال مثلا سگی از خانه بیرون آید و دهن او آلوده بماسی باشد یکظرف ماست
یا زیاده باشد حکم آن ماستها چیست جواب احتمال دارد که آن سگ از بیرون خانه
دهن آلوده داخل شده باشد بر فرضی که کسی نه بیند که داخل شود و دهنش
آلوده نباشد آن چند ظرف ماست داشته بنابر فرض اجتناب از جمیع باید کرد
سؤال ازالهٔ نجاست از بول و غیر آن چه روش باید کرد که پاک شد جواب ازالهٔ
نجاست از بول دو نوبت باید شستن و احتیاط دو نوبت بفشارد یکی در میان
و یکی در آخر و در باقی نجاسات بغیر از لیسیدن سگ بعد از ازالهٔ نجاست یکمرتبه
باید شست سؤال از بابت مگسی در بیت الخلا از روی زمین نمناکی بر بدن
نشیند یا بعضی حشرات دیگر که رطوبت نجاست از ایشان معلوم نشود چنین
است یا نه جواب آنها همچنین اند تا علم بهم رسد برطوبت از نجاست سؤال
خانه که آفتاب نیفتد بسبب آب قلیل رقیق پاک میشود یا نه جواب هرگاه
آب بریزند بحیثیتی که آب مستولی شود پاک میشود سؤال در زمستان و بهار
در کوچهائی که بعضی جاها آبها متصل است و گل است و برف آب شده و نجاست
ظاهر است در آن کوچه باشند آن آب و گل در نجاست و طهارت بر شمع کردن
بر رخت یا بدن کسی چه حکم دارد جواب چنانچه نجاست متصل با آب باشد تا هرجا
که آن آب اتصال دارد نجس است و گل چنانچه نجسی در آن باشد که نجاست نفوذ
کرده باطراف آن گل آن اطراف نجس خواهد بود و الا نجس نخواهد بود سؤال
اگر کسی خواهد احتیاط کند از شیرهٔ انگور بعد از غلیان بنابر قول نجاست

هنوز

هنوز که ثلث نشده و برخت عمله آن رسیده در وقت نماز چون کند و بعد از ثلث
شدن بنابر قول بنجاست احتیاج بشستن خواهد بود یا نه جواب حکم بنجاست
مستندی ندارد و آنچه مستند آن شده آن صورتی ندارد و کسی که قائل بنجاست
شده حکم کرده که اینها بتبعیت پاک میشود سؤال جمعی مردم جامه باف که ریسمان
پنبه را بچوب کو سفید رنگ میکنند چه حکم دارد جواب ظاهرا تاوان و ضلالی ندارد
اگر کسی احتیاط کند بهتر است سؤال در آب خیابان مشهد مقدس چه میفرمایند
که استعمال کنند و وضو و غسل بساختن باشند و مشهور است که شاه عباسی وقف کرده
و گفته است که تا از صحن مقدس بگذرد کسی نگیرد و جمعی میگویند چون آب چشمه است
همه مسلمانان شریکند و نقصی ندارد جواب فرمودند هرگاه شهرت مستفاضه بهم رسیده
باشد که چنین وقف شده نباید گرفت از آن نهر که داخل آب را دیگر تحقیق شهرت باشد
فتحقیق نیست تعدد آن و آب چشمه بودن دخلی ندارد هرگاه کسی تصرف کند نهر
جاری کند مالک آن میشود سؤال در آب کاریزی که بدون معرفت و اذن صاحب
که آیا مال صغیر هست یا نه وضو ساختن و غسل کردن و آب بده مشنی درخت
چه حکم دارد جواب استعمال ضروری هر یک از اینها تا عدم رضا مستحق نباشد
جایز است سؤال در قریها و مزرعها عاملی دارند و عادت چنین جاری شده
که آب هر کس باشد میبرند و کسی هم مانع نمیشود گاه میشود که صغیری یا غایبی دخل
داشته باشند در آب مذکور غسل کردن و وضو ساختن در چنین صورت چه حکم دارد

با وجود دانستن که صغیره بیک غسل کردن مشکلست احتیاط اینست که شخصی قدری آب
بخرد و وقف کند بر حمام که هر روز حمام را از آن آب پر کند و در صورت اضطرار
که بهیچ وجه صورت نتوان داد و آب دیگر یافت نشود دور نیست که باعتبار ضرورت
جایز باشد سؤال در آب غصبی وضو میتوان ساخت یا نه جواب آب غصبی دو
قسم است یکی آنکه صاحب آب در ظرف بوده و غصب کرده اند یا کاریز را ظاهر آنست
چون صاحب ضبط نموده اند وضو ساختن و غسل کردن و آشامیدن و باقی استعمالات
صحیح نیست اما اگر نهر را غصب کرده اند یا کاریز را ظاهر آنست که استعمالات
ضرور مثل وضو ساختن و آشامیدن و غیر آن جایز است سؤال هرگاه کسی خواهد
که زمینی که دغدغه در آن داشته باشد کری از آب یا زیاده بریزد اگر در ظرف متعدد
کنند بیکدفعه همه را بریزد که از هم منفصل نشود صورتی دارد یا نه جواب
مشکلست باین طریق و مطلق کر کردن نیز سندی ندارد سؤال شخصی حمامی
ساخته از وجوه غصب و حرام مخلوط بهم در آن غسل کردن چه صورت دارد
و چکار کند از دغدغه برآید جواب اگر صاحبش را بداند راضی کند و اگر نداند
ما که غسل میکند از حلال بسازد دغدغه برطرف میشود در صورتی که علم نداشته
باشد که از حرام ساخته اند ظاهرا غسل درست باشد [illegible] در آنچه متعلق است
بوضو و نواقض آن و غسل و تیمم سؤال اگر بعد از شستن رو و دستها هفت
هشت قدم یا ده بیست قدم راه برود و مسح پاها کند چونست جواب ظاهرا
قصوری ندارد اگر اعضا تر باشد و احوط آنست که مشغول دست شستن و تخلیل

اعضا

اعضا باشد تا رسیدن بآن مکان سؤال کسی که فصد کرده باشد در موضع وضو
تیمم کند یا وضو بسازد و اگر احتیاج بغسل افتد غسل کند یا تیمم کند جواب
اگر جبیره میتواند کرد وضو و غسل افضلست و دور نیست که مخیر باشد میان تیمم
و جبیره والله یعلم سؤال جبیره از برای چه قسم جبیرگی زخمی میباید جواب هر زخمی
که مظنون باشد که اگر جبیره نکند آزار باو میرسد که عادتا تحمل آن نمیتوانند ظاهرا
جبیره کافی باشد و اگر با تیمم جبیره ضم کند بهتر است سؤال وضوئی که از آب
مغصوب ساخته شود صحیح است یا نه جواب احوط اجتناب است سؤال
در وضوئی که پیش از غسل جمعه باید کرد چه نیت میکند جواب بهتر آنست که اگر
مشغول الذمه بنماز واجبی باشد بآن قصد بکند و الا بر قصد رفع حدث و مباح
بودن مطلق نماز واقع سازد که هر نمازی که خواهد توان کرد و قصد قربت
بآن ضم کند والله یعلم سؤال پیش از دخول وقت نماز آیا وضو صحیحست یا نه
جواب احوط آنست که پیش از وقت وضو را بقصد تهیؤ عبادت بالطهارة بجا آورند
هر چند که اراده بجا آوردن آن نداشته باشد سؤال وضوی سنتی هرچند که از
برای نماز غیر سنتی باشد نماز واجبی را میتوان کرد یا نه جواب ظاهرا توان کرد
و احوط آنست که استباحت صلوة ضم کند سؤال اگر موضع مسح در وضو تر باشد
وضو درست است یا نه جواب اگر رطوبت قلیلی باشد مانند عرقی که در بدن
میباشد قصوری ندارد و اگر زیاده باشد که بآب مسح مخلوط شود احوط خشک کردنست

سؤال اگر کسی در روز جمعه غسل جنابت کند در وقت غسل کردن وقصد نکند از روی سهو که از برای جمعه وزیارت حضرات وتوبه وجنابت همه هست آیا علیحده غسل جنابت وباقی اغسال مستحبه را باید کرد بعد از غسل جنابت یا نه جواب ظاهر از برای همه کافی باشد وغسل دیگر در کار نباشد سؤال آیا هر جا که غسل سنت باشد از قبیل غسل زیارت وغیر آن هرگاه از غسل متعذر باشند تیمم بدل آن سنت خواهد بود یا نه جواب مسئله محل خلافست از معصوم ع در این باب خبری نرسیده سؤال با هر فرد از افراد غسل مستحبه هر فردی از افراد غسل واجب غیر جنابت اگر پیش از غسل وضو نساخته باشد وضوی بعد از آن واجبست از نماز واجب وسنت یا نه جواب مظنون آنست که در کار نباشد واحوط آنست که پیشتر وضو بسازد سؤال کیفیت غسل ارتماسی چنست در میان آب اگر نیت کند وفرو رود جواب ظاهر انجز هست واگر از آب بیرون آید بموضع طاهر وبعد از نیت داخل آب شود بنحوی که فاصله نشود احوطست سؤال اگر در غسل ترتیبی مثلا بعد از شستن سر وگردن دوش چپ خود را بشوید وبعد از آن دوش راست جایز است یا نه جواب جایز است سؤال غسل واجب برای نماز سنتی درست یا نه جواب ظاهر اقصد قربت واستباحت صلوة اگر بکند درست سؤال اگر در اثنای غسل حدث اصغر واقع شود غسل باطل میشود یا نه جواب ظاهر اگر بعد از غسل وضو بسازد کافیست واگر اعاده غسل نیز بکند احوطست سؤال تصدق کردن وقران خواندن وسایر

اعمال خیر از برای طفلی که مرده باشد سنت است یا نه جواب معلوم نیست استحباب سؤال صحیفه که مردم مینویسند حدیث دارد یا نه جواب شیخ طوسی در مصباح ذکر کرده وظاهر شی آنست که حدیث بآن رسیده باشد سؤال در تیمم کردن که نیافتن آب شرطست مثلا کسی در اول وقت نماز میداند که در یک فرسخی یا دو فرسخی یا زیاده وکم آب هست آیا تیمم جایز است یا نه وقتی هست تیمم کردن که اطلاع بر آبی که تحصیلش ممکن است تا آخر وقت نماز نداشته باشد جواب هر جا که تحصیل آب تا آخر وقت نماز تواند کرد تیمم کردن جایز نیست سؤال چرک که از شستن بیخ ناخن مانع صحت وضو وغسل میشود یا نه جواب مانع شدنش محل اشکالست احتیاط در آنست که چرک را برطرف کند ف در مسایل متعلق بنماز وارکان واذکار نماز وبعضی از مسایل متفرقه سؤال اگر کسی را علم عادی بهم رسد به بیرون رفتن وقت نیت ادا کند یا قضا جواب اگر احتمال بقای وقت داشته باشد قصد قضا نمیتواند کرد سؤال قدری که میان اذان واقامت مردم میشی میگذارند سند صحیح دارد یا نه جواب روایتی نقل کرده اند وبعضی از فقها نیز گفته اند سؤال اذان ثانی را که بدعت می دانند در روز جمعه باعتقاد شما کدامست بعضی میگویند که اذان اعلام را نباید گفت که اذان نماز ظهر که بعد از آن گفته شود احتمال اذان ثانی خواهد داشت جواب اگر مطلقا اکتفا بیک اذان از برای نماز اول وثانی بکند احوطست چنانچه مدار عمل ما بر آنست اما حکم بحرمت مشکلست وتفصیلش در بحار مذکور است سؤال دهلیزهای مسجدها داخل مسجد است

ومیتوان نگفت که ثواب مسجد دارد یا نه جواب احتمال دارد ثواب داشته باشد
هم داخل باشد سؤال تسبیح را زینت بطلا و نقره کردن و دانه میان آنرا
از طلا کردن چونست جواب اگر مردان مزین زینت بطلا بدست بگیرند بهتر نیست
و احوطست سؤال جماعتی که خود بمسجد نمی آیند که در جائی بنشینند و رحل خود را
بگذارند و حرکت کنند و جمع دیگر بواسطه ایشان میگیرند و مانع مردم میشوند
چونست جواب این از جمله چیزهاییست که خدا علاج کند سؤال اگر از خاک
کربلا قدری داخل این خاکها کنند آیا فضل دارد هر چند ده یک آن یا پنج یک آن
خاک کربلا باشد یا نه جواب آن فضل خاک کربلا را معلوم نیست داشته باشد
اما خالی از فضل نیست سؤال سجده بر هنگ و تیمم بر آجر چینه جایز است یا نه
جواب سجده ظاهرا توان بر هنگ کرد و تیمم نیز ظاهرا اینست که جایز باشد
اما بهتر اینست که اگر خاک یافت شود تیمم بر خاک کند و بر آجر هم ظاهرا جواز است
سؤال در حمام اگر بپرسیم که قبله در کدام طرفست عمل بقول ایشان میتوان
کرد یا نه جواب اگر ظن غالب بجهتی داشته باشد در تیامن و تیاسر شاید
رجوع بقول ایشان توان کرد سؤال زنان را در حریر محض نماز کردن جایز
است یا نه جواب ظاهرا توانند در حریر محض نماز کردن سؤال همراه داشتن
طلا در نماز چونست جواب اشرفی رخصت دارد و شمشیر طلا هم شامل آن
نیست و زیور اگر همراه نباشد هر چند در موضع خود نباشد صحی دغدغه
دارد چیز غصبی همراه داشتن هر چند لباس باشد و پوشیده نباشد دغدغه دارد

سؤال اگر

سؤال اگر اشرفی یا شمشیر طلا با کسی باشد در نماز چونست جواب اگر زیور باشد
مثل انگشتر و حلقه دغدغه میشود و همچنین در انگشتری غصبی یا پول غصبی که در نماز همراه
باشد دغدغه دارد سؤال نماز در موزه شرطست یا نگه انگشت بهین بر موزه فرو رود
باشند تا صادق آید سجود بر هفت عضو یا نه جواب در کار نیست و همینکه نوک ابهام
بیلش بر زمین است کافیست والله یعلم سؤال کسی که در سفر نمازها را بدون فاصله
میکند اذان و اقامت برای نماز دوم سنت است یا نه و همچنین اگر در حضر فاصله نکند و هر دو
نماز را در یکی از فضیلت یکی از دو نماز بکند جواب خواه در سفر و خواه در حضر هرگاه نافله
در میان نکند اذان نماز دوم ساقط است و اکتفا باقامت میکند سؤال نماز زیارت را
پیش از زیارت باید کرد یا بعد جواب هر موضع که حدیث واقع شده باشد که پیش
بکنند یا بعد عمل بحدیث باید کرد و هر جا که حدیث بخصوص نرسیده باشد اگر نزدیک
باشد عقب بکنند اگر دور باشد ظاهر آنست که مخیر باشد در قبل و بعد سؤال
در باب نیت خروج از نماز و سلام واجب و سنت چه میفرمایند جواب نیت خروج از نماز
دلیل ندارد و سلام وجوب و استحباب هر دو دلیل مستحکم نیست اما بتفصیل آن میگوئیم
که مطلوب شارعست سؤال شخصی نذر کرده است که همیشه در نماز بعد از حمد سوره
توحید بخواند از برای جمعه چکند جواب جمعتین را مستحب میدانند بلکه بنذر عمل کند
ما قدرا کند بهتر خواهد بود سؤال کسی که قضا بسیار داشته باشد و عدد شی ندانند
یا بکیر گفته اند چهار رکعت نماز در روز جمعه با آن ترتیب که گفته اند صحیحست یا نه جواب
اصلی ندارد باید قضا را آنقدر بکند که ظن او غالب شود که همه را کرده است سؤال

نماز نافله در سفر و غیر سفر اگر سوار یا پیاده بکند رکوع و سجود را بعمل آورد و تسبیح
و تکبیر و استغفار و قنوت ساقطست یا نه جواب رکوع و سجود را بایما کند بسر و
سجود را پست تر میکند و سایر اذکار هر چه واجبست در کار است و هر چه سنت است
مختار است و سوره در نافله لازم نیست بحمد اکتفا میتوان کرد سؤال در روز جمعه
کسی که ظهر کند و در آن جمعه و منافقین بخواند مستحب است جهر در قرائت یا نه جواب
بلی سؤال هرگاه شخصی در رکعات آخر اختیار تسبیحات اربع نماید قطع نظر از
اختلافات طریق اصح کدامست و شخص صاحب قضا میتواند تسبیحات اربع را یکمرتبه
بگوید یا نه جواب یکمرتبه تسبیحات اربع میتوان اکتفا نمود اگر استغفار با آن ضم کند
بهتر است و سه مرتبه گفتن تسبیحات ثلثه بهتر است بدون تکبیر و در ادا و قضا تفاوت
نیست سؤال شخصی که مشغول قضا است میتواند که بنوافل نیز اشتغال نماید یا نه
جواب اگر قضا مجزوم به بوده باشد احوط آنست که بجای نوافل قضا بجا آورد اگر
احتیاط کند میتواند جمع کرد و الله یعلم سؤال جایز است فاسق را امامت کردن
هرگاه مأمومین او را عادل دانند یا نه جواب احوط ترک است سؤال نماز عصر را
بظهر امام و عکس و مغرب را بعشا و عکس اقتدا کردن جایز است یا نه جواب
اظهر و اشهر جواز است و در اقتدا بظهر خلافی هست و در آن نیز اظهر جواز است
سؤال کسی که حالتش اینست که از نماز کردن مرد بزرگی در پی سر او خوشحال
میشود و از حال خود داند که اگر مأمومین بسیاری در پی سر او نماز کنند خوشحال است
و کبر بکنند دلگیر میشود امامت میتواند کرد یا نه جواب اگر غرض دینی منظور
باشد

باشد از کثرت مأمومین یا نماز کردن مرد بزرگی مانند رواج دین و رغبت مردم بصلاح
بر نیت والا که اظهار نکند و در دلش باشد شاید ضرر نداشته باشد و احوط آنست
که سعی کند که آنها در نفس او نباشد و غرضش برای خدا خالص باشد سؤال
هرگاه شخصی را ملاحظه نمایم که واجبات را ترک نمیکند و محافظت بر اوقات نماز
نماز جماعت می نماید و با وجود معاشرت بدی از او نه بینیم و بعضی اوقات که صغیره
از او واقع شود نادم و پشیمانست چنین شخصی ظاهر العداله است و با او نماز میتوان
کرد و چنین شخصی که خود را ملاحظه نماید که چنین حالتی در آن هست آیا بشمار نفی
میتواند کرد جواب عدالت رعایت کردن ظاهر شرعست و خوب دانستن خود را
لازم ندارد که خوب بودن و اعتقاد بخود داشتن مشروط بقبولست و آنرا کسی
نمیداند که عمل او مقبول شده یا نه پس هرگاه کسی رعایت ظاهر شرع نماید خود را
عادل میتواند دانست و اعتقاد بخوبی خود نمیتواند داشت سؤال در نماز جماعت
هرگاه قصد شخص معینی کرد که امامت میکند و آخر ظاهر شود که دیگری بوده نماز
او چه حکم دارد جواب اگر هر دو نفر را عادل میدانسته که یکی از این دو نفر بجای
موضع نماز میکنند و قصد اقتدا با امام حاضر کرده نماز شان درست هر کدام بوده
باشند و اگر حاضر را قصد شخص معینی کرده و آخر ظاهر شود که دیگری بوده
او را عادل داند حکم به بطلان نماز شان نمیتوان کرد و نماز شان درست سؤال
اینکه در بعضی احادیث وارد شده که اقوال مؤمنان یا برادر دینیت را باور و همه را صحیح
قرار ده و تکذیب کن سمع و بصر یکی و تکذیب ثقات بکن اگر از او بدی گوید

هرگاه او انکار کند آیا در هر مسلمانی و ظاهر که ایمانی در ابتدای معاشرت هست یعنی
باید یا بعد از ثبوت ایمان و دین‌داری جواب ظاهر آنست که بعد از ثبوت
و دین‌داری حمل و قرار باید داد سؤال اقتدا کردن در نماز آیات وقتی که امام
بعضی از رکوعها را بجا آورده باشد چه حکم دارد جواب حکم بصحت چنین نماز
کردن مشکلست نماز را باید اعاده کرد بلکه میباید رکوع اول را دریابد در هر رکعتی
و اقتدا میکند سؤال دو نفر از علما که بسبب استدلال یا برجوع اعلم یکی نماز جمعه را
واجب میداند و بجای آورد و دیگری حرام داند و نکند این دو نفر بیکدیگر اقتدا میتوانند کرد
یا نه و حال آنکه حق یکیست و یکی از آن دو نفر در آن غلط فهمیده‌اند جواب هرگاه
از اهل دیانت باشند و در تحصیل علوم ضروری باستدلال یا برجوع علما سعی
میکرده باشند و بذل جهد خود را بجا آورده‌اند نماز میتوان کرد نه اینکه نعوذ بالله
که ترک این ضروریات و صیغ مسایل مثل ترک نماز جمعه بسبب بعضی از اغراض یا شبهه
یا تقلید غیر اعلم که رجوع باو جایز نباشد کنند سؤال هرگاه میان بعضی ماموم
و امام دیوار فاصله باشد و آن ماموم صف پیش خود را امید دیده باشند نماز جایزست
یا نه جواب ظاهر اینست که جایز باشد سؤال در نماز جماعت هرگاه پیش نماز
بقدر یک شبر بلندتر باشد از ماموم چه صورت دارد جواب در قدر شبر احتیاط
باید کرد و کمتر ظاهرا نقصی ندارد سؤال عبا و پوستین هرگاه بدوش گیرند
و دست باستین نکنند قایم مقام ردا میشود یا نه جواب ظاهر اینست که قایم
مقام بشود هرگاه دست باستین نکرده باشند ٥ در بیان نماز جمعه و احکام

شک وسهو

شک وسهو سؤال در نماز جمعه اجتهاد شرطست یا نه جواب اجتهاد یا تقلید
مجتهد ضرورست و قدرت بر ادای خطبه کما ینبغی در کارست والله یعلم سؤال
از کلام بعضی ظاهر میشود که فرق میکنند میان پیش نماز جماعت و نماز جمعه و خدا میداند
که چقدر حیرانم که مبادا واجب باشد بر فقیر که نماز جمعه کنم ملتمس اینکه دلایلی که
دلالت میکند بر اینکه قدرت بر ادای خطبه کما ینبغی در کارست بنویسند تا خاطر
جمع شویم که قول مذکور باطلست یا نه جواب بسم الله الرحمن الرحیم از احادیث
اذا کان لهم من یخطب و امثال آن ظاهر میشود که فرقی هست والله یعلم
سؤال وقت نماز جمعه چه مقدارست جواب از ابتدای زوال تا آنکه بقدر دو قدم
که عبارت از دو سبع شاخص است بگذرد سؤال مسافر نماز جمعه تواند کرد خواه
امام باشد و خواه ماموم جواب امامت کردن مشکلست ماموم میتواند شد سؤال
خطبه فارسی جایزست یا نه جواب احوط ترکست سؤال در وقت بارش
ترک نماز جمعه جایزست بنابر آن حدیث یا نه و اگر قدری ببارد و بعد از آن وقت باشد
عذر میتوان بود که نرود و برف در این حکم است که معذور باشد یا نه جواب
بآن حدیث جمعی عمل کرده‌اند و در حدیث مطر مطلق واقع شده و برف را هم بعضی
در این حکم داخل میدانند و احتیاط اینست که تا مشقت شدید نباشد ترک نشود
سؤال هرگاه در بلدی نماز جمعه میکرده باشند و باعتبار موانع بآن امام اقتدا نتوان
کرد و کسی باشد که تواند کرد واجبست خروج برای نماز یا نه و اگر خروج لازمست از کدام
حدیث بر می‌آید و حال اینکه احادیث دلالت میکند بر اینکه اگر میکرده باشند باید رفت

تا دو فرسخ نه اینکه بیرون رود از برای ادای نماز جمعه جواب وجوب خروج را
در اینصورت جزم نداریم اما موافق با عدم موانع احوط است سؤال هرگاه
شک کردیم و از محل نگذشته‌ایم و باید تلافی کرد آیا اگر تلافی نکرده و ترک واجب کرده
از محل گذشته‌ایم و بعد از آن یقین حاصل شد یا ظن ما غالب شد بر اینکه آن کاری
که شک در آن داشتیم بعمل آورده بودیم آیا در این صورت نماز باطلست یا نه جواب
احوط اعاده است بعد از اتمام سؤال در صورت مذکوره اگر بعد از گذشتن از
محل مشکوک فیه یقین حاصل شد یا ظن غالب شد که آن کار را نکرده بود صحت
و بطلان نماز چه صورت دارد جواب نماز باطلست اگر آن فعل واجب بوده
و وقتش گذشته سؤال کسیکه بسیر رود بتکلیف حاکم جابر و همراه خود ببرد
نماز را قصر کند یا تمام جواب مشهور اینست که اگر سفرش مشتمل بر معصیت
نیست قصر نماز میکند و بعضی میگویند باعتبار تکلیف آن شخص تمام میکند نماز را
و اگر احتیاطا هم قصر و هم تمام کند نماز را بهتر است سؤال مسافر در چهار فرسخی
که قصد رجوع در همان روز نداشته باشد و ده روز هم نماند با نماز چکند جواب
فرموده‌اند باعتقاد ما قصر باید کرد و احتیاج تمام معلوم نیست باشد سؤال
هرگاه زلزله شده باشد و شخصی مطلع نشده باشد بعد از آنکه جماعتی شهادت
دهند که زلزله شده نماز بر او واجبست یا نه جواب هرگاه او را علم شرعی بهم رسد
بشهادت عدلین یا بشیاع یا بتواتر بر او واجبست و مشافهه نیز سؤال شد فرمودند
احتیاط در کردنست سؤال چنانکه سهوا در نماز آیات یک رکوع زیاده یا کم شود

چه حکم

چه حکم دارد جواب اقوی آنست که نمازش صحیحست و احوط آنست که در صورتی که یک
رکوع نکرده باشد بعد از اتمام نماز رکوع فراموش کرده را بجا آورد و نماز را اعاده کند
سؤال در نماز میت حرف زدن عمدا مبطلست یا نه جواب بسبب حرف زدن و با اکثر
مبطلات نماز حکم به بطلان نماز میت نمیتوان کرد اما احوط ترکست سؤال
پسر بزرگتر اگر صوم و صلوة پدر را بجا نیاورد و پسر کوچک بجا آورد برائت ذمه حاصل
میشود یا نه و اگر دختر داشته باشد و بجا آورد و پسر نداشته باشد یا امتناع چه صورت
جواب ظاهر اینکه پسر کوچک یا دختر اگر درست بجا آورد برائت ذمه حاصل میشود
و سقوط از پسر بزرگتر محل اشکالست و احوط آنست که او نیز بکند سؤال در نماز
جهت میت کردن هرگاه بعنوان تبرع چیزی بدهند و آن شخص قبول کند که از برای
خدا قربة از برای میت نماز کند نیت قربت کافیست یا قصد وجوب باید کرد
و اگر صیغه استیجار گویند نیت واجب کند البته یا قصد قربت تنها کافیست و وجه
اجاره را در شق ثانی ابتدای شروع بعمل میتوان خرج کرد یا می باید بتدریج بقدر
عمل خرج کند جواب هرگاه صیغه گفته نشده و تبرع کرده اند در آنچه داده اند
در نماز قصد قربت کافی خواهد بود و اگر صیغه گفته باشند واجب خواهد کرد و مشهور
اینست که بعد از استیجار مالک وجه میشود بعید آنست که بقدر عمل خرج میکرده
باشد سؤال در نماز میت از برای فاسق که علم بفسق او داریم گفتن اللهم انا لا
نعلم منه الا خیرا چونست جواب ظاهرا به نباشد و در بحار تفصیلش مذکورست
سؤال دفن اموات در روضه مقدسه چه صورت دارد با وجود نبش قبور و

جواب جزم بحرمت نمیتوان کرد اما رخصت دادن مشکلست سؤال دفن
در نجف اشرف افضلست بر کربلای معلی و کعبه معظمه و مدینه مشرفه جواب
احادیث در باب نجف اشرف بیشتر است سؤال در بعضی از مسایل زکوة و خمس
سؤال جواب اگر شخصی در شهری است و مستحق است و خود بشهر دیگر که در آنجا مال خمس
و زکوة است نرود آیا جایز است که شخصی را از مردمی که در آن شهرانند وکیل کند
که برای او زکوة بگیرد و بفرستد یا نه جواب ظاهرا بنا باشد و اگر مستحق در بلد
مال بهم رسد اگر باینان بدهند بهتر است سؤال هرگاه گوسفند اینکس هم
ماده اند مگر ده یک آن یا کمتر یا بیشتر آیا جایز است که گوسفند نر بدهند از برای زکوة
خواه قیمت نر برابری با ماده کند یا کمتر باشد یا نه و هم چنین در دادن ماده از نر
جواب اگر قیمت موافق باشد خوبست و الا باید وسط در قیمت را بدهد مثلا اینکه مجموع
گوسفند چهار تومان می ارزد و میانشی دو هزار دیناری و پانصد دیناری هست گوسفند جواب
هزار دیناری بدهد والله یعلم سؤال هرگاه شخصی از زمان مکلف بودن چهل
یا پنجاه سال بگذرد و در این مدت هر که چهل گوسفند کمتر نداشته اما گاهی دویست داشته
و گاهی صد و گاهی شصت و گاهی پنجاه و گاهی چهل و پنج و گاهی چهل و گاهی کم میشده اند
و گاهی زیاده و در خاطرش نیست که هر سال بخصوص چند راس داشته و هرگز
زکوة نداده و حال میخواهد زکوة بدهد آیا چکار کند که شغل ذمه او بر طرف
شود جواب آنقدر بدهد که ظنش غالب شود که داده است سؤال اگر
زکوة را بدهند از غله و آنرا بکارند آیا باز زکوة میدهند و یا آنکه ده یک از آن تخم

که یکی

که یکی ده یک آن زکوة بوده بیرون میکند و از نه حصه دیگر زکوة میدهند و برای قیاسی
دیگر در سال ثالث و رابع یا مرتی مطلقا زکوة نمیدهد جواب زکوة تخم را باید
داد و از هر حاصلی نیز زکوة باید داد سؤال مؤنه حاصل املاک که مستثنی میشود
از زکوة کدامست جواب بغیر از خراج پادشاه دیگر دلیلی ندیده ایم و احوط آنست
که بغیر از خراج هیچ چیز را بیرون نکند سؤال سرشماری که در بعضی ولایت میگیرند
بوجه زکوة و خمس محسوب میشود یا نه جواب حساب نمیتوان کرد سؤال هرگاه از شخصی
طلب داشته باشیم و نداشته باشد که بدهد عوض زکوة میشود یا نه جواب اگر بیچاره
باشد و ظاهر الصلاح باشد زکوة حساب میتوان کرد سؤال یتیمی که ولی ندارد
زکوة دادن چه صورت دارد جواب احوط آنست که خود صرف آنها نماید سؤال
از وجه زکوة صرف تعمیر مسجد نمودن جایز است یا نه جواب مشهور اینست که جایز است
و با وجود مستحق احوط ترکست سؤال اگر کسی ملکی یا مایه داشته باشد و حاصل آن
خرج سالش نشود آن مستحق است یا نه جواب اشکالی دارد سؤال کسیکه
چیز برای عجمی و زکوة میدهد از ده دوازده یا ده بیست یا بیشتر حساب کند خواه صیغه
بخوانند که این ابدال در قبول کرده یا صیغه نخوانند جایز است یا نه جواب
جایز نیست و بقیمت واقع حساب میشود خصوصا در خمس والله اعلم سؤال کسیکه
زکوة و فطره و غیر آن بر او واجب باشد و خویشان او در شهرهای دیگر اند
و در بلادی که آن میباشد از همسایه و غیر همسایه کسان باشند که مستحق اند آیا واجب

خویشان بفرستد یا در همان مکان که هست آنرا بمستحقان برساند جواب هردو
جایز است و شاید بخویشان دادن بهتر باشد سؤال خمس و زکوة را در بلد
سکنی بمستحق باید رسانید یا در بلد مال جواب زکوة را در بلد مال دادن
اولی است و خمس شاید برأی فقیه منوط باشد سؤال حدیث خذ مال الناصب
حیث ما وجدته وادفع الینا الخمس چه معنی دارد جواب کسی که عداوت
اهل بیت دارد مال او حلال است و خمس باید داد از بعضی احادیث ظاهر میشود
که جمیع سنیان این حکم دارند و در صورت احتیاط ترک است سؤال وصیت
بخمس و زکوة و غیرهما از اصل معتبر است اگر متهم باشد یعنی چه جواب تهمت
آنست که قرینه چند هست که دلالت کند بر اینکه مشغول الذمه بر زکوة و خمس نیست
و از برای اضرار بوارث این وصیت میکند اگر این در مرض موت باشد بعضی از
ثلث میدانند سؤال هرگاه مدیون مثلا قرض دارد بشخصی که سید است
و بعد از آن یا فقیر شد یا مرد و از او چیزی نماند و ورثه او را پس نمیدهند یا زنده
است ندارد بخواهد صد تومان را نمی دهد یا در هر کدام از صورت مذکوره میتوان
آنرا بخمس حساب کنند هرچند سادات فقیر که دو روز و سه روز چیزی بدست
ایشان نیفتد و بیاید باشد که میته برایشان حلال باشد یا نه جواب
خمس را بدون مصلحت فقیه دادن مشکل است و اگر فقیه مصلحت در محاسبه دین
داند شاید تواند سؤال قرار ابتدای سال که هرچه زیاد آید از اخراجات آن سال

خمس

خمس باید داد هر وقت کسی خواهد خمس بستاند داد یا قاعده کلیه دارد جواب
اول سال نو قیمت که شروع بکسب یا تجارت یا زراعت کرده است سؤال آنچه
میراث بشخصی رسد از ملک و غیر آن یا هبه شود باو خمس آن واجب است یا نه جواب
مشهور آنست که واجب نمیشود و از حدیث ظاهر میشود که اگر میراث باشد از کسی که گمان
نداشته باشد یا بخشش عمده باشد که متوقع نباشد باید داد و دور نیست که سنت
باشد و احوط عمل بر روایت است سؤال خمس که واجب است دادن خواه حصه امام ع
و خواه حصه غیر امام صاحب مال خود میتواند که آنرا بسادات برساند یا واجب
که بشخصی دهد که اهلیت فتوی داشته باشد تا برساند جواب احوط آنست
که بمجتهد فقیه بدهد خصوصا حصه امام ع را سؤال هر در نتاج شتر و گاو و
گوسفند هرگاه از اخراجات سال زیاده آید خمس واجب است یا نه جواب وجوب
معلوم نیست سؤال و همچنین اگر قیمت ملک زیاده شود جواب اگر ملک را
برای تجارت خریده باشد بلی و الا نه سؤال سهم امام ع را از خمس چه باید کرد
جواب بخدمت مجتهد جامع الشرایط ببرند یا باذن او بشخصی که دانند که مستحق است
بدهند سؤال خمس بر چه چیز و بعد چه لازم میشود جواب غالب اوقات
در ارباح تجارات و صناعات و زراعات واجب است سؤال چیزی که خمس آنرا داده اند
و گران شد خمس آن واجب است یا نه و اگر آنرا در آن وقت نفروخته و بازار ارزان شود
خمس مستقر میشود یا نه جواب بعد از نقد کردن خمس داده میشود سؤال

کسی که قوت سالانه از حاصل ملکش یا کسبش بهم نرسد اما ملک یا سرمایه دارد که قوت
سالش میشود زکوة و خمس میتوان داد باو جواب بجهتی جماعت زکوة و
خمس و فطره دادن مشکلست سؤاله در بینایی سادات نیز استحقاق شرطست
یا نه جواب احوط آنست که رعایت استحقاق شود سؤاله از مال صغیر زکوة دادن
در غلات و غیرها بر وصی یا قیم یا کسی که مال صغیر عرفا باعتبار خویشی در دست
اوست میباید داد یا نه واجبست یا نه جواب مشکلست دادن زکوة در چنین
صورتی سؤاله سادات اضطرار ایشان بچه حد که برسند از زکوة واجبه
و فطره از غیر سید میتوانند گرفت جواب ظاهر اینست که اضطرار بحدی رسیده باشد
که خوف تلف باشد بقدر سد رمق میتوانند گرفت سؤاله کسی غریبی آمده میگوید
من سیدم بمجرد ثبوت خمس میتوان داد بر فرضی که مشهور باشد که غیر سید
میگویند میتوان داد بدون علم بضبط سلسلهٔ ایشان جواب خمس دادن
بدون ضبط سلسلهٔ ایشان یا شهادت عدلین یا بروشنی که علم شرعی بنسب او
بهم رسد مشکلست سؤاله کسی که احسان بکسی میکند و کسی نیز مستحق نباشد و
قرینه نباشد که آنچه میدهد از چه وجه است آیا واجبست که بگوید از چه وجه است یا نه
جواب چنانچه ظن غالبی نداشته باشد که از قراین ظاهر باشد که از وجه زکوة
است سؤال کردن در کار نیست سؤاله هرگاه غله از کوتش داده باشد
و سالی دیگر بکار زد زکوة دارد یا نه جواب زکوة باید داد زکوة دادن غله بابت سقوط

نذر

نذر سؤاله شما از وظایف که میگیرید اگر صرفه از خرج سالانه زیاد آید خمس میدهید
یا نه جواب وجوبش مشخص نیست و احتیاط بدادنست سؤاله بسادات رد مظالم
میتوان داد یا نه و کفاره نیز با ایشان دادن چه صورت دارد جواب رد مظالم
با ایشان میتوان داد و کفاره واجبی میتوان داد چون از صدقات واجبه است مگر
دهنده سید باشد سؤاله از وجوه استحقاق صرف راه عتبات کردن چونست
جواب خلافست سؤاله هرگاه در خمس احتیاط باید کرد که بتجویز فقیه جامع الشرایط
داده شود گاه باشد که طالب علمان که در آن مرتبه نباشند از جهتی تکلیف بکنند
بدادن خمس سادات عشره تمام بکنند و اکثر مردم هم ادای خمس نکنند آیا تجویز
میکنید که بنیابت شما تکلیف دادن خمس از برای سادات بمردمان بکنیم یا بگیریم
و با ایشان برسانیم یا نه جواب عموما این تجویز مشکلست و اگر در جائی دست بفقیه
نرسد صاحب خمس بتجویز عدول صلحای متدین بدهد شاید بد نباشد سؤاله
زنی که بقدر ده تومان یا کم یا بیشی ملک دارد و اطفال سید نیز دارد میتواند بجهت ایشان
خمس بگیرد یا واجبست که از آن ملک خود بفروشد و صرف ایشان کند جواب برای ایشان
ظاهرا خمس میتواند گرفت والله یعلم سؤاله اگر کسی مستحق باشد که از وجوه استحقاق به
سهولت معاشش او میگذشته باشد و خفتی و ذلتی باو واقع نشده باشد یا آن اکتفا
کند بتجارت یا تلاشی جائی یا ظلمه و حکام و وظایف کند چون اینها گاه باشد بعنوان
عطیه بدهند و از وجوه استحقاق خلاص شود جواب ظاهرا اولی احوط باشد اگر با استحقاق

موصوف باشند سؤال اگر نصف خمس کفایت سادات نکند از این راه که اکثر نصف آنها نیز
هم نمیدهند آیا اگر کسی را که خمس میدهد جایز است که حصه امام را با ایشان دهد یا نه جواب
اگر سیادت ایشان مشخص باشد میتوان داد سؤال بعضی مردم آنچه زیاده آمده
از اخراجات سال آنرا بقرض میدهند جهت گرفتن از خمس این چه صورت دارد
جواب خمس باید داد سؤال خمس هرگز مکرر میشود در مالی یا نه و زکوة
در چه چیز مکرر نمیشود جواب خمس مکرر نمیشود اما هر چیزی که متجدد شود از نقد
و غله مالک خمس دارد بشرایط معلوم و زکوة نقدین و مواشی مکرر میشود و زکوة غلات
مکرر نمیشود سؤال خمس و زکوة را بدهی یا شهری میتوان فرستاد با وجود که در
نزدیکتر مستحق موجود باشد یا نه و اگر کسی بجاهای دور بفرستد از این راه که مستحقان
نزدیک قرابت و واجبات خود را در اصل یا خوب نمیدانند خوبست یا نه جواب فرستادن
در صورت اولی بسیار مشکلست و در صورت ثانی فی الجمله رخصت میتوان داد
و در هر دو صورت اگر تلف نشود و به مستحق برسد مجزیست سؤال هرگاه ملکی را
باجاره دهند زکوة بر کیست جواب زکوة بر مالک غله است سؤال جایز است
که خمس را بکسی بدهند که چندانی که نفقه عیال خود را بگذارد و باقی مانده حج کند
تطوعا و زیارت ائمه عم بکند یا نه جواب هرگاه سادات دیگر محتاج باشند
مشکلست ۵ در بعضی از احکام ماه مبارک رمضانست سؤال جنب و
حایض که در شب حیضش منقطع شده باشد و مستحاضه که بوسط نماز غسل

باید

باید کند مثل مستحاضه متوسطه و کثیره را لازمست در ماه مبارک رمضان که قبل از
صبح غسل کنند یا نه بر فرضی که عمدا غسل را ترک کنند انقضا و کفاره چه حکم دارد جواب
اقوی و مشهور آنست که قبل از صبح غسل کنند و چنانچه عمدا ترک غسل کنند قضای
آن روزه را باید بدارند و کفاره نیز احتیاطا بدهند سؤال کسیکه جنب کند خود را
یا محتلم شود در شب ماه مبارک رمضان و بخوابد بقصد غسل کردن قبل از صبح از
خواب بیدار شود چنانچه مرتبه اولی بیدار باشند یا مرتبه دویم یا سیم بیدار شد
هر یکی چه حکم دارد جواب چنانچه مرتبه اولی باشد چیزی بر او نیست و روزه
اش صحیحست و چنانچه مرتبه دویم باشد آنروز را باید داشت و قضا نیز باید
کرد و چنانچه مرتبه سیم یا زیاده باشد قضا باید کرد و کفاره نیز باید داد سؤال
اگر آب دهن متغیر شود بخون و آب دهن را حرکت داد تا تغییر بخون بر طرف
شود و فرو برد آن آب را در روزه رمضان حکم آن چه چیز است جواب
اگر عین خون نبوده باشد احوط قضا و کفاره جمع است ۵ در بیان قدری
از مسایل امر بمعروف و نهی از منکر سؤال بعضی مردم میگویند که قربان نام خدا شوم
و بعضی میگویند که قربان خدا شوم اول حرام و ثانی باعث کفر است یا نه جواب
اول ظاهرا قصوری ندارد و ترک ثانی احوط است سؤال کسی که حج در گردن او هست
و خمس و زکوتی که خود قبول دارد که در گردن منست و حج را نمیکند و خمس و زکوة را
نمیدهد آیا با چنین کسی خرید و فروش و مهربانی کردن بدون اظهار آزردگی بدون تقیه

جایز است یا نه جواب قدری اظهار کراهت که نهی از منکر موقوف بر او باشد
ضرورت سؤال کسی که در خانهٔ خود باشد و صدای ساز دایره و دهل و باقی سازها
و حرام یا آواز غنا یا آواز زن از آن خانه برسد باشد جایز است شنیدن آن
یا واجبست که گوش خود را بگیرد یا بیرون رود جواب ظاهر اگر گوش ندهد و قصد
امور دیگر شود قصور نداشته باشد سؤال شنیدن آواز جرس و غیر جرس
اگر در قافله باشد جایز است یا نه جواب باکی نیست و اگر غنا میکنند گوش ندهد
و اکثر صدری تر را تجویز کرده اند احوط گوش ندادنست سؤال بازیهائی که شعار رفت
غیر اینها خصوصاً نفی در آن واقع شده مثل بازی پادشاه و وزیر حرامست یا نه جواب
احوط ترکست سؤال اینکه بعضی مردم خطاب بحیوانات میکنند که ای مرده قحبه
صاحب و مانند آن موجب تعزیرست یا نه جواب بسیار بدست اما حکم حد
مشکلست و اکثر عدد شان بر میگیرد سؤال نقل انگشتر از انگشتی بانگشتی و
امثال آن از برای اینکه حاجتی بخاطر او آید یا در شمارها غلط نکند جایز است
یا نه جواب جایز است و آنکه واقع شده که نباید بغیر خدا اعتماد کرد بهتر نه
نقر بانست سؤال در باب ابو مسلم مروزی چه میفرمایند جواب سنی بوده
از سکان جهنم و ناصرهای عباسی بوده سؤال طفلی که سه چهار سال عمر دارد
یا بیشتر او را زدن و تادیب کردن جایز است یا نه جواب ظاهرا بقدر ضرورت
توان کرد و تعدی یعنی از صد زیاده نباید کرد سؤال اگر شخصی گوید که تو و هر کس

که غیبت

که غیبت من کنند من او را حلال دارم و گوید اگر کسی پیش تو غیبت من کند من او را
حلال دارم که آن غیبت را بشنوی آیا غیبت کردن او و شنیدن غیبت او حلال میشود
یا نه جواب حلال نمیشود شاید بدتر باشد و حرامست سؤال هرگاه شخصی نماز
نکند یا غلام یا کنیز یا نوکر و یا غیر ایشان که ممکن باشد امر بمعروف و نهی از منکر تا چه
حد امر بمعروف و نهی از منکر واجبست و مراتب امر و نهی چه عنوانست جواب بر زدن
و غلام تا زدن تجویز شده که بسیار نباشد بلکه زدن سهل باشد اما در غیر ایشان
سعی نمودن بدون زدن سؤال در روی جماعت فساق خنده کردن و بشاشت
نمودن و سبقت در سلام کردن چونست جواب اگر اعراض کردن از ایشان
باعث ترک نامشروع ایشان شود باید کرد و اگر حسن معاشرت باعث هدایت
ایشان شود بهتر خواهد بود سؤال جماعتی که داخل اهل ظلم و حکم
و تارک جمعه و جماعتند با ایشان معاشرت کردن هرگاه احتمال دارد که کلمه حقی با ایشان
گفته شود یا نفعی بمسلمانی برسد چونست با آنکه حدیث واقع شده که از ایشان باید
دوری کرد مگر با تقیه و محبت ایشان داشتن چونست و هرگاه بایشان احسان
و مهربانی میکنند اینکس با چار ایشان را دوست میدارد جواب اینها
به تفصیل بر میگردد گاه باشد که معاشرت لازم باشد و از این طرف نیز احادیث
حسن معاشرت واقع شده و محبت ایشان از راه فسق و ظلم ایشان خوب نیست

و در غیر آن معلوم نیست بد باشد سؤال هرگاه فساق و ظلمه با یکسی مهربانی
و رعایت کنند نسبت بایشان چه باید کرد جواب بدعا توفیق هدایتش کند
و شاید رجحان امر تواند تعریفا و کرد سؤال دف جلاجل که فقها استثنا
میکنند حرامست یا نه و سند صحیح بنظر شریف رسیده است یا نه جواب نقل کرده اند
که در عروسی حضرت فاطمه زهرا ع چنین بود اما صحتش معلوم نیست سؤال
نوشتن زنان که مکروهست و نهی در احادیث واقع شده از تعلیم کتابت زنان
اگر چنانچه زن خط خوب داشته باشد قران و صحیفه بنویسد بهتر است یا
ترک کند چون نهی دارد جواب ابتدا نهی دارد که کتابت تعلیم ایشان بکنند
اما بعد از آنکه یاد گرفته شد قصوری ندارد و کسبی خواهد بود از برای ایشان سؤال
کسی که از وجوه استحقاق بیکی در صله ارحام کردن خواه مستحق باشد یا نباشد چونست
جواب ظاهر اینست باشد اگر بحد اسراف نرسد و الله یعلم سؤال در صله ارحام
ضابطه بفرمایید که هرگاه اقوام انیکس فقرا و مساکین باشند و از عهده همه بر
نتوانند آمد بهر کدام قدری از مال باید داد هر چند بعد از موت نرسید
باشند یا همان مهربانی و دیدن و نشاشت بایشان کافیست و هرگاه زیاده
از خود نداشته باشند واجب نخواهد بود دادن جواب با عدم غنا رعایت
مالی واجب نیست مگر باشد ضرورت اضطرار ایشان و قدرت بر رعایت ایشان

بال

بالاصالة سؤال در صله رحم کسی که قایل شده که از طرف خویشان سببی داخل
رحمند یا نه جواب بخاطر نمی آید سؤال حدیث صله رحم تا چهل پشت داخل رحم است
نزد شما معتبر است یا نه و بر تقدیر اعتبار اکثر مردم که رعایت دوست و سه پشت میکنند
فاسقند یا نه و لوازم صله رحم که انیکس قاطع رحم نباشد بفرمایید جواب رحم
بعرف بر میگردد و حسن خلق و حسن معاشرت و دیدن ملاطفت کردن و احسان مالی
با وسعت بقدر متعارف مطلوبست و قدر واجبش تعیین کردن مشکلست و الله یعلم

در بعضی از مسایل تجارت و مزارعه و وصیت و ضمان و صلح است سؤال هرگاه
شخصی انیکس را چیزی دهد که فرزند مرا تعلیم ده و آن فرزند بحد بلوغ رسیده باشد آیا
معلم او امینست نزد که چیزی بخواند و مطالعه کند هر چند که واجب عینی نباشد بر او یاد
گرفتن او یا نه جواب امینست برای غیر واجب او را تادیب کرد سؤال اگر شخصی
گوید که اطفال مرا علم نحو و صرف و غیر آن تعلیم ده تا ترا فلان قدر بدهم آیا صلاح وی
شبهه است گرفتن آن یا ترک باید کرد و چنین کاری ترجیح دارد بر سوداگری
و غیر آن از مکاسب یا نه جواب اگر تعلیم واجبات و قران مجید و اذکار واجب
نماز در آن داخل نیست ضرر نیست سؤال جایز است که ده من گندم بفروشیم بکسی که
الحال زر ندارد که بما بدهد بیک عباسی و آن یک عباسی که در ذمه اوست بسی من گندم
از او بخریم که بعد از چند ماه تسلیم کند یا نه جواب در این مسئله خلافست و بعضی جایز

نمیدانند و احوط آنست که وجه سلم نقد و حاضر باشد و در مجلس قبض واقع شود اگرچه
صحیح بوده خالی از قوتی نیست سؤال جایز است در وقتی که نرخ چنین است که یکمن گندم به
یکشاهی است یکمن گندم بیکشاهی بفروشیم یا یکمن گندم بقرض بدهیم و با مشتری قرار
دهیم که در سر خرمن اگر بیکشاهی باشد یکمن گندم بدهد و اگر دو من بیکشاهی باشد
دو من بدهد جواب صورتی ندارد سؤال کسی که شصت من یا پنجاه من گندم
مثلا بخرد و چون آن را بکشند دو من یا سه من زیاده آید حکم آن چه چیز است جواب
اگر معلوم باشد که از بابت غلط نیست از تفاوت وزن گندم است باکی نیست و اگر
ظاهر باشد که غلط شده باید که بایع را اعلام کند سؤال گندم یکمن بمبلغ هفتاد دینار
نرخ است و یکمن بمبلغ صد و بیست دینار بفروشند بمدت یکسال سود است یا نه جواب اگر بفروشند
بوعده قوتی خوبست سؤال اگر شخصی از ما چیزی بخرد و قیمت او را باو دهیم اما
صیغه خوانده نشود و آن شخص خبر نداشته که ما باو داده ایم او را صرف کند بی حرج آیا وارث
او را میرسد که آنچه آن شخص که مرده بما داده بود بگیرد که میان شما صیغه خوانده نشده
این مال منتقل بشما نشده یا نه جواب علی الاشکال مشهور است که رجوع نمیتواند
کرد سؤال معنی انشا که در عقود در کار است چه چیز است بفرمایید جواب
معنیش این است که مقصود آن باشد که باین لفظ بیع را واقع میسازیم نه آنکه خبر
میدهیم که بیع پیشتر واقع شده است سؤال جهة خواندن قرآن یا تعلیم کردن

قرآن

قرآن چیزی میتوان گرفت جواب حکم بتحریم کردن مشکلست و اگر بدون شرط خواندن
و تعلیم کردن بدهند حلال است و اگر با شرط باشد احوط اجتناب است سؤال شرطی که در ضمن
عقد لازم کرده میشود آیا آن شرط لازم میشود یا نه جواب مشهور لزوم است که لازم میشود
و خالی از قوتی نیست سؤال جبن باعتقاد شما چه نوع چیز است جواب هر چند شارع
حرام کرده بدون این چیزها جبن نمیدانیم سؤال در صلوات که تبدیل میکنند و زیاده
میگیرند باعتقاد شما ربا میشود یا نه جواب مشهور است که ربا میشود در صلوات ربا
نمیشود سؤال اراضی که در کوهها و بیابانهاست تصرف و احیا که سبب ملکیت میشود چه چیز است
جواب هرگاه شخصی ازاله اسباب موانع زراعت نماید تا آثار او باقیست و قابلیت زراعت
دارد ملک اوست و بعد از برطرف شدن قابلیت زراعت حکم بملکیت او نمیتوان کرد سؤال
هرگاه شخصی مثلا یک جریب زمین بکسی فروخت و بعد از چند سال آن زمین را پیمودند زیاد بیرون
آمد آن شخص یا وارث آن شخص از مشتری میتوانند آن زیادتی را گرفت یا نه جواب
میتوانند گرفت سؤال کسی چنانکه از کسی طلبی داشته باشد و او در دادن تعلل نماید
و اگرچه نقد ندارد اما املاک دارد یا وجهی دیگر دارد اما چون قیمتی که در نظر دارد نمیخرند
و او نمی فروشد آیا بحاکمان آن زمان میتوان عرض کرد جایز است یا نه خصوصا حاکمی که
اکثر اوقات بشرع میفرماید حاکم باینان تحاکم بطاغوت است یا نه جواب
عرض کردن بحاکم جایز مشکلست مگر بعد از آنکه در حضور حاکم شرع ثابت شود صاحب
صاحب دین داند که ضرر مالی و بدنی بآن شخص نمیرسد و متحمل صدمات و اخراجات خود نمیشود

شاید در صلح صورتی عرض توان کرد سؤال متعارف صلح شده که اجناسی چند بخرند
مثلا که قیمت آنرا در عرض سه ماه بدهند یا قرضی که مدت معین ندارد و صاحب دین
مطالبه می نماید و آن شخص قدری دارد اما میخواهد بطلبکار دیگر بدهد یا بسبب اخراجات
یومیه یا متاع ارزان میخواهد بخرد میگوید ندارم یا برو وقتی دیگر بیا جایز است یا نه
جواب وقتی که میگوید ندارم هم دروغ گفته و هم تعطیل حق مؤمن کرده و اگر گوید
برو وقتی دیگر بیا نیز تعطیل حق مؤمن کرده مگر آنکه طلبکار بسیار درشته باشد که
جمیع طلب مینموده باشند اینجا درشته باشند تقسیم نماید سؤال ادای دین صاحب
دین به چیز آیا بر وارث ما نیست هرگاه مالی از خود نگذاشته باشد لازم است یا نه جواب مشهور اینست
که لازم نیست سؤال جماعتی که حیله شرعی میکنند مثلا چیزی که به یک شاهی ارزنده است
به بیجهار یا یکتومان میدهند صورت شرعی دارد بنا بر آنکه فقها نقل کرده اند یا نه بر تقدیر
صحت از روایات صریح ظاهر میشود این حکم و اگر بعکس کسی که قرض کنند بهتر
چیزی درشته باشد از او بسیار ارزان گرفتن و قرض بآن دادن چه صورت دارد جواب
اگر این صورت در تجویز از او وارد شده اما از ثواب قرض حسنه و احسان ببرادر مؤمن
محروم میگردد سؤال هرگاه حوضی یا پلی خراب شده باشد آجر او را در حوض دیگر
تعمیر نتوان کرد در این صورت شاید بد نباشد سؤال کسی که قادر بر عربی باشد
صیغه نذر و غیر آن از عقود را اگر بفارسی بگوید درست است یا نه جواب ظاهرا درست
باشد و در نکاح اکتفا بفارسی نکند سؤال اگر گوسفند باجاره یا بمصالحه دهد بعنوان

احادیث هم

[illegible]

متعارف

متعارف که دندان بدندان میگیرند صورتی دارد یا نه جواب صورتی ندارد و اگر خواهند درست
باشد در رمه بخرند و در رمه بفروشند سؤال هرگاه شخصی مکرر بگوید که فلان قدر خمس
و فلان قدر زکوة در گردن من هست میگفته باشد ای فلان و فلان شاهد باشید
بر این معنی لیکن وصیت نامه درست نکند و در وقت مردن از این غافل شود که جمعی را
شاهد کرده و هیچکس مطلع نشود که او خمس و زکوة را از گردن خود ادا کرده باشد
وارث او چیزی برابر بقدر خمس و زکوة نماند در اینصورت بر وارثان او چه چیز واجبست
جواب ظاهرا آن قدری که اقرار میکرده در گردن منست اگر بدانند که داده است باید
بدهند سؤال هرگاه کسی وصیت نامه نوشته که فلان قدر برای نماز و روزه بدهند
و بکنید گفت که موصی گفت که نماز بسیار قضا دارم وصی در اینصورت چه کار کند جواب
بگفته یک کس مشکلست اعتماد کردن مگر آنکه خود از قراین احتمال داند که غرض موصی
نماز بسیار متعلق بوده ه در بعضی مسایل هبه و وقف و اجاره است سؤال اگر
کسی در مرض موت هبه کند چیزی را که حاضر است و چیزی را که در شهر دیگر است آیا وصیت
در حال حاضر و غایب هر دو صحیحست جواب در هبه تا بقبض ندهند بموت باطل
میشود خواه حاضر و خواه غایب و اگر وصیت کرده که باو بدهند آن از ثلث اعتبار
دارد و حاضر و غایب دخل ندارد سؤال طفل کوچک خواه یتیم یا نه هر کس داخیری
دادن اکثر او را از نان و غیر آن هرگاه بیم آن باشد که او عادت بطلب خواهد
کرد مستحب است یا مکروه جواب ظاهرا دادن خوب باشد سؤال

کسی که ظاهر اینست که سنی است و اثنی عشری نیست اگر سؤال کند چیزی باو توان داد
یا نه جواب اگر تعصبش معلوم نباشد ظاهرا توان داد سؤال اگر کسی با سنی
رفیق باشد در سفر یا حضر و چیزی بطلبد و خوفی از ندادن نباشد میتوان داد
یا نه جواب اگر خوف ضرر مطلقا نباشد ندادن بهتر است مگر اینکه مستضعف باشد
و تعصبی در مذهب نداشته باشد سؤال هرگاه مشار الیه معلوم باشد جایز است که بگوید
وقفت هکذا یا وهبت هکذا یا وکلت هکذا یا نه جواب ظاهرا کافیست ح
سؤال آنچه میراث بشخصی رسیده از ملک و غیر آن یا هبه شود آیا خمس دادن از آن
واجبست یا نه جواب مشهور است که واجب نمیشود و از حدیث ظاهر میشود که اگر
میراث باشد از کسی که گمان نداشته یا بخشش و عطیه باشد که متوقع نباشد باید
داد و دور نیست که سنت باشد و احوط عمل بروایت است اگر شاخی که از ریشه
درخت همسایه سبز شود از صاحب ریشه است اما صاحب ریشه ظاهرا میتواند گفت
بصاحب درخت که ازاله کن اگر نکند خود ازاله میتواند کرد و همچنین بصاحبش داده
جواب همچنین ریشه درخت همسایه را میتوان گفت که ببرد و اگر نبرد میتوان برید سؤال
کار فرمودن طفلی که یتیم باشد یا غیر یتیم هرگاه نفع با نیکس نرسیده باشد که معتد
به باشد یا نباشد جایز است یا نه جواب اگر مصلحت طفل در آن باشد خوبست و الا
مشکلست سؤال هرگاه اینکسی را وکیل کنند در گفتن صیغه بیع و هبه و اجاره
و غیر آن چه نحو باید گفت جواب میگوید بعتک انتی بفلان وکالة عن فلان

یا

یا اجرتک وکالة عن موکلی فلان سؤال اگر حیوانی را بکرایه بگیریم و آن حیوان زیاده
توانائی دارد که دیگری را با ما سواری دهد یا زیاده از آن باری که ما داده ایم آیا بدون
رخصت دیگری را با خود سوار میتوانیم کرد و بار دیگری را بر بالای حیوان مذکور بار
میتوانیم کرد یا نه و آن دیگری را بر آن حیوان سوار شدن و بار خود را بار کردن جایز است
یا نه جواب اگر قید نشده که خود سوار شود یا مال معینی را بار کند تجاوز نباید کرد و الا
رعایت توانائی مرکوب و متعارف با او باید کرد و دیگری را سوار نباید کرد والله العالم سؤال
کسی صیغه بگوید که نذر کردم که اگر بیمار من به شود هزار دینار بر مستحق بدهم آیا بمجرد صیغه
گفتن لازم میشود یا قید مضمون لله علی باید بشود بر فرضی که بمجرد صیغه باشد نذر را آیا
بکه باید داد و اگر نذر کند که در ضریح مبارک بیندازد بسادات خدمه یا طالب علمان
مستحق میتوان داد یا نه جواب بمجرد صیغه گفتن لازم نمیشود مگر اینکه نام خدا ببرد
که بگوید نذر کردم یا عهد کردم لازم میشود و باید بر آن وجهی که نذر کرده صرف کند بتعیین
عمومه برساند مثلا هرگاه نذر کند که بضریح اندازد باید بیندازد وفا کند اما اگر نام خدا
نبرده گفته نذر کردم بسادات و مستحقین میتوان داد ح در مسایلی که تعلق بنکاح
دوام و منقطع دارد سؤال هرگاه چند مرد یا چند زن آمدند گفتند که فلان زن
ترا وکیل کرد که او را بفلان شخص بفلان مهر بعقد درآوری آیا این بمنزله آن است
که اینکس خود از ان بشنود در جمیع احکام و جایز است که عقد کند باین نحو که انکحت نفس
موکلتی یا نه جواب اگر مطلب ایقاع صیغه باشد که زوج و زوجه خود بدانند که عقد

واقع شود و مطلب ایشان گواه شدن است یکی باشد بقول یک کس هم میتوان گفت اگر زوج باشد
و اگر خواهند اینکه شاهد باشد میباید دو عادل گواهی بدهند یا انعقد بگویند که علم بهم رسد
سؤال اجرت جهة عقد نکاح دایمی و متعه خواه کسی دیگر باشد که عقد کند یا نباشد
حلال است یا نه جواب اگر شرط نکنند بهتر است و با عدم تعیین ظاهرا قصوری ندارد
سؤال اگر کسی عربی بفهمد ایجاب و عقد نکاح بعربی از وکالت زن بگوید و شوهر که
عربی نفهمد مطلقا بعربی قبول را بگوید جایز است یا نه و همچنین وکیل شدن از جانب مرد
شخصی که عربی نمیداند جایز است یا نه جواب اگر او بفهماند که این لفظ این معنی دارد
و درست بگوید ظاهرا کافی باشد سؤال موطوء بالغ یا غیر بالغ مادر و خواهر و دختر
واطی را میتواند خواست یا نه جواب بعضی قایل بحرمت شده اند و ثابت نیست و مورد
روایت و مشهور حرمت مادر و خواهر و دختر موطوء است بر واطی نه بر عکس والله یعلم
سؤال چه میفرمایند که زید زوجه داشته و چند فرزند از آن حاصل کرده و بعد از زندگی
زید مذکور همشیره داشته و بشوهر داده و فرزند از او حاصل شده و زوجه مذکوره زید
او را شیر داده و رضاع متحقق شده باشد آیا زوجه زید بر زید حرام میشود یا نه
بینوا توجروا جواب بسم الله الرحمن الرحیم اشهر میان علما و اقوی بسبب دلیل است
که حرام نمیشود والله تعالی یعلم بحقایق الاحکام و مجدد الکرام سؤال بمجرد عقد
دختر مادر دختر حرام مؤبد میگردد یا نه جواب خلاف است و اظهر حرمت است سؤال
خواهر زن بر اولاد شوهر که از زن دیگر دارد حرام است یا نه جواب حرام نیست

[حاشیه: ... رضوان الله علیهم]

[حاشیه: معتبر الاعتبار ندارد]

سؤال

سؤال هرگاه شخصی با دختری که چند خواهر دارد شیر خورد آیا برادر مرتضع خواهرها را
که شیر نخورده و خواهرهای دیگر را میتواند خواست و زن کرد یا نه جواب اگر شیر خورده نمیتواند
خواست و آنهای دیگر را احوط ترک است هر چند خالی از خلاف سؤال یک شیر خوردن باعث حرمت
میشود یا نه جواب ظاهرا اگر از ده نشود سؤال مرضعه بر پدر مرتضع حرام است یا نه
جواب حرام است سؤال باکره بالغه رشیده در صحت عقد رضای او کافیست یا رضای
پدر و جد پدری بنا بر تشریک یا استقلال میباید جواب اقوی اینست که رضای دختر کافیست
و احتیاط اینست که برضای پدر یا جد پدری نیز واقع شود و بر فرض اختلاف پدر و جد
جد مقدم است سؤال کسی که خاصی یا عنینی باشد که جماع نتواند کرد آیا متعه از برای او
ثواب دارد یا نه و منصف بعد از مدت عده دارد یا نه جواب مستحب نیست مگر
اگر قصد متابعت سنت کند شاید به اجر برسد و مشهور اینست که بدون دخول
عده ندارد و واجب نیست و بعضی خلوت را کافی میدانند سؤال زنانی که مظنون است
که عده نمیدارند آیا متعه کردن ایشان چه صورت دارد جواب هرگاه معلوم
نباشد که از مشهورات زنا اند ظاهرا توان و همینکه علم بهیچ طرف ندارد نه عده
داشتن و نه عده نداشتن در رتبت ثواب داشته باشد سؤال دو کسی که با هم
لواطه کرده باشند اولاد خود را بیکدیگر تزویج میتوانند کرد یا نه فرق میان واطی
و موطوء هست یا نه جواب ظاهرا در اولاد قول بحرمت شده باشد لعلی تنظر [illegible]

سؤال اگر خود همکاری متعارف بغیر عهد فاسق واقع شده باشد و از ایشان
اولاد بهم رسیده باشد چه حکم دارد جواب اگر عالم بتحریم باشند اولاد ایشان اولاد
زناست و اگر شبهه شده باشد برای ایشان اولاد شبهه خواهد بود و حکم صحیح خواهد داشت
والله یعلم سؤال هر کس زن سیده داشته باشد آیا بفاطمه علیها السلام محرم میشود
یا نه جواب اگر از اولاد حضرت فاطمه ع باشد زوجها و محرم میشود خواه از جانب مادر
و خواه از جانب پدر سؤال دو زن سیده در یک خانه یک جا جمع کردن حرامست یا مکروه بنا بر حدیث
که بمعنی همین حضرت فاطمه ع میرسد بر او شاقست جواب بمحض همین یک حدیث حکم بحرمت
مشکلست اگر کسی نکند بهترست سؤال اگر زن سیده و دختر غیر سیده در خانه یک کسی جمع شوند
در آن حدیث نهی ... سیده داخل خواهد بود یا نه جواب اگر غیر سیده از اولاد حضرت
باشد در آن حدیث داخلست والله یعلم سؤال میتواند خواهر یا برادر خود را
شیر دهد یا نه جواب ظاهرا میتواند شیر دهد اما در بعض مضایقه داشته اند که آن
زن عمه یا خاله طفل میشود و بر شوهرش حرام میشود اما مشخص نیست سؤال
اگر کسی خود سعی کرده باشد و حروف را از مخارج ادا نمیتواند کرد واجبست که در صیغه
عقد نکاح دیگری را وکیل کند یا نه جواب معلوم نیست واجب باشد وکیل کردن
سؤال عورت زن نسبت بمحارم قبل و دبر است یا از سر تا رکبه جواب
ظاهرا بخصوص عورتی نیست و اجتناب از نظر ما بین سره تا رکبه احوط است والله یعلم

سؤال

سؤال نظر کردن بزنان اهل ذمه از بابت زنان یهود و ارمنی نقصی دارد یا نه و همچنین زنان دهها
و مزرعها جواب اکثر علما قایل شده اند که جایزست بر زنان اهل ذمه نظر کردن تا بیت
سر و رکبه و زنان دهات هرگاه پرو نکنند و اگر ایشان را منع کنند بر طرف نکنند جمعی
رخصت کرده اند اما بغیر شهوت باشد و احتیاط اینست که بغیر رو و دست نگاه نکنند
سؤال زنان را از راه دور بعضی جاها برجا روا یا سوار کردن و بزیارت ائمه ع بردن
چون نامحرم گاهی حرف ایشان را میشنود و ایشان را شاید هم ببیند بعضی زیارتی
سنت نیست یا نه ظاهرا خوبست جواب اگر غرض بنامی نباشد سؤال هرگاه شخصی با ظاهرا خوبست
پسری لواط کرده باشد و شک در ایقاب داشته و جاهل مسئله بوده که در صورت
ایقاب همشیره آن پسر برو حرام میشود و همشیره او را خواسته اولاد از آن شخص در ایقاب
بهم رسانیده آیا تفریق واجبست یا نه جواب در صورت شک وجوب تفریق معلوم
نیست هر چند ظن احتیاط تفریق است و گاه هست که بعضی مردم علم دارند و ظن میمانند
چون فرق میانه اینها نکرده اند سؤال هرگاه دختری که صغیره است ولی آن دختر
بکسی صیغه عقد منقطع بخواند با وجودی که ناکح مرد ... باشد آیا محرم میشود
و دیدن او مادر دختر را جایزست یا نه و اگر عقد فضولی باشد هر دو طرف صغیر باشند
که غیر ولی عقد کند حکم او چه خواهد بود یا نه جواب اگر ولی عقد کند ظاهرا محرم
میشود و در فضولی بدون تجویز بعد از بلوغ معلوم نیست که اثری مترتب شود

سؤال اگر کسی دختری را در یک صیغه خواند با وجودی که دختر حرام مؤبد نشد بدون دخول
مادر دختر بر آن مرد محرم میشود یا نه جواب حرام میشود نه بدون دخول اما در محرم شدن نمیشود
سؤال کسی که زن خود را به پسر صغیر خود عقد منقطع کند و بعد از انقضای مدت آن زن را دیگری
بخواهد آیا محرم پدر پسر میشود آن زن یا نه جواب ظاهرا محرم میشود در این صورت
سؤال دختر زنی که از شوهر دیگر بعد از طلاق بهم رسد بر شوهر او حرام است یا نه جواب
اگر شوهر او دخول کرده حرام میشود و الا کراهت است سؤال در شب سفر که جماع مکروه است
مخصوص سفریست که موجب قصر باشد یا شامل سفر یک فرسخ نیز هست جواب ظاهرا
سفر قصر باشد سؤال در اول ماه و میان ماه و آخر ماه نیز جماع مکروه است شامل روز است
یا مخصوص شب است جواب ظاهر از روایت شب است سؤال در ازمنه و امکنه که
جماع مکروه است آیا آن کراهت مخصوص کسیست که زن او احتمال داشته باشد که بسبب
آن جماع حامله شود یا مطلق است جواب ظاهر حدیث و کلام علما مطلق است
سؤال مقاربت در خانه که طفلی هست که تمیز ندارد در خواب یا در خواب نیست یا
طفلی صاحب تمیز هست که در خوابست مکروه است یا نه جواب از بعضی احادیث کراهتی
ظاهر میشود اگر طفل ممیز باشد احوط است سؤال اگر طفل در گهواره باشد و پوشیده
باشد آیا آن گهواره بمنزله خانه میشود تا دفع کراهت جماع شود در آن خانه یا نه
جواب دور نیست که فی الجمله کراهتی باشد موافق بعضی اخبار سؤال بفرمایید

کم

که جماع کردن در اوقات که ممنوع است و باعث علتها در فرزند است وقتی است که حمل هم
نرسیده باشد یا حمل که بهم رسید نیز این حکم دارد جواب بعد از حمل نیز اجتناب
بهتر است سؤال بخشیدن هر خوش طبعی چه صورت دارد جواب مشغول الذمه است
سؤال هرگاه اختلاف بهم رسد در مهر در وقتی که یکی از زوجین یا هر دو مرده باشند یا
هر دو زنده باشند چه چیز ثابت میشود جواب بگواه ثابت میشود و الا قسم داده میشود
سؤال زنی که بر مذهب اهل سنت باشد یا زیدیه یا مثل عیسائیان از فرق اسلام
جایز است متعه کردن ایشان یا نه جواب ظاهرا جایز باشد و بهتر اینست که سنی متعصب را
متعه نکند سؤال هرگاه کسی دو زوجه دایمی یا بعضی با سه تا داشته باشند در قسمت پناه بخدا
لیالی هرگاه در چهار شب یک شب پیش یک زن خواهد بسر برد آنکه سه شب دیگر را نزد زن دیگر باشد
بتقدیر دو تا یا دو شب را بتقدیر سه تا و این خلاف مروت بود با نیت خواهد بود یا نه و
شبها مطالعه یا نماز باشم تا که بیدار شود از خانه زنی که نوبت اوست برود بخانه دیگری
چون ضابطه کار و سر رشته در آن خانه دارد و هر چند نصف شب بیدار و کار باشد
که در میانه کسی و کاری دارد در عرض شب قدری دیگر بخواهد باید رفت نزد آن زن صاحب
نوبت یا لازم نیست و بر تقدیر احتیاط در بعضی حقوق یا اگر در بعضی از شبها که اختیار دارد
نزد هر کدام باشد چون به زیاده از قسمت است نزد آن زن برفته باشد تلافی این بکنید
یا نه مثلا در هر چله شب چهار شب نزد یکی باشد و دو شب نزد دیگری با وجودی

که در هشت شب دو شب حصه اوست قدری از دو شب که زیاده بوده تدارک میکند یا نه
و دیگر صبح است که واقع شده با وجود کثرت شغل هرگاه در مسجد یا زیارت یا شغل
ضروری یا غیر ضروری باشد وگاه باشد که هنوز صبح نشده حرکت میکنم در صورت دارد
واگر نشد در این جزئیات اوقات از ایشان اذن طلبیده بظاهر گویند مأذون
خاطر جمع میشود یا نه حق در آن ساعت شب نوبت بخانه دیگر بیاید و شاید مقاربت
نیز واقع شود و قدری از شب را نزد این زن صاحب نوبت باشد جمله که از آن هر زن
مأذون شود که شبهای نوبت او که بآن خانه که مشغول کسب و مطالعه و نماز یا غیر اینها
دارد برود از زن اذن دهد اطمینان قدری حاصل میشود که عدالت کرده باشد یا نه
لطفا امید که جواب شافی در این مسئله عنایت فرمایند جواب بسم الله الرحمن الرحیم
کسی که کمتر از چهار زن داشته باشد زیاده از حصه را نزد هر یک که خواهد میتواند خوابید
و احوط آنست که در شب نوبت زن بجای دیگر نرود مگر برای نماز جماعت در مسجد
یا عبادت نزد زنی (نزد خود) که بیمار باشد یا قدری متعارف نشستن با مهمانان و امثال اینها و ظاهر
در صبح و قیلوله نزد صاحب نوبت بودن بسبیل فضل و استحباب باشد ولیکن احتیاط آنست
که چنین کند مگر اینکه مشغول زیارات و عبادات و قضای حوایج مؤمنان و طلب علم
و درس گفتن و امثال اینها از امور خیر بوده باشد و اگر صاحب نوبت مرخص سازد
خانه دیگر میتواند رفت و حصه خود را بشوهر یا بعضی از زوجات میتواند بخشید و رضای

ظاهری کافیست

بلغ

ظاهری کافیست ۵ در اطعمه و اشربه و ذبیحه و مانند او **سؤال**
هرگاه حیوان ماکول اللحم مشرف بر موت را ذبح نمایند که از آن خون معتاد
بیرون آید و حرکت ننماید حلالست یا نه **جواب** هرگاه خون چنین جاری
باید و حرکت نماید خوبست و الا که یکی از اینها واقع شود بعد دیگری خالی از
اشکالست **سؤال** آش عجبکان چه حکم دارد **جواب** پاکست و حرام **سؤال**
ماهی را اگر بر زمین زنند خوردنش نقص ندارد **سؤال** حیوان ماکول اللحم که قبل (چه صورت دارد جواب)
از ذبح حیوة مستقره شرطست در حالت اختیار یا مطلقا **جواب** اگر خون و حرکت
بعد از ذبح بعمل آید در هر دو بهر جهت بر اشتراط حیوة مستقره یعنی دیگر دلیل نیست
سؤال ذبیحه تفنگ حلالست یا نه **جواب** حلال نیست **سؤال** در ساله که گرسنگی
و غیر گرسنگی مردم بسیار می آیند و می گویند ما گرسنه ایم و صاحب عیال و صاحب
قرضیم و از هیچ جهة مستقلی نداریم و ما نوشته ساله خود را داریم یا کمتر بلکه خرج
دو ساله یا یک دولت آیا در صورت چنین چکار کنیم **جواب** اگر خوف اضطرار
خود و عیال خود نباشد دادن احوط است **سؤال** اگر نان را بسگ یا بخوک و
غیر اینها از حیوانات دهند بد ادبیست یا نه **جواب** نهی در این باب نشنیده ایم
سؤال طعام و گوشت را بر روی نان گذاشتن مکروهست یا نه **جواب** ظاهرا
مخصوص ظروف باشد و اگر آنرا هم نگذارند بهتر است **سؤال** در وقت آشامیدن

غیره

آب از مایعات سنت است یعنی بر قاتل حضرت امام حسین ع و حاصل میشود
در آن ثواب یعنی چنانکه در آب است باشد جواب در همه وقت یعنی ثواب
دارد و مدد خوردن آب افضلیت سؤال حدی که مرغ و غیر آن از حیوانات
جلاله شود چه چیز است و حکم عرق او چه حکم دارد جواب اکثر بنای او را بر عرق
کذر نشته اند و بعضی یک شب و یکروز گفته اند و بعضی گفته اند که کنده و فضله در گوشت
او بهم رسد و در این اخیر احتیاط ضرور است اگر چه خلاف است که جلاله باعث
حرمت میشود یا کراهیت و حرمت مشهور است و ایضا خلاف است که میباید عذره
بحت خورد یا اگر غالب باشد نیز باعث حرمت میشود دلیلی و اولی مشهور است
و بعضی نجاسات دیگر را اطلاق کرده اند و ظاهر این چه است و کراهت عرق
اقوی است والله یعلم سؤال اگر کسی حیوان سواری تشنه دارد در سفر آب را
صرف طهارت کند یا آن حیوان دهد جواب اگر خوف هلاک حیوان باشد
بحیوان دهد سؤال استحباب لیسیدن دست در وقت طعام عامست نسبت
بهر لقمه یا همین در آخر طعام خوردنست جواب ظاهر آنست در آخر باشد سؤال
وظیفه طالب علمان از وجوه سهم امام و غیر آن چونست جواب صورت
شرعی ندارد سؤال مالوجهاتی که حکام میگیرند بعد از گرفتن ایشان
بر غیر ایشان حلالست هر چند صاحبش را دانیم و عشر گندم دیمه چه نیز این

حکم

حکم دارد یا نه جواب از احادیث ظاهر میشود که هرگاه ایشان خود بگیرند
و حواله بکنند که این کس خود بگیرد بعد از گرفتن ایشان بر غیر ایشان حلالست
هر چند صاحبش را دانند معلوم باشد و عشر ظاهرا همین حکم دارد سؤال
هرگاه دو نفر عالم باشند و یکی را گویم اعلم است از دیگری آیا غیبت خواهد بود
یا نه جواب معلوم نیست سؤال موضک انداختن چه صورت دارد یا خیر آگاهست
لهو است یا نه جواب احتمال اسراف دارد سؤال ۲ عطیه و احسان که زن بعلم
طفلش میکند و احتمال دارد که شوهرش اذن نداده باشد آیا حمل بر صحت کنیم
یا احتیاط باید کرد جواب هرگاه چون حمل بر صحت میتوان کرد و اگر قرائن بکنند و ضعیفه
بر خلاف نباشد احتیاط بدنیست سؤال سهام ملاهی از بابت دهل و سرنای
کرنا و سنج و نقاره و دف صاحب جلاجل و غیر اینها که از سهام ملاهی باشد
و غنی خاصه در آن نباشد حکم حرمت میتوان کرد یا نه و شنیدن اینها در غیر
ضرورت چونست و اگر راه کسی بر آن طرف باشد که این سازها را بنوازند
و راه دیگر غیر آن راه باشد که این سازها نباشد میتوان کرد که واجبست که
از آن راه برود که اینها نباشد یا نه جواب هر چه داخل معازف و ملاهی باشد
حرامست هر آنکه عرفا ساز گویند و اگر استماع نکنند و مقصود نباشند شاید
تجنب طریق ضرور نباشد سؤال شنبه را با آتش روغن سوختن چونست و آب گرم

جامه داشته که پشمش نجس و بعضی صلحا دغدغه میکنند صورتی دارد یانه جواب
ضعیف است باید بشستن خوب نیست اگر در میان جامه باشند آب کم م
بشوید طاهر است قصور ندارد و وهم در خاطر ندارم سؤال باعث بر عفو گذشتن
در حالت اختیار چون است با وجود آنکه آمده است که امام ع از این فعل متغیر شد و اندک
تصدیع که میکشیده باشند بسبب کهنگی ظروف و نان و قرآن با مت
جائز خواهد شد بدون کراهت یا نه جواب تا مقدور باشد نکردن اولی است
و باوری متفق تخفیف کراهت یا زوال معلوم نیست سؤال گندم را
هرگاه بکوبند و شیره آنرا گرفته بجوشانند آیا در عصیر نیز در حلیتش
بر طرف شدن دو ثلث شرط است یا همین که عرفا صدق دوشاب و شیره بر آن
صادق کافیست جواب بسبب غلیان و جوشیدن حکم بحرمت کردنش
و حرمتش نمیتوان کرد اما احتیاط اینست که ذهاب ثلثین بعمل آید سؤال
آب غوره را که بجوشانند حرام میشود و احتیاج بذهاب ثلثین هست یا نه
جواب تا شیرین نشود که در عرف انگور بر او اطلاق کنند حرام نمیشود سؤال
ذراعتهائی که مدار آنها بر فضلات انسانست که از میان آن میروید و آب میکشند
چه صورت دارد جواب مباح و حلال است سؤال در وقتی که گاو در
خرمن میکنند که بکوبند بسیار است که گاو گندم بسیار میخورد و باز گندم را
درست دفع میکند در میان گندم و گندم خرمن ممزوج میشود چه صورت دارد

جواب

جواب ظاهر اینست که جایز باشد دغدغه نداشته باشد و حلال باشد سؤال
هرگاه حرام مغز در میان گوشت بجوشد و آب گوشت بمیان آن میرود و ممزوج
بهم میشود اشتباهی دارد یا نه جواب تا علم بهم نرسد که از آنچیزی منفصل
شده باشد دغدغه اش معلوم نیست اگرچه بیرون کردن آن از میان گوشت
اولی است و در اعضای دیگر که حرامست اگر در میان گوشت بجوشند همان حکم است
سؤال در جلد کله که پخته شود چه میفرمایند میتوان خورد یا نه و بعضی میگویند
که جلد مطلق حرمتش معلوم نیست این حرف صورتی دارد یا نه جواب حرمت
جلد معلوم نیست و اباحت اظهر است سؤال در غلیان چه میفرمایند
داخل شبهات میدانند یانه و بر تقدیری که نباشد اجتناب از صرف شبهه چرا نیست
باشد و حال آنکه تهدید بلیغ در بعضی روایات بر ارتکاب شبهات واقع شده
و اگر داخل شبهات نمیدانند چه میفرمایند در اینکه آیا مستند روایات داله بر اباحت
اشیا ظاهر در ماکول و مشروب است و غلیان در عرف و لغت هیچکدام مشروب
نمی نامند بلکه فعلیست که کردن آن موقوف بر رخصت شارع جواب
اباحت اکثر اعم از ماکول و مشروب است و جواب این سخنان را در این موضع
بلغ نمیتوان داد در بعضی اعمال خیر و مستحب و مباح سؤال هرگاه
جمعی باشند که در نتیجه مالوجات باهم شریک باشند یا سرشماری که در بعضی
بلاد میباشد و یکنفر از ایشان بحسب دنیا اعتبار آن بیشتر است او را التماس بکند

که ما را آنچه باید داد بشما میدهیم که شما تسلیم نوکر حاکم کنید بلکه منت دار
هستند و شاید گاهی نفعی هم بایشان برسد در دادن آن شخص اگر ضعیف کند
و مرتکب این امر شدن از ایشان بگیرد و بحاکم بدهد آیا آثم هست یا نه جواب
اگر کسی برضای خود کسی را التماس کند دور نیست که باعتبار مصلحت آن خوب
باشد اما چنانچه اغلب اینست که سرکرده‌گان کسی را در پیش میکنند والتماس
مینمایند و چارکان هستند که از ایشان بتعدی میگیرند وجهت ندارد و اعانت
بر ظلم است و مرتکب شدن چنین امری صورتی ندارد سؤال تذهیب قران را
لازم هست نوشتن یا نه جواب در کتابها نوشتن تخمیس نیست که واجب
باشد اما در قران باید نوشت سؤال جماعتی که در سر قبور تلاوت قران
میکنند و بایشان احسانی میکنند حلالست یا نه جواب اگر نوعی بدهند
که بازاء خواندن نباشد حلالست مثلا اینکه بعنوان عطیه یا جعاله
که ایشان در سر قبر چراغ روشن کنند بایشان احسان کنند خوبست سؤال
غلط قران را واجب است درست کردن و اگر کسی غلط بخواند البته باید گفت
یا نه جواب بطریق امر بمعروف کردن اینها بهتر است و بعضی میگویند
واجب است سؤال حدیثی که حضرت رسول صلعم بحضرت امیر ع فرموده که
سگهای هرزه گرد را بکشند معتبر هست و میتوان کشت یا نه جواب بلی چنین
حدیثی هست و سایر حیوانات را که موذی هستند بکشند بهتر است سؤال
شبها

شبها که کسی مطالعه میکند اگر چراغ را خاموش نکند و بخوابد داخل اسراف است
یا نه هرگاه منظور این باشد که هرگاه بیدار شود چراغ مهیا باشد متفاوت
میان مستحقین و غیر آن هست در این یا نه جواب اگر بهراو دشوار باشد
روشن کردن ظاهرا قصوری ندارد سؤال اگر کسی جهت مدعای خود بگوید
که لعنتی که بر عمر میکنند بر من باشد اگر چنین باشد . یا گوید لعنت بر من
اگر چنین نباشد یا بحق فلان پیغمبر یا فلان امام اگر دروغ گویم و جز مرگ
فلان عزیز برای من بیاورند اگر دروغ گویم و قسم اینها و امثال اینها
جایز هست یا نه جواب احوط آنست که بغیر خدا مطلقا قسم نخورند و قسم
بلعنت و برائت خوب نیست سؤال لعن اهل تصوف مطلقا میتوان
کرد یا نه جواب مطلقا لعن نمیتوان کرد بعضی که اعتقاد آنجماعت سابق را
دارند کافرند و بعضی جهال که همان اسم تصوفی دارند هر چند چرخ و سماع
کنند فاسق اند لعن نمیتوان کرد سؤال در بعضی احادیث که بر افعال
مکروه لعن واقع شده لعن میتوان کرد یا نه جواب آن لعن را شاید
ایشان کرده باشند یا معنی دیگر مراد باشد سؤال عباس و عقیل چه حال
داشتند چون بعضی حرکات از ایشان ناشی شد جواب هر دو هم ضعیف
الایمان بودند سؤال حکمت در تکرار قصه واحد در قران مجید چه چیز است

جواب حکمت بسیار است و قصه واحد را بعبارات مختلفه ادا کردن از
جمله بلاغت است و تکرار قصه واحد بلفظ واحد انقدر اثر ندارد که بالفاظ مختلف
ادا شود و وجوه دیگر بسیار است ۵ در بعضی از مسایل میراث سؤال
دختر زاده و پسر زاده میراث را بچه نحو قسمت میکنند جواب مشهور اینست
که نصیب من یتقرب به را میبرند سؤال نصیب زوجه ذات ولد از میراث
زوج چه چیز است جواب مشهور اینست که ثمن از همه چیز میبرد و احوط مصالحت
سؤال زوج از زوجه غیر ذات ولد چه قسم میراث میبرد جواب نصف
سؤال زوجه که از شوهر فرزند ندارد چه چیز میراث میبرد جواب
بسم الله الرحمن الرحیم اشهر میان علمای امامیه رضوان الله علیهم با قوی
عجب الله انست که زوجه میت که فرزند از میت نداشته باشد از زمین مطلقا
حصه نمی برد و اعیان عمارت از آجر و خشت و چوب و در و پنجره و غیر ذلک را
خواه از خانه و خواه از مستغل و خواه از دهکده قیمت میکنند و حصه آنرا
از قیمت میدهند و در عین شریک نمیشود و در رضا اشکالی است اگر قیمت
راضی شود قیمت باو میدهند و اگر راضی نشود احوط آنست که از عین باو
بدهند و اگر شریک او یتیم نباشد از جمیع منقولات حصه میبرد مگر اینکه
بسبب حبوه که مخصوص پسر بزرگ است سؤال حبوه که مخصوص پسر

بزرگ است

بزرگ است چه چیز است جواب اشهر و اقوی در مسئله حبوه اینست
که جامه هائی که پوشیده باشد یا مهیا کرده باشد برای پوشیدن داخلست
و آنچه نپوشیده باشد محل تامل است و ظاهر اینکه عمامه و ردا داخل باشند و عدم
دخول یا پوستین و کلاه و کفش و موزه و کمربند و پوست اشهر است عدم دخول جامه‌ها
که از پوست باشد یا جایز الصلوة نباشد بنا بر خلافی که هست و عدم دخول خالی
از قوت نیست و یک انگشتر که باو اختصاصی داشته باشد اگر نسبت باو هم مساوی
باشد شاید تعیین بقرعه اولی باشد و هم چنین در تعیین یک مصحف اگر
متعدد باشد و شمشیر با عدم اختصاص بقرعه تعیین کردن اولی است
در داخل بودن غلاف مصحف و زیور شمشیر خلافی هست و عدم دخول خصوصا
در اخیر اقوی است و احوط در اینها که محل خلافست صلح است والله تعالی اعلم
۵ در شهادت سؤال هرگاه اینکسی را شاهد میگیرد زنی که او شخصی را
وکیل میکند در امری یا چیزی هبه میکند یا غیر آن و اینکس آن زن را نمی شناسد
و دو عادل نیست که گواهی دهند که این زن آن زنست آیا بمجرد اینکه چند زن
یا چند مرد بگویند که این زن آن زنست ما شهادت میتوانیم داد
در وقت ادای شهادت یا نه و در اینصورت در وقت شهادت نوشتن
بعنوان جزم میتوانیم نوشت که فلانه زن چنین وصیت کرد یا اینکه

واجبست چیزی بنویسیم که زنی گفت من فلان کسی را وکیل کردم در فلان امر
و چند نفر گفتند که این آن زنست جواب اگر علم بهم رسد که آن زنست بقراین
حالیه و شهادت جمعی شهادت بجزم میتوان داد والا اگر خصوص واقعه
و شهود را ذکر کنند شاید بد نباشد سؤال اگر جاهلی کاغذی آوردند که
شهادت خود را بنویس آیا بمجرد این ما شهادت خود را میتوانیم نوشت
و شهادت میتوانیم داد یا نه جواب اگر علم قطعی از گفته ایشان بهم رسد
میتوان نوشت و بعضی ظن قریب بعلم را اکتفا کرده اند و خالی از اشکالی
نیست و احوط ترکست مگر اینکه حاکم شرع باشد بر ثبوت شرعی چیزی بنویسد
سؤال هرگاه دو کس گفتند که شهادت خود را بنویس برای کاغذی که گفت
که من فلان نام دارم فلان ملک را بر فلان خود که فلان نام دارد فروختم
و ما نه بایع و نه مشتری را میشناسیم و نه نام ایشان را میدانیم و نمیدانیم که بایع مالک
آن ملک هست آیا جایز هست که ما شهادت خود را بنویسیم و در وقت احتیاج
شهادت بدهیم بدون تحقیق امور مذکوره یا نه جواب تا بایع را نه
نشناسد گواهی نتوانند نوشت اما شرط نیست که بدانند که او این ملک را
دارد سؤال خوابیدن دو زن یا دو مرد بدون ضرورت در زیر یک لحاف
جایز هست یا نه جواب اگر برهنه باشند حرامست اگر رخت پوشیده باشند

احوط

بلغ

مجموع سعید ... مسئلات تا اینجا

احوط آنست که نخوابند و اگر ضرورت شود لحاف را در میان ته کنند که حایل
باشد سؤال مال صغیر را خرج مکتب کردن چه صورت دارد جواب خوبست اگر
مصلحت باشد

در بیان مسائلی چند که جمعی از مؤمنین و طلبهٔ علوم سوای ملا محمد کاظم سبزواری از شیخ جلیل شیخ محمد بن الحسن الحر العاملی ادام الله بقاه استفتا نموده

سؤال علمای امامیه و فقهای کرام اثنا عشریه ادام الله بقاءهم الی یوم القیام چه میفرمایند که شخصی فوت شده و دو فرزند کبیر دارد و یکی زوجه معدوم الولد و این متوفای مذبور در حالت حیات متروکات و مخلفات خود را بالتمام و کماله در عوض مهر هبه نموده بزوجه که مادر فرزندان نیست داده و فرزندان خود را محروم نموده و گفته که بعد از من هیچ احدی را برای زوجه منازعا نباشد ملتمس اینکه بفرمایند حق تعالی بنا برای اعیان هبه شرعا میرسد که آن زوجه تمام متروکات متوفی را صاحب شود آنچه موافق شرع شریف باشد بیان فرمایند که مثاب و ماجور خواهند بود جواب بسم الله الرحمن الرحیم باید که هبه و قبض کردن موهوبات قبل از فوت واهب ثابت شود پس هبه بموجب به تعلق دارد بعد از ثبوت در موهوبات مذبوره باقی ورثه حصه ندارند والله اعلم حرره محمد الحر

سؤالی چند که عالیحضرت حاجی محمود بیشی عماد از شیخ علیه الرحمه سؤال نموده اند سؤال آیا زن مکلفه از پیش شوهر خود مسایل را موافق شرح بدایة الهدایة فارسی میتواند درست کرده در حالتی که شوهر او این نسخه را در نزد اعلم گذرانیده باشد و برای این زن کافیست یا اینکه تا پیش اعلی بسهد عمل نمیتواند کرد و بعد از آنکه عمل کرده اگر زنهای دیگر مسئله را از او بپرسند میتوانند

جواب او را و برای زن جایز هست بر آن زنها کافیست یا نه جواب اگر شوهر تقدر و عالم فی الجمله و خاطر از او جمع باشد جایز هست و کافیست و هرگاه تواند عمل کند میتواند بزبان دیگر نقل کند و هرگاه تقدر نباشد زنان باین مسئله میتوانند عمل کنند والله اعلم حرره محمد الحر سؤال در بعضی کتب هست که باید مستحب آن کو کنند عقیقه را دفن کرد حدیثی سندی دارد یا نه جواب دفن کردن استخوان عقیقه در صحیح روایت بنظر نرسیده سؤال شخصی در بشان فصد کرده و رسانیدن آب ضرر دارد تیمم چه قسم کند جواب وضو باز و جای زخم آب نرساند و جای زخم را کهنه پاکی گذاشته جبیره بکشد که وضو درست هست سؤال آب چشمه اگر جاری نباشد و کم از کر باشد بملاقات نجاست نجس میشود یا نه جواب نجس نمیشود تا تغیر به نجاست نیابد سؤال بفرمایند که عدالت را کدامست جواب عدالت را دو چیز شرط هست یکی اینکه ترک واجبات نکند و مرتکب محرمات نشود دویم در نماز جماعت بی عذر شرعی حاضر باشد سؤال هرگاه دانسته شود که آب طهارت نجس بوده هست با نماز چه کند جواب هرگاه یقین حاصل شود که آب طهارت نجس بوده هست نماز را اعاده باید کرد و در وقت ادا طهارت باید داد سؤال آب وضو هرگاه از رشتگاه مورعیه نشده باشد چه صورت دارد جواب آب دیگر باید ریخت که ابتدا از رشتگاه شود تا وضو صحیح باشد سؤال شخصی در اعضای وضو قطره های خون ریخته باشد بغیر از شستن بدون تطهیر وضو ساخته چه صورت دارد جواب فرموده که علامه در کتاب خود گفته هست که وضوی او درست هست زیرا که بهمان آبی که وضو ساخته ازالهٔ خون هم شده مستحباً ضیاع بوضو ...

وتطهیر ندارد سؤال کفشی که عوض شده باشد وضو ساختن در ان چه
صورت دارد جواب در کفش عوض شده اگر کمتر از درهم باشد بان کفش وضو
میتوان ساخت واگر زیاده بر درهم یا بقدر درهم باشد وضو نمیتوان ساخت
و تعریف باید کرد که حکم لقطه دارد سؤال آیا بجهت کفاره درهم دینار مسکوک
باسامی ائمه میتوان داد یا نه جواب در زمان ائمه ع بجهت کفاره چنین درهم
دینار میدادند و ائمه ع هیچ جا منع نکرده اند سؤال وضوی قبل از غسل حیض را
بچه نیت میتوان کرد جواب وضوی پیش از غسل حیض سنت است و بنا بر مذهب
بعضی از علما واجب است سؤال اگر کسی عمدا جنب شده باشد و بعد از ان بتوهم
ضرر غسل با تیمم نماز کرده بعد از رفع عذر اعاده نماز ضرور است یا نه جواب
اعاده لازم نیست زیرا که عذر او مسموع نیست و نماز در غیر طهارت کرده است
سؤال اذانی که مسافر را در وقت روانه شدن از عقبش میگویند حدیثی دارد
یا نه جواب اینقدر که تتبع احادیث کردم در هیچ کتاب حدیث آنرا
نیافتم سؤال آیا مخالفین از قرآن چیزی انداخته اند یا نه جواب دو
سوره دیدم در جبل عامل و در مشهد نیز دیدم و لوح حضرت فاطمه ع نیز
دلالت بر صحت انقول میکند و جزم دارم که انداخته باشند و احادیث
بسیار هست که حضرات فرموده اند که تمام قرآن نیست مگر نزد اهل بیت این
نیز دال بر این است سؤال در بعضی از اجزای زمین که بعضی اوقات ماکول
باشد و در بعضی اوقات نباشد مثل برگ انگور و بعضی علفها که از دریا میروید و در

تازگی

تازگی و سبزی مردم میخورند و در بعضی اوقات که خشک باشد نمی خورند
چه حکم دارد سجده کردن بر آن جواب در اوقاتی که لایق خوردن باشد سجده
جایز نیست و در وقتی که نباشد جایز است سؤال در اثنای نماز بیاد واقعه
کربلا کسی گریه کند نمازش باطل است یا نه جواب معلوم نیست مبطل نماز
باشد سؤال ابن بابویه ره که سهو بر پیغمبر و امام جایز دانسته اتفاق علما بر انست
که سهو و نسیان بر ایشان روا نیست جواب ظاهرا که ابن بابویه ره در این
باب سهو کرده است سؤال شیخ علیه الرحمه میفرموده اند که در چهار فرسخ قصر واجب است
اگر مسافر اراده برگشتن دارد تا روز نهم در این نه روز هر روز که خواهد برگردد
نماز را قصر کند تا رسیدن بخانه خود که رفتن و آمدن هشت فرسخ باشد اگر
اراده دارد که در چهار فرسخ رفته استقامت کند یا تردد دارد که آیا در عرض
ده روز بر خواهم گشت یا نه در این دو صورت نماز را تمام کند و اگر از روی جهالت
قصر کرده باشد اعاده کند سؤال حصه سلطان زکوة دارد یا نه جواب اگر
حصه سلطان از همان جنس گرفته داده باشد خواه سلطان عادل باشد خواه
ظالم از مالک زکوة ان ساقط میشود و اگر عوض از نقد یا جنس دیگر داده باشد
زکوة ان ساقط نمیشود سؤال فقرا و مساکین که مذهب اثنا عشری داشته
باشند و فاسق باشند زکوة میتوان داد یا نه جواب میتوان داد اما شراب
خوره را نمیتوان داد و باقی را میتوان زیرا که عدالت شرط نیست سؤال
بطلاق دادن اهل سنت زن خود را منعقد میشود یا نه جواب طلاق سنی را هم

دو ماه را از زبانش نشنوند رخصت است از همان روز عدت نگاه دارد **سؤال**
خواهر سرا متعه یا زن دایمی میتواند کرد یا نه **جواب** اگر زن راضی باشد میتواند
کرد **سؤال** چند چیز است که باعث ارتداد میشود کدامست **جواب** قبول نکردن
توحید و تحقیقات ثبوتیه و سلبیه و عدل و نبوت و امامت و معاد و
و حلال را حرام دانستن و حرام را حلال باعث ارتداد میشود اگر کسی مرتد شود
عمداً و در غضب نگفته باشد توبه او قبول نیست که اگر توبه هم بکند باز بر امام
واجبست که او را بکشد اما در واقع قبولست **سؤال** مالی که خمس و زکوة او را نداده
باشند در حرمت و حلیت آن مال چه میفرمایند **جواب** حلالست تا وقتی که بقدر
آن زکوة یا خمس باشد بعد از آن حرامست (ف) آخوند ملا محمود شاگرد شیخ
میفرمایند که در حینی درس نماز سفر شیخ فرمودند که روزی در جائی اتفاق افتاد
مرا با حاکم هرات و حاکم سمنان در وقتی که حاکم هرات از اصفهان رقم حکومت
گرفته آمده بود و چون حاکم سمنان خالی از علمی نبود حاکم هرات گفت شما در این
راه نماز را قصر کردید یا تمام در جواب گفت هر دو را احتیاطاً بجا آوردم حاکم
سمنان گفت لازم نبود که تمام کنید از جهة اینکه شما اراده وطن داشتید حاکم
هرات وطنی نشد و من گفتم کو گفت هر چه شیخ تجویز کند مفتی به است من
گفتم که تمام لازم است در این سفر حاکم سمنان گفت چرا شیخنا مانع قصر چیست
هرگاه حاکم را قصد ظلمی نباشد و اراده زیارت هم دارد و اراده وطن هم
باشد و بعد از این اراده جمع آوری مال خود هم قصد کرده من گفتم صاحب سفر

خود

خود انصاف بدهد که اگر رقم حکومت در میان نمیبود آیا قصد این امور مذکور
داشت او گفت که اگر رقم حکومت نمیداد نمای اراده نمیکردم از این جواب مدعی
ساکت شد من گفتم با وجود این عمده تر از همه وجوه اینست که حکومت حق
صاحب الامر است چون اصل این حکومت غصب است هر چند قصد ظلم
نباشد نماز و روزه تمام واجبست نهایت اگر کسی خود سعی نکرده باشد
و جبر کردن ایشان حکومت را بسته باشند و ترس کشته شدن برای قبول
نکردن باشد احتمال دارد که اصل این حکومت جایز باشد قطع نظر از ظلم
ایشان که اگر ظلم کنند با اصل حکومت منافات ندارد (ف) بدانکه انکار بعد
از اقرار قبول نیست و اقرار بعد از انکار قبولست چنانچه روزی نزد شیخ
سلمه الله شخصی تمسک برای شهادت آورد که شهادت خود را بنویسید شیخ
از او پرسیدند که زر گرفته‌ای آن شخص گفت که هنوز نگرفته‌ام شما که شهادت
بنویسید خواهم گرفت شیخ فرمودند تا اقرار بقبض و تصرف نکنی چه قسم شهادت
بنویسم آن شخص همان ساعت اقرار کرد که گرفتم و متصرف شدم شیخ فرمودند
٢٧ مسئله که این اقرار بعد از انکار است و قبولست بعد از آن شهادت خود را در آن تمسک
نوشتند

این جواب مسائل متفرقه چندیست از خدمت عالیحضرت رفیعمنزلت علامة العلمائی افضل الفضلائی مجتهد الزمانی شیخ محمد حسین العاملی الاصل المشهدی المولد **سؤال** علمای امامیه و فقهای کرام اثنا عشریه چه میفرمایند درین مسئله شرعیه که زید و عمرو دو برادرند و هر دو در حین حیات با هم بوده اند و از هم جدا نشده اند و هر دو نیز تحصیل مال بیکدیگر کرده اند والحال یکنفر متوفی شده و صغیری دارد اموال این دو برادر چه نحو تقسیم میشود که بسد صغیر داده شود بینوا توجروا **جواب** بسم الله الرحمن الرحیم آنچه از اموال در تصرف هر دو برادر بوده تا وقت فوت احدهما حکم به تنصیف میشود و آنچه از رخوت و غیره مختص هر یک بوده حکم بملکیت آن برای متصرف میشود مگر خلاف آن بظهور رسد والله یعلم محله

سؤال درباب مستحق زکوة و فطره عدالت شرطست یا نه شخص فقیریست اما قرائتش درست نیست و مسائل ضروری خود را نیز تحقیق نکرده است از وجه زکوة باو میتوان داد یا نه **جواب** عدم تظاهر بفسق شرطست نه عدالت و شخص مذبور اگر در تحصیل قرائت و مسائل ضروریه خود هست زکوة باو میتوان داد والا فلا والله یعلم **سؤال** علمای امامیه رضوان الله علیهم چه میفرمایند درین مسئله شرعیه که شخصی وفات یافته پسر عم پدر و مادری دارد و خالوی میراث او به پسر عم او میرسد یا خالوی او **جواب** با وجود خالو پسر عمو میراث نمی برد و بخالو میرسد **سؤال** چه میفرمایند در معنی این حدیث که رسول خدا فرموده اند لو علم ابوذر ما فی قلب سلمان لقتله که اگر میدانست ابوذر که چه چیز است در دل سلمان هر آینه میکشت اورا در دل سلمان چه چیز بود و چرا میکشت

جواب

جواب ممکن است که ضمیر که فاعل قتله است راجع بما که موصوله باشد و ضمیر مفعوله با بی ذر یعنی اگر میدانست ابوذر آنچه در دل سلمانست تاب نمی آورد و او ابوذر را میکشت و معانی دیگر نیز احتمال دارد **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند که شخصی عروس یا داماد وکیل کردند که ایشان را باهم عقد کند وکیل عقد را فراموش کرده و آنها بدون علم تصرف کرده اند بعد وکیل عقد کرده چه صورت دارد **جواب** عقدی که وکیل بعد نموده صحیح است و تصرف و وطی قبل از عقد شبهه است **سؤال** دیگر بفرمایند که شبانی را گوسفندان سپرده اند که چرانده شبان خوابیده و گوسفندی را گرگ برده است ضامنست یا نه **جواب** هرگاه خوابیدن شبان در عرف ایشان تقصیر باشد ضامنست والا فلا **سؤال** دیگر شخصی گندم بآسیا برده و سنگ آسیا سوراخ شده گندم در آب ریخته آسیابان ضامنست یا نه **جواب** اگر آسیابان میدانسته است که آسیا این علت دارد ضامنست والا فلا **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند درخصوص سؤال نکیرین در بدن اصلیست یا بدن مثالی اگر در بدن اصلیست چرا دیگری سؤال و جواب را نمیشنود **جواب** احوال آن نشأه با حالات دنیا کاری ندارد **سؤال** دیگر آنچه علت عده وفات چهار ماه و ده روز شده است **جواب** امور شرعیه را ضرور نیست که ما علتش را بدانیم و با وجود حمل یک حیض و دو حیض بسیار اتفاق می افتد علاوه براین علتهای دیگر در وجوب عده هست از آن جمله احترام زوج و تسلط زوج بر رجوع و قبیح بودن که هر روز زن در خانه مردی باشد **سؤال** دیگر چه سبب شرطست شهود عدلین در طلاق بدون عقد **جواب** حق تعالی فراق را دوست نمیدارد از اینجهت طلاق را مشروط بعدلین و شروط دیگر نموده که کم واقع شود والله یعلم **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند درین مسئله شرعیه که شخصی

فایده عده چه چیز است

کاهی غلط قرائت میکند اما بعض حروفات را از مخارج ادا میکند یا اجارهٔ صوم صلوة باو
میتوان داد یا نه جواب بهتر از او هرگاه کسی باشد نمیتوان داد سؤال دیگر گیرندهٔ
صوم صلوة باید که عادل باشد یا بغیر عادل هم میتوان داد جواب وثوق بغیر عادل
نمی باشد سؤال دیگر ... صوم صلوة را بصیغهٔ نذر یا اجاره بخوانند و اگر صیغه
نخوانند تبرعا بدهند گیرنده چه نیت کند جواب هرگاه صیغهٔ نذر یا اجاره جاری کند
نیت وجوب کند بصیغهٔ نذر بهتر است و هرگاه تبرع باشد قربت نیت کند سؤال
اگر گیرندهٔ صوم صلوة نکند شغل ذمه وصیت یا از صوم صلوة جواب بسم الله اگر اجرای
صیغهٔ اجاره نموده باشد شغل الذمه صوم صلوة است و اگر نه شغل الذمه وجه است والله اعلم
سؤال دیگر شخصی در مرض موت وصیت نموده که صوم صلوة بجهت او بگیرند پسر بزرگتر
که بگیر باشد ندارد وجه آن از اصل است یا از ثلث جواب بسم الله تعالی از ثلث است والله اعلم
سؤال هرگاه برادر کبیری برادر صغیر خود را ختنه کند و شخصی را به طعام ختنه آن دعوت
کند تجسس ضرورست که آیا آن طعام از مال صغیر است یا کبیر یا ضرور نیست جواب
هرگاه معلوم نباشد که از صغیر است ضرری ندارد سؤال دیگر حبوه که از میان ترکه
به پسر بزرگ میرسد بعینه دختر کبیره دارد و پسر صغیری آیا به پسر صغیر هم میتوان داد
یا نه جواب حبوه به پسری میرسد که بزرگتر از آن نداشته باشد هر چند صغیر باشد
و مسئلهٔ حبوه خالی از اشکالی نیست والله اعلم سؤال شخصی فوت شده و صغیر دارد
کفن وصیت نکرده همان کفن واجب را بکنند یا واجب و سنت هر دو را جواب همان
کفن واجبی که لایق حال میت باشد بکنند سؤال دیگر پدری پسر خود را که جدا میکند

واز

و از خود جدائی نماید تا فوت میشود و در ایام حیوة پدر پدر و پسر هر دو کار کرده اند و ورثهٔ دیگر هم
دارد آن پسر را از مال پدر خود چگونه قسمت میدهند جواب چنین خلط و اشتباهی بدون
صلح جایز نیست اما در صلح جانب صغیر را بیشتر ملاحظه باید نمود سؤال در میان مالی
که خمس و زکوة نبوده باشد و ندهد آن مال را حکم حلیت باید کرد یا حرمت جواب بسم الله
حکم حلیت ظاهرتر است والله اعلم سؤال هرگاه کسی را ترکمان اسیر کرده باشند
او را از وجه زکوة میتوان خرید یا نه جواب بسم الله هرگاه شیعه باشد میتوان خرید
سؤال در نماز میت اقتدا با امام میتوان کرد یا نه جواب ... اقتدا نمود سؤال
از وجه زکوة مسجد میتوان ساخت یا مسجد خرابه را تعمیر میتوان کرد یا نه جواب هرگاه محتاج
فقیر مضطری در آن بلد نباشد میتوان سؤال هرگاه شخص با زنی زنا کند و بدون عده
زنا با او زنا کند و آن زن بی شوهر باشد آیا آن زانیه بآن زانی حرام ابدی یا نه که تزویج نماید جواب
نمیشود هرگاه در عده نباشد و مکرر زنا باعث حرمت نمیشود سؤال در مدت چهار ماه که نفقات
زوجه بر زوج واجب است اگر زوجه مقاربت را به غیر زوج آن بری الذمه میشود یا نه جواب
هرگاه به غیر زوج بری الذمه است سؤال در غسل ارتماسی اگر در زیر آب بیشتر اگر
بیرون آید از او حدثی سر زند آن غسل صحیح است یا نه جواب اظهر صحت غسل است
و وضو نیز باید با آن ضم کند سؤال کسیکه تا کمر در میان آب باشد در هنا نیت غسل
کرده بزیر آب برود و غسل ترتیب یا نه جواب بسم الله ترتیب والله اعلم سؤال شخصی دکان
بقالی دارد و باغی غصبی هم اجاره نموده از انگوران باغ قدری سرکه و شیره نموده از دکان آن

شخصی سرکه و شیره میتوان خرید یا نه **جواب** بسم الله هرگاه علم داشته باشد که شیره یا سرکه از انگور حرامست حرامست و اگر نه شبهه است والله یعلم **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند

دراین مسئلهٔ شرعیه که شخصی قدری پنبه بخانهٔ خود آورده و زوجه او رشته است و رخت ساخته

آیا زن اجرهٔ آنرا از شوهر میتواند بگیرد یا نه **جواب** اجرهٔ رشتن میرسد **سؤال** اگر شوهر

بمیرد آن رخت تعلق بکه دارد **جواب** هرگاه زوج در حیات بزوجه نه بخشیده باشد داخل ترکه

است و میانه ورثه قسمت میشود **سؤال** دیگر رخت عروسی که متعارفست که از خانهٔ داماد

جهة عروس می‌برند یکدست یا دو دست زن میپوشد و بخانهٔ شوهر می‌آید بعد از چندمدت

شوهر بمیرد آن رخت تعلق بزوجه دارد یا بشوهر آن **جواب** رخت و اسباب که دست بهان

جهة زوجه برده اند مال زوجه است دیگری را در آن حقی نیست **سؤال** طلا و آلات که شوهر

در حین حیات ساخته و زوجه آن میپوشیده بعد از وفات تعلق بزوجه دارد یا بشوهر

جواب هرگاه شوهر بعنوان تمتیع بزوجه داده باشد مال شوهر است و اگر بعنوان تملیک

باو داده است مال زوجه است **سؤال** علمای امامیه و فقهای کرام اثنا عشریه چه میفرمایند

دراین مسائل شرعیه که شخصی عموی خود را از روی عمد با گلوله تفنگ زده و کشته و این الناس

مشهور است و بعد از قتل عموی خود صبیه مقتوله را بخویشکاری و هی المسماة ابای این کار

مینموده تا اینکه بتحریک احدی از عمال آن دیار باکراه و اجبار بزوجیت آن شخص تزویج

و اجرای صیغهٔ عقد جاری نموده اند و زوج مذبور باکراه و اجبار دخول نموده و هرگاه بعد از

چند ایام دیگر از یکدیگر خشنود و راضی باشند همان صیغهٔ عقد اول صحیح است یا تجدید

صیغه لازم می‌آید **جواب** تجدید عقد لازمست **سؤال** دیگر چه میفرمایند که بسبب قتل

مابین

مابین ایشان بمنازعه انجامیده ناسازگاری واقع گردید حرف زن است که مرا بجبر بخانه تو آوردند

و زوج میگوید که بعد از آمدن راضی و خشنود از من گردیدی بنابر تفریق که انجامید آیا احتیاط صیغهٔ

طلاق در کار هست یا نه **جواب** هرگاه جبر ثابت باشد صیغهٔ طلاق در کار نیست

سؤال دیگر چه میفرمایند که زوجه ادعای خون والد خود را از زوج خود بنماید آیا قاتل را بدست

ورثهٔ مقتول میتوان داد یا نه **جواب** لازمست که قاتل را بدست ورثهٔ مقتول بدهند

سؤال دیگر چه میفرمایند که زنی از اهل شیعه برضا و رغبت خود شخصی از اهل سنت را شوهر خود نموده

و بعد از مدتی زوج آن زوجه بترکان افتاده مدتی دیگر از آن گذشته آیا آن زوجه شوهر دیگر اختیار

میتواند نمود یا در حبالهٔ زوجیت شوهر اول باقی خواهد بود **جواب** در حبالهٔ زوجیت شوهر اول

باقیست و شوهر دیگر اختیار نمیتواند نمود **سؤال** آیا شهادت اهل ذمه درباره مسلمین

مسموع هست یا نه **جواب** شهادت اهل ذمه دربارهٔ مسلمین مقبول نیست بالاجماع **سؤال**

علمای امامیه چه میفرمایند دراین مسئلهٔ شرعیه که شخصی زوجه دارد و قادر بر مزدوری است

و اعضا و جوارحش درست است تحصیل کسبی نمیکند و بزوجهٔ خود نفقه نمی‌آورد و هر وقت زوجه

طلب نفقه میکند زوجه را کتک میزند و طلاق هم نمیدهد آیا میتواند زوجه عنفا او را طلاق

بگیرد و طلاق میتوان داد یا نه و دیگر اینکه هرگاه شوهر از نفقهٔ زوجه عاجز باشد و قادر بر

نفقه نباشد شرعا لزوم دارد که زوجه از او عنفا طلاق بگیرد اگر چنانچه نباشد زوجه جهة نفقه

چکند **جواب** عنفا طلاق نمیتواند بگیرد و هرگاه قادر بر کسبی نباشد از وجه زکوة و

وجوه بر میتوان اعانت او نمود که نفقهٔ زوجهٔ خود بکند و اگر قادر بر کسبی باشد او را

اجبار بر کسبی که لایق حال او باشد میتوان نمود **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند در این مسئله

که مردی و زنی اند که کراهت از طرفین بوده و مرد مهر زوجه خود را داده و بصیغه مبارات زوجه خود را
طلاق داده و صیغه طلاق جاری شده اما در عوض بذل مهر نشده و الحال شوهر در میان عده
پشیمان شده رجوع بزوجه مذکوره میتواند کرد بدون عقد یا نمیتواند و زوجه بشوهر خود
راضی نیست و او را نمی خواهد **جواب** هرگاه در طلاق عوض نداشته مبارات معنی ندارد
و هرگاه لفظ طلاق نیز جاری شده باشد هم چنانکه متعارفست طلاق رجعی خواهد بود و
قبل از انقضای عده رجوع می رسد والله یعلم **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند که زن مدخوله
مطلقه بعد از دیدن سه طهر در مدت سه ماه بعقد دوام شخصی را تزویج میکند و میگوید آن زن این بوده
که من عادت می دیدم و سه مرتبه در مدت سه ماه عادت دیدم و بعد از عادت دیدم که طاهر شدم شوهر کردم
و احتمال حمل بخود نمی دادم تا اینکه در خانه زوج ثانی از روز عقد و دخول بمدت شش ماه فرزندی
آورد بفرمایند که این زن با این زوج ثانی حلالست یا حرام و مهرش می رسد که از زوج ثانی بگیرد یا نه
جواب بسم الله خیر الاسماء طفل از شوهر اول است و زن را باید از شوهر ثانی جدا نمود
چه عقد او در ایام عده واقع شده است و حیض با حمل جمع میشود و زن را در این باب تقصیر
نیست و زوجه را می رسد که مهر خود را از زوج ثانی بگیرد اگر زیاده بر مهر امثال آن زن نباشد
و اگر زیاده باشد مهر امثال خود را میتواند گرفت والله یعلم **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند
در این مسئله شرعیه که زید متوفی و از وی دو پسر در کمال عقل و رشد باقی و یک ولد در مکانی که
والد او متوفی شده و یک ولد غایب و این ولد حاضر رسد خود و رسد برادر خود تمام صاحب بود از آنکه
رسد خود را بمصرف رسانیده رسد برادر غایب خود را با زار با تلیق خدمتکاری زوجه که خواهش
داشته داده و زن را خدمتکاری و بعد از مدتی این ولد مذکور که خدا نشده فوت و الحال ولد غایب
بخانه حاضر شده و برادر خود را متوفی دیده و بعد از آنکه بر خود معین کرده رسد خود را

از

از قرار حصه و تقسیم در دست زوجه که او جود نمی بیند و ادعا که میکند زوجه مزبوره میگوید که زوج
مرحوم من این مال را در عوض شرعی حق من داده در این باب صورت مسئله را بیان فرمایند **جواب**
برادر موجود اگر جز از اجناس پدر را به بیند و به ثبوت شرعی برساند که از اجناس پدر او است میتواند
تصرف نمود تا بجدیکه نصف متروکات پدر بشود والله یعلم **سؤال** علمای امامیه چه میفرمایند
در این مسایل شرعیه که شخصی در سفر است عطش بسیار آزارش میدهد و جراحت از بدنش بیرون می آید
میتواند تمنا کند که افطارش بشود **جواب** افطار بدست کرده نصرافت هرگاه خوف تشنه
باشد که مرتکب حرام شود روزه بگیرد و تقلیل غذا بکند و امساک از مقویات نماید **سؤال**
دیگر شخصی در خانه خدمتکاری دارد نامحرم اگر خواهد او را صیغه کند از زوجه خود نترسد میتواند
که با آن زن بفارسی صیغه بخواند یا نه **جواب** اولی و احتیاط آنست که از آن زن اذن بگیرد
که وکیل کند و با دیگری عقد نماید **سؤال** شخصی مال حلال و حرام مخلوط بهم دارد اگر مهمانی
کند میتوان از مال آن خورد یا نه **جواب** خوردن مهمانی مذکور شبهه است و تا ممکن باشد
و ضرورت داعی نباشد نخورد **سؤال** دیگر با بی‌نماز چه طور قدر معاشرت باید کرد
که با او نماز نتوان کرد **جواب** با بی‌نماز بقدر معاشرت نماید که خاطر جمع شود و با او نماز کند
سؤال دیگر شخصی هست که تحصیل علم میکند جهة او مطالعه در شب بهتر است یا نماز شب
بکند **جواب** هرگاه ترقی در احوال خود کمال داشته باشد مطالعه اولی از نماز شب است
سؤال شخصی میخواهد از بلد خود به بلد دیگر جهة تحصیل علم برود و زوجه اش راضی نمیشود
میگوید در همین شهر تحصیل کن و آن شخص که در زن بیک خانه خود شغل دنیا روم میدهد از تحصیل
میماند آیا رضای زن شرطست یا نه **جواب** هرگاه نفقه و کسوه زوجه را بدهد در رفتن

به تحصیل علم رضای زن شرط نیست سؤال دیگر در غسل نیت در هر یک از اعضای سه غسل چند لازمست
واجبست جواب غسل نیت را میباید کامل بعمل آورد و عضوی از اعضا بی غیر طاس شرعا
معتبر نیست اما سنت است آب ریختن بر عضوی سه مرتبه والله اعلم سؤال دیگر چه میفرمایند
در باب زن شیعه را بسنی دادن و از سنی زن گرفتن جواب زن شیعه را بسنی دادن کراهت
و از سنی زن گرفتن مانعی ندارد سؤال صله رحم واجبست یا سنت جواب بقدر مقدور
واجبست سؤال دیگر شخصی بعالمی رجوع کرده است و اقتدا میکند بغیر آن عالم بعالمی دیگر که
مخالف قول او را فتوی می دهد اقتدا میتوان کرد یا نه جواب هرگاه عادل باشد میتوان نمود
سؤال علمای امامیه چه میفرمایند در این مسئله که شخصی فوت شد از او دو فرزند صغیر ماند
و زوجه که مادر اصلی صغیرها باشد و قبل از تقسیم میراث یک فرزند در نزد مادر خود بمیرد حصه فرزندی
که فوت شد بمادر می رسد یا ببرادر او جواب با وجود مادر برادر میراث نمی برد سؤال
دیگر زوجه شخصی چهارپایان که نفقه خانه شوهر بیاورد و شوهر مدت مدیدی سرپرستی نماید
و زیاد کند در زندگی شوهر یا بعد از وفات او تمامی از زوجه است یا شوهر هم حق دارد جواب
تمامی از زوجه است و شوهر حقی ندارد مگر اینکه دعوی کند که سرپرستی آنها را به نیت اجره کرده
بودم و قسم نیز بر طبق آن یاد نماید سؤال شخصی که از عربیت وقوفی نداشته باشد
اما معنی صیغها را فی الجمله بداند باشد عقد میتواند نمود یا نه جواب هرگاه عارف
بلغت عرب باشد میتواند اجرای صیغه عقد نماید و قصد انشا نیز در کار است سؤال
زید ملکی را غصب کرده و باجاره داده و عمرو قدری وجه از زید طلب دارد زید وجه طلب او را
حواله بمستاجر ملک غصبی میکند در صورتی که عمرو بداند که آن ملک غصبی است وجه طلب خود را
میتواند بگیرد یا نه جواب وجه اجاره مال غیر صورت ندارد سؤال شخصی بزید
مند

مثلا صد گوسفند می دهد به سه ساله دندان بدندان که هر گوسفندی یکمن روغن که هر ساله بدهد در آخر سه سال
گوسفندان را بهمان سن بزید پس بدهد جایز است یا نه جواب معامله چنینی جایز نیست مگر که بعنوان
مصالحه واقع شود مانعی ندارد و جایز است سؤال دیگر جماعه ترکمان می آیند مال و اسیر از
شیعه می برند هرگاه در وقت مدافعه از اینها مالی کسی بگیرد یا ایشان را گرفته بخود شان بود شد
وجه آن حلالست یا نه جواب تا وقتی که بتاخت می آیند کشتن ایشان حلالست و هرگاه فاش
شود که عداوت بیکی از ائمه ع یا بحضرت فاطمه ع دارند مال ایشان نیز حلالست سؤال
علمای امامیه و فقهای کرام اثنا عشریه چه میفرمایند در این مسائل شرعیه که شخصی در روز سی ام
آخر ماه رمضان بدون دیدن ماه و بدون علم بهم رساندن که امروز از ماه شوال است روزه را بخورد
و در آخر بثبوت شرعی برسد که آن روز عید بوده است آیا قضا و کفاره لازم میشود یا نه جواب
بسم الله آثم و گناهکار است اما قضا و کفاره بر او نیست چه حقیقة آن روز از رمضان نبوده
سؤال دیگر شخصی در ماه رمضان در روز با زوجه خود مباشرت کند و طعام و آب هم بخورد
آیا یک کفاره لازم میشود یا جهة مباشرت و آب و طعام هر کدام یکی جواب ظاهر تعدد
کفاره است سؤال دیگر آب و طعام خوردن در رمضان هر دو یک کفاره دارد یا هر کدام
یک کفاره جواب ظاهر در این صورت نیز تعدد است سؤال شخصی نذر کرده
و صیغه جاری کرده که اگر غلیان بکشم پیاده بکربلا بروم و الحال غلیان را کشیده است پیاده
رفتن بکربلا واجبست یا نه جواب البته پیاده رفتن هرگاه ممکن باشد واجبست سؤال
دیگر شخصی است که مال حلال و حرام هر دو را دارد آیا اگر بکسی چیزی بفروشد یا ضیافت کند
آیا تجسس واجبست که از مال حلال است یا نه یا تجسس جایز نیست و اگر بگوید که از مال حلال
بنیت تصدیق او میتوان کرد یا نه جواب تجسس لازم نیست اما جایز است و هرگاه اقرار کند

که مال غیر است گرفتن و خوردن از آن جایز نیست و هرگاه دعوی نماید که صلاحیت جایز است اما زهد
و تقوی که مرتبهٔ عالیه است اجتناب از حیثی مالیت **سؤال** شخصی مثلا صد من گندم بقرض
می‌دهد بکسی که مثلا بجای دیگر صد من گندم را بدهد چون نیست معینی کرده چه صورت دارد
جواب ظاهر اینست که تعیین مدت شرط نیست **سؤال** شخصی صد من شالی بقرض می‌دهد
که صد من برنج بدهد چه صورت دارد **جواب** رباست و صورت ندارد **سؤال** شخصی
مثلا صد من گندم را بکسی بکیسه صد دینار می‌فروشد که یکتای باشد و همان را یکم یکتا هم بخرد
این هم بیع سلم است و جایز است یا نه **جواب** جایز است او داخل افراد سلم است بشرط آنکه
گندم اول موجود باشد **سؤال** اگر شخصی در حالت غضب و غیر غضب نعوذ بالله رده بگوید
باکسی را فحش بدهد فرق هست میانه غضب و غیر غضب یا نه **جواب** هرگاه غضب بمرتبه
مسلوب شده باشد که سلب شعور و اختیار کرده باشد بر او چیزی نیست **سؤال** هرگاه
کسی نعوذ بالله بگوید خدا تمیز ندارد و در هر کار خدا تمیزی نمی‌باشد داخل رده است یا نه و حکم
او چه چیز است اگر توبه کند چه صورت دارد **جواب** داخل افراد رده است اگر
مسلمان زاده و فطری باشد واجب القتل است و نجس است باید مالش بر ورثه‌اش تقسیم
شود و زوجه او به او حرامست عده وفات نگاه داشته بعروس میتواند شد و اگر توبه کند
پاک میشود اما کشتن ساقط نمیشود و بعد از توبه اگر زوجه‌اش باز با او راضی شود باید عقد
جدید لازمست **سؤال** زنی که بعد از غسل نفاس تری به بیند برنگ آب تمیز نمیتواند
بکند که آیا استحاضه است یا نه در این صورت چه کند **جواب** بر او چیزی نیست **سؤال**
علمای امامیه چه میفرمایند در این مسئله که زنی طلاق نامه می‌آورد بمهر و خط اهالی شرع و بمهر و خط
جمعی از عدول المؤمنین که شوهرش او را طلاق داده است و الحال شوهرش حاضر نیست

میتواند شخصی بهمان دیدن طلاق نامه اکتفا نموده آن زن را بکسی عقد کند خواه خط و مهر آن عدول را
بشناسد و ظن غالب حاصل شود یا نشناسد و ظن حاصل نشود **جواب** بمجرد نوشته و مهر
شرعا چیزی ثابت نمیشود لیکن اگر عاقد را علم بطلاق و صحت آن بهم رسد میتواند عقد نمود
سؤال چه میفرمایند که وکالت خطی زید می‌آورد بمهر و خط چند نفر عدول که عمرو را شخصی وکیل
کرده است که زوجه او را طلاق بدهد بهمین وکالت خط طلاق میتواند داد یا نه **جواب** میتواند
طلاق داد اما اگر زوج انکار کند وکالت را باید وکالت باثبات برسد **سؤال** و اگر آن
شخص عاقد بظن غالب عمل کرده بهمان وکالت خط طلاق داده بعد از عده آن زن را بکسی عقد
کند و بعد شوهر آن زن بیاید و منکر طلاق بشود و مشهوره و باثبات نرسد و قسم بخورد
زوجه مذبوره باو میرسد یا نه و شوهر ثانی که وطی نموده و فرزند حاصل کرده چه صورت دارد
و آن عاقد گناهکار هست یا نیست **جواب** گناهکار بودن عاقد معلوم نیست لیکن زوجه
اول بر زوجیت خود باقیست هرگاه وکالت باثبات نرسد و ظاهر آنست که فرزند حلال
زاده باشد چونکه بر زوج ثانی شبهه شده بوده والله یعلم **سؤال** شخصی ادعا میکند که
فلان جنس که در دست زید است از منست و در دست او بغیر حق است شهود او هرگاه بخواهند شهادت
بدهند چه نحو شهادت بدهند که ما دیده بودیم که مال آن شخص بوده است یا شهادت بدهند
که بغیر حق در تصرف زید است چه قسم علم در شهود باشد شهادت بدهند دیگر اگر شهود عادل
نباشند جمع کثیری از غیر عدول شهادت بدهند تا بشیاع برسد چه صورت دارد **جواب**
شهود بر نوعی که علم دارند شهادت بدهند اگر علم ایشان بوده که این جنس سابق از آن شخص
بوده و حال هم منتزل نباشند در مالک بودن آن شخص میتوانند شهادت بدهند که بالفعل مال او است

وملکیت بشیاع ثابت میشود والله یعلم سؤال چه میفرمایند علمای امامیه در این مسئله شرعیه
که شخصی استیجار حجة الاسلام نموده و زید حجه فروخته و صیغه جاری شده و حجه را که فقیه ثقه
است و مال در راه تلف شده و حجه فروش هم مرده است آیا میت یا وارث او بری الذمه هستند
یا باید باز دوباره حجه بگیرند اگر فقیر یا غنی باشند چه صورت دارد بینوا توجروا جواب
ظاهر اینست که میت و ورثه او بری الذمه شده باشند لیکن اگر غنی باشند حجه دیگر احتیاطا
اخراج نمایند هرچند شاق [?] باشد اولی است والله یعلم سؤال زنی سه چهار شوهر کرده
و فرزندان آورده است حالا مثلا شوهر چهارم مرده است ضعیفه مزبوره [?] میخواهد عروسی شود
میگویند آن شوهر اول تو چه شده است میگوید مرده است یا طلاق داده با وجود این اقرار
شوهر اول او ادعای مردن و طلاق دادن او مؤاخذ هست که ثابت کند یا ضرور نیست همانکه
به بینیم شوهر آخر او مرده است عقد اورا میتوانیم کرد یا نه و از ثبوت هم عاجز است جواب
ظاهر همین موت شوهر آخر کافیست و احتیاج به ثبوت نیست سؤال شخصی
زنی را تزویج نموده و زن گفته بوده است که شوهر ندارم شوهرم در فلان جنگ کشته شده است
و آن مرد او را عقد کرده و تصرف نموده و مدتی گذشته حالا زن میگوید که شوهرم زنده است کشته
نشده است و شاهدی نیست که هست یا نیست حالا این مرد چکند این زن را نگاه دارد یا تفریق
نماید جواب هرگاه از اول گفته باشد که شوهرم کشته شده باید ثابت شود و اگر نه عقد
او صورت ندارد و حالا که عقد شده اگر احتیاطا نیز طلاق بدهد اولی و انسب است سؤال
شخصی دیگری را امر کرده است که زید را کشته است و زید فرزند صغیری دارد و مادری آیا وارث
کبیر میتواند قصاص قاتل را بنماید و آمر حکم آن چه نحو است جواب مادر مقتول میتواند خود اصالة
یا نایب تعیین کند که قاتل را بکشند چون شراکت دارد و آمر به قتل را نیز حبس مؤبد نمایند

سؤال

سؤال در ماه محرم مردم در تعزیه داری سنگ میزنند و بدر خانها میروند و علم می برند و چیزی میگیرند
چه صورت دارد جواب از سنگ زدن ساکتیم و چیزی هرگاه برضا بدهند مانعی ندارد بزور
گرفتن خوب نیست سؤال در محرم در تعزیه امام حسین ع شبیه معصوم و غیر معصوم میسازند چه
صورت دارد جواب شبیه غیر معصوم ساختن بجهت رقت مانعی ندارد اما شبیه معصوم اشکال
دارد سؤال در جائی عمارات شاهی هست بعضی آنها را مردم خراب کرده اند و خشت آنها را
برمیدارند در بنای راه نیم خشت و پاره چه افتاده است میتوان آنها را آورد و فرش حوالی کرد جواب
نیم خشت و پاره چه هرگاه مالیت و مالکی نداشته باشد میتوان و اگر مالک داشته باشد اذن بگیرد
سؤال نظر کردن بر عورت طفل کمتر از سه ساله جایز است یا نه جواب نظر کردن مانعی ندارد سؤال
شخص به نیت غسل جنابت بحمام رفته در وقت غسل نیت را فراموش کرده غسل آن درست است
یا نه جواب هرگاه در حین سر بزیر آب بردن فرو متذکر نباشد غسل را اعاده کند سؤال
جبیره در زخمی واجبست در وضو و غسل یا مخیر است در میانه آن و تیمم جواب تا جبیره
ممکن باشد از تیمم اولی است سؤال دیگر موضع حجامت را البته پاک میکنند و نماز میکنند
چه صورت دارد جواب هرگاه نشستن موضع حجامت ضرر برساند البته پاک نمودن و
نماز کردن مانعی ندارد سؤال فصد و حجامت داخل جروح و قروح است یا نه جواب
فصد و حجامت داخل جروح است سؤال جماعت یهودان بحمام مسلمانان میتوانند
رفت یا نه جواب جماعت یهود نجس اند اجتناب از ایشان اولی است سؤال
شخصی بصیغه نذر بر خود واجب کرده که وجهی در راه خدا بدهد بسید هم میتوان داد یا نه
جواب ظاهر این است که توان داد سؤال شهادت یهودی را بر جماعت یهودی میتوان

قبول کرد یا نه جواب شهادت غیر مسلم مطلقا مسموع نیست سؤال وطی در دبر زوجه
نمودن و طلاق دادن نصف مهر لازم میشود یا تمام مهر و عده دارد یا نه جواب وطی در دبر نیز
دخول است و مستلزم تمام مهر و عده است سؤال چه میفرمایند که معقوده [illegible]
بر آنکس حرام‌اند آیا در بهشت هم حلال‌اند یا نه هرگاه وطی نشده باشد جواب آخرت دار
تکلیف نیست و ما را علم بحقیقت حال آن نمی‌باشد هر نحو که حکمت حق سبحانه و تعالی اقتضا
کند بعمل خواهد آمد سؤال علمای امامیه چه میفرمایند در این مسائل شرعیه که تعلیم واجبست
بر واجب النفقه خود واجبست یا نه خواه سؤال بکنند یا نکنند جواب هرگاه بپرسند و محتاج باشند
و آن شخص بر مسائل از جهت عالم باشد واجب عینی است و اگر سؤال نکنند و منع سؤال از دیگران
نکند واجب کفائی است سؤال شخص فوت شده و صغیری از او مانده و زوجه و برادری
در نماز جنازه او اذن از زوجه او باید گرفت یا از برادر او جواب اذن از برادر بگیرد
سؤال دعاهائی که در بین تکبیرات نماز میت میخوانند واجب است یا سنت جواب
بوجوب اقرب است سؤال لباده پنبه داری که بشکل لباس مردانست در زمستان زنان
میپوشند چه صورت دارد جواب هرگاه مختص مردان باشد پوشیدن زنان صورت
ندارد و اگر شایع شده باشد که زنها میپوشیده باشند ضرر ندارد سؤال شخص فوت
شده پسر زوجه دارد که از شوهر دیگر بوده از طفولیت در خانه این شخص آمده نان خورده تا بزرگ شده
در خانه این مرد کسبی مثل دهقانی و غیره کرده حالا ورثه آن شخص چیزی باو نمیدهند و او طلب
اجرت کار خود میکند چه صورت دارد جواب در میراث حصه ندارد اگر کاری اضافه بر
خوردن و پوشیدن خود کرده باشد میتواند اجرت او را بگیرد هرگاه تبرعا نکرده باشد سؤال
از [illegible] کسی که دختری [illegible] آید با کسی یا به جبر او میرسد یا نه جواب به پسر شوهری میرسد و بخود ش

حرمت

حرامست سؤال صاحب طلبی کاغذی خط مهر مال شرع از جای دور پیش قرض خواه میفرستد
که وجه مرا تسلیم فلان شخص کن میتواند تسلیم کند یا نه جواب هرگاه علمی بشود تسلیم میتوان کرد
والا باید ثابت شود سؤال شخص قرائت ندارد و تحصیل قرائت هم نمیکند هرگاه بجماعت
حاضر شود به نیت نماز اقتدا واجب قصد کند یا سنت جواب تحصیل قرائت واجبست
و اقتدا نیز بنوعیت از تحصیل قرائت بنابراین اقتدا واجب خواهد بود سؤال صاحب طلب
از مدیون خود قدری گندم طلبیده و او داده الحال در وقت محاسبه قیمت گندم تفاوت میشود
جواب ظاهر اینست که گندم را بقیمت همان روز که گرفته حساب نماید چون طلب اشتباه است
سؤال شخص پسر بزرگی دارد که در حیات پدر او هم تحصیل مال و کسب نموده حالا بعد از وفات
در نزد دیگر میخواهند با او علی السویه میراث او را تقسیم نمایند و ادعای کسب خود مینماید اضافه بر آنچه
خود چه صورت دارد جواب هرگاه پسر بزرگ کسب و بهم رسانیدن بیشتر از اخراجات
بوده اضافه را بر میدارد و تتمه را ارث میکنند سؤال شخص در حضور دو نفر عادل صیغه
طلاق جاری میکند آن دو عادل عامی اند معنی صیغه را نمیدانند اما میدانند که از برای طلاق داده
میگویند آیا طلاق منعقد میشود یا نه جواب ظاهر اینست که طلاق صحیح باشد سؤال دیگر
زید قدری از مال عمرو بر ذمه دارد نمیدهد حال بعد از وفات زید وصی او صوم و صلوة زید را
بعمرو داده اند عمرو میتواند که وجه را بعوض حق خود نگاه دارد و صوم صلوة را نکند جواب
هرگاه میت وصیت بنماز و روزه کرده باشد نمیتواند تقاص کند و اگر وصیت نکرده باشد میتواند
تقاص کند سؤال شخص در جائی زراعت کرده که در آنجا مستحق نیست آیا لازم است بر آن
که زکوة غله را بجای دور به جهة مستحق ببرد و کرایه آن با کیست جواب بر او واجب نیست
که ببلد مستحق ببرد و هرگاه ببرد کرایه را وضع نموده باقی را بفقرا بدهد بری الذمه خواهد بود

سؤاله هرگاه صغیره را بپدرش بدهند یکروزه صیغه کند والد صغیره بزن محرم میشود یا نه جواب ظاهر آنست که محرم باشد سؤاله طفلهائی که بیماری بسیار میکشند یا جان بسختی میدهند سبب این چه چیز است جواب سبب علو درجات ایشان میشود در آخرت اگر مسلمان زاده باشند و اگر کافر زاده باشند بعد از تکلیف تخفیف در احوال ایشان میشود

سؤاله مهر نماز را در میان نماز طفل ببرد و چیزی نباشد که سجده بر آن توان کرد مصلی چکند جواب بکف دست سجده کند سؤاله فساق شیعه بعد از مردن در برهوت معذب اند یا جای دیگر جواب معذب اند بعد از برزخ قابل شناسائی نیست سؤاله شخص روزه قضا در ذمه دارد و روز [illegible] شعبان را روزه قضا میتواند بگیرد چون علما میگویند با وجود روزه واجب که در ذمه باشد روزه سنتی جایز نیست جواب مانعی ندارد اگر از روزهها باشد [illegible] میشود و قضای [illegible] سؤاله صیغه عقد دوام یا منقطع از طرفین بفارسی میتوانند بگویند یا نه جواب جایز نیست مگر آنکه هیچکس در آن بلد نباشد که عربی بگوید و بخواند سؤاله شخصی است که [illegible] وصیت کرده است که ثلث مال او را جهت او خرج کند و وصی شرعاً میتواند [illegible] آیا بعلم خود میتواند عمل کند یا نه و دیگران بقول او عمل میتوانند بکنند یا نه جواب بعلم خود میتواند عمل کند و اگر دیگران باو وثوق و اعتماد داشته باشند میتوانند وصیت او را امضا کنند سؤاله تطهیر فرش و قالی [illegible] هرگاه نجس شوند چه باید کرد جواب آب بر آن بریزند و دست بکشند سؤاله زنی حامله شده در خواب محتلم شده و نمیدانسته که غسل واجب است غسل نکرده با وضو نماز میکرده حالا آن نمازها قضا دارد یا نه جواب وجوب قضا معلوم نیست چه اعلام او بر ما واجب نبود و این مسئله [illegible] سؤاله شخص از [illegible] حرام [illegible] نفقه زوجه [illegible] جواب هرگاه زن داند که [illegible] قوت لایموت

میتواند

میتواند بخورد سؤاله سر برهنه شدن شیعه در نماز جنازه [illegible] میتواند کرد یا نه جواب با چهار تکبیر بگوید سؤاله عقد اهل سنت را شیعه میتواند کرد یا نه جواب جایز است سؤاله نماز اجاره اهل سنت را شیعه میتواند گرفت یا نه جواب اشکال دارد چون قصد قربت هم باید بکند سؤاله [illegible] که در میان مردم مشهور است آیا مرده میتواند پوشید یا نه جواب [illegible] نمیتواند سؤاله میت را در قبر [illegible] نهند و عکس که مهر قبر است دفن میتوان کرد یا نه جواب نبش قبر مطلقا حرام است سؤاله میت را در مدرسه دفن کردن چه صورت دارد جواب جایز نیست سؤاله عقد فضولی چه صورت دارد جواب بعد از راضی شدن صحیح است سؤاله در معاوضه حیوان بحیوان هرگاه خواهند پسر بدهند از آن دو نفر دختر بگیرند که [illegible] تا سه روز بجهت او ثابت جواب پسر میتوان داد دختر [illegible] کیست که بگوید این حیوان را در عوض حیوان تو بتو دادم سؤاله [illegible] صورت دارد جواب فضیلت دارد سؤاله [illegible] اول است حمد و سوره نخوانند چه صورت دارد جواب باید تحقیق [illegible] سؤاله کافور [illegible] چه قدر است جواب هفت مثقال [illegible] سؤاله غنا کدام است جواب ترجیع صوت مطرب سؤاله غنا در مرثیه امام حسین یا در قرآن جایز است یا نه جواب غنا مطلقا حرام است سؤاله عصمت امام طبیعی است یا غیر طبیعی اگر طبیعی است [illegible] نخواهد بود و اگر غیر طبیعی است چرا منحصر به دوازده امام است جواب عصمت طبیعی است [illegible] مرتبه که سلب اختیار از امام [illegible] و اقوی از عدالت است سؤاله بدون معاشرت [illegible] در نماز [illegible] چه صورت دارد جواب نماز او باطل نیست اما معصیت کرده است سؤاله در باب رخوت عروسی که در وقت عروسی میبرند [illegible] میدهند یا زوج از خانه که شوهر آورده رفت [illegible]

از کیست

جواب رفتن عروس که در وقت عروسی بعنوان دلت بیان که وجه عروس برسر بند تعلق بزوج دارد و الا اگر داده باشند
زن باید که ثابت کند که هبه است بعد از ثبوت مال اوست و الا فلا و وارثان نیز مثل این در فرقی که بینه شوهر را
شوهر آورده و زوجه درست کرده است صلاة از رفع ... و علاوه از رفع بقدر جان دعاها بخوانند سؤال
زن فوت شده و طفل در رحم دارد و حرکت میکند تا چند ماه که باشد بیرون باید آورد جواب تا اینکه دانند
که طفل زنده ... سؤال یکمرتبه نظر کردن بزن اجنبیه چه صورت دارد جواب عمداً حرمت
سؤال نحو نذر کرده است اما صیغه جاری نکرده و فی بالآن وصیت باشد جواب واجب نیست مگر اینکه
بزبان جاری کند کلام هرچند که فارسی باشد سؤال نحوی در نماز ... و نماز پیش از سلام دادن از او
حدثی سر زند نماز آن چه صورت دارد جواب نماز را اعاده کند سؤال نحوی تشهد را فراموش کرد
بر فوریت واجب است که قبل از رکوع ... خاطرش آمد نشست تشهد را خواند و بر فوریت باز قرائت را بخواند یا نه
جواب قرائت را از سر گیرد سؤال نحوی در رکعت دوم با امام رسید و در یکم بفوریت تشهد بخواند و فراموش
کرد و بر فوریت اگر بنشیند تشهد بخواند امام از رکوع میگذرد چکار کند جواب تشهد را نخواند هرگاه
با امام نرسد نماز را منفرداً تمام کند سؤال نحوی بنده را رقبه او را اجاره میکند که مثلا یکسال در نزد او
خدمت نماید و شرط میکند که اگر او را قبل از اتمام مدت بیرون کند مواجب او را تمام بدهد و اگر او بیرون رود
مستحق مواجب نباشد لزوم دارد یا نه جواب اعتبار ندارد سؤال نحوی در ضمن عقد شرط کرده
که فلان مبلغ بزوجه یا اقوام او بدهد چه صورت دارد جواب لزوم دارد سؤال نماز اجاره میت
هرگاه مرد از زن یا زن از مرد دیگر در نماز ... جهر کنند یا اخفات جواب نماز اجاره که مرد از
زن بگیرد باید بلند بخواند و زن اگر از مرد دیگر آهسته بخواند سؤال ظرفی که نجس شود ... تطهیر کنند
جواب دو مرتبه آب بر او بگردانند سؤال ... که گفته اند واجب است یا سنت جواب
... واجب است بالشرایط در غیر ... سنت است بالشرایط و الا ... سؤال

نحو ... باشد که نماز را منفرداً بکند بعد از آن چونکه سنت است باز با جماعت عادل دوباره
نماز کند چه صورت دارد جواب مداومت بر این نکند هرگاه امام را عادل داند و هرگاه در عدالت او تردد
باشد مانعی ندارد سؤال در وصیت بشهادت زنان چه نحو ثابت میشود و یک مرد عادل چه قدر از وصیت
ثابت میشود جواب در وصیت بشهادت یک زن عادله ربع وصیت ثابت میشود و در دو زن نصف
و در سه ربع و در چهار تمام وصیت و یک مرد عادل چه قدر ثابت نمیشود سؤال بعد از ...
... جواب تغییر در اوضاع و احوال ... سؤال منزله
که ... در رضاع اعتبار کرده است چه صورت دارد جواب منزله در رضاع اعتبار ندارد
سؤال نحوی در روز ماه رمضان قبلا محتلم شده و غسل ارتماسی میکند غسل و روزه او چه صورت دارد
جواب غسل ارتماسی در ماه رمضان روز جایز نیست و روزه باطل میشود اما غسل باطل نمیشود حکم
... فعل حرام از واجب بیرون ... سؤال در نماز آیات نحوی بعض از رکوعات به امام برسد
چکند جواب اگر رکوع اول را نیابد صبر کند تا رکعت دوم را دریابد و دیگر رکعت را خود بعد بکند سؤال خون
... صلات با احرام جواب ... معلوم نیست اما احتیاط اولی است سؤال نحو زنی را
عقد کرده و دخول نکرده دختر آن زن با آن شخص حرمت دارد یا نه جواب لزوم نیست سؤال شخصی
فوت شده زن ... در خانه دارد وارث میت میگویند تو متعه زن میگوید دایم ام میراث میخواهد
ثبوت ... جواب اصل عدم ارث است تا ثابت کند دایمی بودن را سؤال
مال امانت که صاحبش مفقود است تا کی باید داشت جواب تا وقتی که یاس حاصل شود سؤال
از مال امانت قرض کردن و باز در جایش ... اگر تلف شود ... جواب ضامنست
اگر ... تلف شود سؤال ... نماز میت را واجب نیت کنند یا سنت جواب امام هرگاه
مقدم شد و بر ذمه گرفت ... برای او واجب است ... و اما ... نیت بر ... سنت خواهد

هرکاه ایام را حاضر شده روزه بدهد و نماز را تمام نکند بر دیگران واجب نیست اعاده تا باز یکی بر ذمه بگیرد سؤال
شیرحق که از برای پسر دختر یا غیر آن از اقوام که بجهة شیرخوار است داده و لیکن پس از آن رجوع نمودن شیرحق چه صورت
دارد جواب پدر را ولایت دارد در گرفتن شیرحق هرچند عین باقی باشد رجوع جایز نیست و در غیر پدر
هرکاه رجوع کنند جایز است مادامی که عین باقی باشد مگر که دختر ولایت خود را به کسی داده باشد و کفو باشد
او را اذن کنند سؤال شخص فوت شده طفل صغیر و زوجه که مادر طفل باشد از او مانده و اقوام دیگر
نیز دارد نفقه دادن طفل با مادر [illegible] یا با اقوام نیست جواب حضانت طفل تعلق به مادر او دارد
بعد از پدر تا کبیر شود وکذا الاقرب فالاقرب یعنی اگر مادر نباشد هرکه اقرب به طفل باشد به او میرسد
سؤال شخص فوت شده بخط او کاغذ اقرارنامه بیرون آمده که اقرار به جهات از برای زید یا شخص دیگر
اقرار کرده است اعتبار دارد یا نه جواب خط او اعتبار ندارد سؤال میگویند هرکاه شخص
کسی را بکشد گناهان مقتول بر قاتل است این سخن اصل دارد یا نه جواب بلی گناه مقتول بر
قاتل است با اینکه شرط که مقتول اراده توبه داشته باشد سؤال صلح نمودن به نسیه جایز است یا نه
جواب جایز است سؤال شخصی ادعا به شخصی میکند که پدر تو در وقتی که تو صغیر بودی مرا عقد
کرده است و از ثبوت عاجز است جواب تسلط قسم بجهة نفی علم به خبر دارد سؤال عمد و خطای
طفل بر کیست جواب هرکاه به ثبوت برسد بر عاقله او است سؤال در زمین غصبی نماز و حرکت
کردن آن یا نماز باطل است جواب نماز در زمین غصبی باطل است سؤال مال حلال
هرکاه کسی مستطیع حج شده باشد بمال حرام حج میتواند کرد یا نه جواب بلی از حج بری الذمه میشود
اما مشغول الذمه حرام است سؤال مالی که حلال و حرام بهم ممزوج شده باشد و صاحبش
و مقدار مال را نشناسد گفته‌اند باید خمس او را داد خمس این مال نیز مختص سادات است
یا فقرای عام هم شریکند یا مختص عام است جواب مختص سادات است سؤال شخص
به

ازمال خود
به صغیر بخشیده یا مالی داده است بعد از کبیر شدن میتواند از او بگیرد یا نه جواب نمیتواند مگر بعنوان قرض
داده باشد سؤال زن میتواند فارم خود را مثل برادر یا خواهر و اقارب شوهر خود را مثل برادر یا خواهر
شیر بدهد یا نه جواب احتیاط است که شیر نبدهد و هرکاه نوه دختری را شیر دهد به شوهرش حرام میشود سؤال
دختر زوجه مدخوله که حرام است دختر دختر او نیز حرام است یا نه جواب حرام است سؤال نهر چاهی که
از چشمه سار بر در رسته باشند و آب آن نهر بر کاه و صغیر شریک باشند وضو و غسل از آن نهر میتوان کرد یا نه جواب
مانعی ندارد سؤال زوجه که شوهرش مفقود الخبر باشد و قاضی در بر شده است در این ایام حکم
او چه چیز است جواب باید آنقدر بنشیند که ثابت شود مردن شوهرش سؤال شخص ضامن
زید شود با این نحو که اگر زید در سر وعده مطالبه ماه اگر از اداء دین عاجز باشد از مبلغ را من بتو بدهم
منعقد است یا نه جواب این قسم را اگر بعهد بهیچ برخود لازم کند لزوم دارد سؤال شخص
کرباس زید غصب کرده و رنگ کرده بصاحبش قیمت میرسد یا کرباس و اجرت رنگ با کیست جواب
عین میرسد و اجرت بر غاصب است هرکاه رنگ زنقصد که غصب است سؤال هرکاه سدر و کافور هم نرسد
بدل نهاده میت اغسال و دادن آب خالص واجبست یا ساقط است جواب باید به غسل بقصد قربت
آب خالص بدهند سؤال شخص حجه زید را بعمرو داده که از قبل او حج کند و نصف وجه را بعمرو داده و ضامن
گرفته که بعد از مراجعت نصف دیگر را بدهد الحال ضد است که از او چیز نیست با این نصف وجه را حکمی کند جواب
ضامن باید وجه را بدهد یا ثابت کند که حج کرده و تتمه وجه را بگیرد سؤال شخصی قبلا چیزی نذر
کرده که بفقرا بدهد آیا او را اختیار دارد قیمت آن را میتواند بفقرا بدهد یا نه جواب برخی بازار
خود میتواند بگیرد اما مکروه است سؤال شخص گاو یا گوسفندی بکشد یا نوه و حیوان پر دو است که بجز این
شیر گاو و بنیادی میگوید که گم کرده‌ام یا از کسی بربیع است ضامنست یا نه جواب صاحب مال لقطه
قسم یاد دارد که تقصیر نکرده است سؤال برگ‌های مار گرفتن چه صورت دارد جواب

هرگاه زنده از آب بیرون آید حلالست سؤال آیه انا عرضنا الامانة علی السموات والارض الایه کدام نعمت
جواب تکلیف است در عالم ذر سموات چون قابل نبودند قبول نکردند انسان قبول کرد و بگذر معصیت
میکند ظلوم و جهول شد سؤال در نماز بیک سلام اکتفا میتوان کرد یا نه جواب میتوان کرد
سؤال شخصی زید را اجیر حج کرده است مثلا بمدت یکسال بمبلغ معینی الحال زید بعد از شش ماه میخواهد بولایت
خود برود نصف اجرت میرسد یا نه جواب هرگاه با عذر شرعی برود اجرت میرسد سؤال فطره را
شخص میتواند اگر خواهد خرما بدهد بقیمت گندم خرما بدهد یک صاع درست خرما باید داد جواب در غلات اربع
که باید صاع درست بدهد در بقیه دیگر بقیمت میتوان داد سؤال شخص را حاکم جائر بسفر معصیت
میبرد نماز را قصر کند یا تمام جواب قصر میکند مطلقا مادامی که بقتل نمیرسد سؤال در این زمان
دیت نفس چه قدر است جواب صد شتر یا بول سفید سؤال محمد نوش باید عادل
باشد یا نه جواب باید عادل باشد سؤال دینار شرعی چه قدر است جواب ده هزار دینار تبریزی درهم صد دینار تبریزی
سؤال دو نانست یکی حلال و یکی حرام و مشتبه است که کدام یک حلالست میتوان خورد یا نه جواب احتیاط
واجبست سؤال در جایی است که خورده شده است مال غصبی است و معین کدام را میتوان خورد
جواب مال غصبی را و مثل آن را بصاحبش رد کند و صاحبش نباشد رد مظالم نماید سؤال این قسمی که
حکام و سلاطین با هم میخورند یا رعایا با حاکم قسم میخورند که اطاعت او بکنند چه صورت دارد جواب
اگر شرعی است جایز و الا باطل سؤال میگویند که امام حسین علیه السلام جان خود را فدای امت کرد یعنی چه
جواب اگر میخواست بقدرت امامت دفع آنها کند یا از خدا بخواهد آنها را دفع کند میکرد و نکرد
شهادت را اختیار کرد در عوض شفاعت شیعیان خود را خواست سؤال نماز عید ... را بشب نماز
دوباره با جماعت دیگر بکند چه صورت دارد جواب جایز نیست سؤال شخص ماده گاوی دارد که
شیر او را میخورد و هم الاغی دارد که کار دارد خانه را آب میدهد چند دست خواب دارد دو سال برای
بکند خمس دارد یا نه جواب اگر از مؤنه سال باشد ندارد سؤال شخص بزید قدری گندم

بامانت

بامانت سپرده و رفته الحال او را خشنه نخورد میتواند بنرخ بلد ... بفروشد یا نه جواب هرگاه فرو برسد
و ضرر بصاحب ... رساند ضمان کند سؤال دکمه طلا که در قبا باشد نماز با آن چه صورت دارد جواب
جایز نیست سؤال مال مجهول المالک و وارث که در این ایام که امام غایب است بکه میرسد جواب بفقیه جامع الشرائط
بفقراء بلد که نیت در افطار ده یا بدهد سؤال اذن در نماز میت در عدم وارث از که باید گرفت جواب
از حاکم اذن گرفتن هرگاه وارث نباشد اگر وارث است سؤال گرو بستن کبوتر برای پریدن جایز است یا نه جواب
جایز نیست سؤال مزدوری کردن در اهل ذوالطرفه است و نفس استحقاق میکند یا نه جواب هرگاه
مناسب حال او نباشد مستحق هست سؤال مؤنه سال را که سال بر او بگذرد خمس دارد یا نه جواب ندارد
سؤال صاع چه قدر است جواب یک من و چارده مثقال تبریزی سؤال در زمین غصبی چاه کندن و وضو گرفتن
از آن آب چه صورت دارد جواب تصرف در مال غیر جایز نیست سؤال کفش عوض شده چه صورت دارد
جواب حکم لقطه دارد سؤال عمارت ملک موروثی بعد از خرابی آن هم مالک میشود یا نه جواب احیاء ملک
مطلق است سؤال آب انبار خراب شده را صرف مسجد میتوان کرد یا نه و هم چنین برعکس جواب
نمیتوان سؤال شک در غیبوبت حشفه غسل دارد یا نه جواب ندارد سؤال اگر زوجه بگوید
غیبوبت بعمل آمد بقول آن غسل میتوان کرد یا نه جواب هرگاه ظن غالب بهم رسد غسل کند سؤال
کشتن گربه جایز است یا نه جواب جایز الذبح است سؤال آب مشتبه بمنی و منی چه حکم
دارد جواب باکست سؤال در حوالی ... که صاحبش حاضر نیست و غایب است شخص آمده
در آنجا سکنی میکند آیا آن هم داخل غصب است که نماز در آن مکان جایز نیست یا غصب نیست که شخص
غاصب صاحب خانه را ضعفا از خانه بیرون کرده و سکنا نماید جواب هرگاه بدون اذن صاحب
سکنا نمود غصب است مگر باذن حاکم شرع با مراعات مصلحت صاحب در سکنی سؤال
بزوجه مطلقه رجعیه بدون نیت رجوع جماع کرد این چه صورت دارد جواب بدون نیت رجوع

رجوع نیست و دو نیست سؤال دو حیوان در صحرا میچریدند با هم جنگ نمودند یکی دیگری را کشت
غرامت میرسد یا نه جواب هرگاه بداند که از عادت دابه است جنایت کردن و افراط کرده باشد
در حفظ نمودن و مطلع باشد که دابه دیگر در صحرا میچرد ظاهر اینست که ضامن باشد سؤال
اسب بچه شخصی را لگد زد و کشت دیت میرسد یا نه جواب این هم مثل مسئله سابق است بشرطی که
موافق عادت است سؤال شخصی اسب خود را بطفلی داد که بگرداند اسب او را لگد زد و کشت دیت
میرسد یا نه جواب این مسئله نیز مثل مسئله سابق است هرگاه از عادت اسب چموشی باشد
و خود شخص اسب را با او بدهد ظاهر اینست که دیت لازم باشد سؤال زن ناشزه از شوهر
میراث میبرد یا نه جواب زن ناشزه میراث میبرد و ظاهرا خلافی ندارد سؤال کفن زن
متعه بر شوهر او است یا بر خودش جواب ظاهر از کلام اصحاب است که کفن متعه بر شوهر است
و نص از ائمه علیهم السلام صادر نشده سؤال شخص متوفی شد رضوی که زوجه او نو شیعه و دیگر در خانه
هم دارد که نو شیعه و رفته خواهد هم که در میان میخواهد که آنها را شوهر بعنوان کرو داده بود
الحال بکه میرسد جواب اگر شوهر نبخشیده باشد مال شوهر است سؤال در بلدی چند
نفر اتفاق میکنند و بعضی از ضعفا زبان ورد هند که بیایند و بلد است نراکبرند در این بین نافت
و تاراج بلکه خون هم بشود مردم آن بلد خبردار نشوند صدای ایام حضرت جواب الشان
آنهم اند و حد آن معلوم نیست بلکه تعزیر و تنبیه است سؤال بنو مانیه که بعد از فوت
پیت که طفلی از او مانده جد پدری آن طفل باز ولد او است یا ولایت او در زمان حیات پدر او است
جواب جد پدری ولایت دارد سؤال شخصی وصیت کرده به پسر خود که فلان مبلغ از مال من
بصوم صلوة یا بخمس بدهی وصیتی دارد آیا گرفتن صوم صلوة و خمس بردن اینکه وصیت میت
در نزد او ثابت شود از پسر نیست میتواند بگیرد یا نه جواب ظاهر تر اینست که تواند بگیرد والله اعلم

سؤال

سؤال شخصی دختری را نامزد نموده و مبلغی بخشیده مثلا بعنوان شیربها به پدر یا مادر او داده که او را بعقد
بگیرد هنوز عقد و تزویج نکرده آن شخص از نکاح او اعراض کرده برادر است او را هفت ساله دختر نشسته
و آن مبلغ شیربها را خرج نموده والحال میخواهد مرد و برگردد برادر نامزد او که حاضر است ادعای تحقیق
شیربها را میکند که پسر عمه حاضر خواهر را به شوهر خود او نرسید یا نه جواب هرگاه عینی برطرف
شده اگر خودش هم حاضر میبود نمیتوانست بگیرد و برادر را نیز نرسد بگیرد سؤال چه میفرمایند
در این مسئله که زید بقدری است گوسفند از خالد غصباً گرفته بعمرو هبه نموده است و عمرو هم علم بغصبیت
گوسفندان بهم رسانیده و مدت چند سال در دست او بوده و زاد و ولد نموده و عینی قدری باقی و قدری تلف
شده است الحال عمرو اظهار کند که بر دزد شود و منافع گوسفندان از شیر و ماست و غیره که در این مدت
عمرو خورده است تحقیق کند جواب عمرو باید گوسفندان باقی را و قیمت آنچه تلف شده به قیمت یوم
که تلف شده با قیمت شیر و ماست و غیره و منافع دیگر که بعمل آمده تمام را تسلیم صاحب گوسفندان نماید
و اگر صاحبش نباشد تسلیم ورثه آن شخص و اگر تفحص بلیغ نماید و اثری از صاحبش یا ورثه آن شخص نباشد
باید بفقرا بدهد سؤال شخصی زید را بغیر حق کشته است و ورثه مقتول بعضی کبیرند و بعضی صغیر
آیا اگر کبیر خواسته باشد که قاتل را بکشد و رسد صغیر از مال خود ضامن شود که بعد از کبیر شدن بالا
بدهد میتواند قاتل را بکشد یا نه جواب بعضی ورثه میتوانند قاتل را کشت سؤال
اگر ورثه مقتول همه صغیر باشند در باب قاتل حکم آن چه چیز است جواب باید صبر کنند
تا ورثه کبیر شوند و در این بین بحبس قرار بگیرد سؤال شخصی بدون اذن مالک اجاره بیت او را
بزید داده که بجهت او اسیر هم بیاورد و تلف شده ضامن بر آن شخص است یا بر زید و زید هم دانسته
که از دیگری است جواب ضامن بر زید است لیکن صاحب اجاره یا از هر یک خواهد تاوان میگیرد

که نخواهم برادرم را بگیرم

واگر تاوان را از آن شخص بگیرد او رجوع بزید میکند چونکه در دست او تلف شده سؤال شخصی فوت شده
و چند ورثه دارد زوجه متوفی میگوید که فلان مال از منست چه صورت دارد جواب هرگاه
آن مال در تصرف زن نباشد باید که باثبات برساند که از اوست و اگر در تصرف باشد باید ورثه را
بر او تسلط قسم است سؤال چه میفرمایند که شخصی زید را بفروش [illegible] بکشد قبل از قصاص و گرفتن
دیت قاتل بمیرد آیا از مال قاتل دیت مقتول را میتوان گرفت یا نه و اگر قاتل مال نداشته
باشد از اقارب قاتل میتوان گرفت یا نه جواب هرگاه قاتل خود عمداً کشته باشد نمیتوان
چیزی گرفت و اگر اقتضا [illegible] باشد حدیث دارد که دیت از مال او میتوان گرفت و اگر مال نداشته
باشد از خویشان او میتوان گرفت و بسیاری از علما باین حدیث عمل نموده اند لیکن خالی از اشکال
نیست والله اعلم [illegible] سؤال گوسفندی را کافر
[illegible] تربیت میکرده [illegible] خوردن گوشت آن چه صورت دارد جواب خوردن
گوشت آن ضرر ندارد سؤال شیر دادن طفل را زیاده بر دو سال و دو ماه بیشتر جایز است
یا نه جواب هرگاه شیر دادن ضرورت داشته باشد ضرر نیست سؤال دو برادرند
از پدر شان کنیز [illegible] بمیراث بایشان رسیده میتوانند هر دو هم [illegible] از دیگر
رسد خود را بدیگری تحلیل نماید و وطی کنند یا نه جواب کنیز مشترک را تحلیل نمودن صورت
ندارد سؤال ﴿ألا من ذكر الله﴾ [illegible] کفو است یا نه جواب از افراد ذکر است
سؤال کسی که قصد اقامه ده در جائی کرده تا چهار فرسخ [illegible] میتواند رفت یا نه جواب میتواند رفت بشرط
[illegible] یا نه سؤال اگر شخص در نماز آیات در میان رکوعات امام حاضر شود چه کند جواب اگر
رکوع اول را دریابد باید [illegible] رکعت دویم را دریابد [illegible] سؤال [illegible]

جواب

[margin: این دو مسئله مکرر شده]

[margin: این چند مسئله مکرر شده]

حرمتش معلوم نیست اما احتیاطاً واجب است سؤال شخصی زنی را عقد کرده و تصرف
نکرده دختر آن زن با آن شخص محرم است یا نه جواب محرم نیست سؤال در ضمن عقد شرط شده است
که داماد منزل [illegible] لزوم دارد یا نه جواب هر امر مباحی که در ضمن عقد شرط شود
لازم میشود سؤال [illegible] افعال ثلثه که از حضرت خضر در رفاقت حضرت موسی صادر شده [illegible]
کشتی را [illegible] ﴿فأردت أن أعيبها﴾ و در قتل طفل [illegible] که ﴿فأردنا أن﴾
﴿يبدلهما﴾ و در اقامه دیوار [illegible] ﴿فأراد ربك أن يبلغا أشدهما﴾ [illegible]
جواب ~~[illegible]~~ در چند افعال ثلثه [illegible]
کردن کشتی [illegible] ظاهر عیب است [illegible] و در قتل طفل [illegible]
از حق [illegible] و در اقامه دیوار [illegible] و نکتهای
دیگر نیز میتوان گفت والله یعلم سؤال چه میفرمایند علمای امامیه در این مسئله [illegible] فایده جهاد با کفار
چه چیز است که شخص جبراً [illegible] اسلام قبول کند آن اسلام او را [illegible] بیرون می آرد در دنیا و در آخرت [illegible] یا نه
اگر [illegible] فایده جهاد چه چیز است جواب هرگاه جبراً اسلام بیاورند ظاهراً و باطناً قایل نباشند
از نجاست بیرون می آیند در دنیا و در آخرت معامله منافقین با ایشان خواهد شد و فواید جهاد بسیار است
از آن جمله امتثال امر الله و غلبه مسلمین بر کفار و منتفع شدن [illegible] والله یعلم سؤال دیگر آنکه
گفته اند که اصول دین را بدلایل عقلی باید تشخیص کرد و تقلید در اصول نمی باشد شخصی میگوید که من آنچه
سعی مینمایم و تفحص میکنم آنچه اقوال حکما [illegible] است حق میدانم که اکثر بر خلاف عقیده اهل اسلام است
این شخص احوال او در دنیا و آخرت چه حکم دارد جواب هرگاه عقیده اش خلاف عقیده اهل اسلام باشد
قتل او واجب خواهد بود که صاحب آن عقیده [illegible] سؤال دیگر چه میفرمایند که هرگاه شخص مسلمی مرتد شود

گفته اند که مال او تعلق بورثه او دارد اگر آن شخص توبه کند باز مال او تعلق باو دارد یا بورثه او میرسد
جواب اگر مرتد فطری باشد باید کشته شود و اگر کشته هم نشود مال او باو برنمیگردد و اگر ملی باشد بعد از
توبه مال او باو برمیگردد سؤال اگر زن مسلمه مرتد شود عقد او با شوهر مسلم او برهم میخورد یا نه
جواب عقد برهم نمیخورد هرگاه دخول کرده باشد سؤال شخص زید را نزد خود می آورد که
مدة الحیات خدمت آن شخص نماید که بعد از مردن آن نیز شریک از ورثه او از مال او میراث ببرد آیا این
جایز است یا نه جواب اگر غرض اجاره باشد حکم باید در اجاره اجره معین باشد بنا براین جایز نیست
اما اجرة المثل میرسد و اگر غرض وعده باشد و وصیت کرده باشد و از ثلث بیرون بیاید لازم است
و اگر از ثلث بیرون نیاید ایضا اجرة المثل میرسد سؤال شخص بعنوان شیربها مبلغ نقد یا جنس
بجهة پدر دختر یا اقوام او آورده است و قبل از عقد وقوف دختر فوت شد حالا آن شخص الحال رجوع
میخواهد اقوام دختر میگویند ما خرج کرده ایم عینا باقی نمانده چه صورت دارد جواب هرگاه وجه را از
برای رضا شدن دختر یا پدر دختر آورده باشند مطالبه صورت ندارد و اگر شیربها نیز است مطالبه میتواند
کرد سؤال شخص زید را میگوید که یکسال خدمت من بکن که بعد از یکسال دختر خود را بتو تزویج میکنم
بعد از یکسال که زید خدمت کرده است پدر دختر با برادر او میگویند که دختر در اول راضی بود اما حالا
بعقد راضی نمیشود آیا اجرت زید که یکسال خدمت کرده میرسد یا نه و اگر برسد از که باید بگیرد و اگر
بعد از یکسال خدمت کردن قبل از عقد وقوف کردن دختر بمیرد باز اجرت میرسد یا نه جواب هرگاه
شرط شده باشد که در ازاء خدمت سعی بکند که دختر یا خواهر خود را راضی بکند بعقد و لو خود سعی
کرده باشد اجرت میرسد و اگر سعی نکرده باشند ظاهرا اجرة المثل میرسد و هرگاه دختر پیش از عقد
فوت شود ایضا مثل اول است سؤال شخص بهای خود وصیت میکند که بقدر ثلث مال این یا کمتر

بهم

بصوم صلوة و نماز هدیه نیز بدهد یا دیگر ریست از اینکه بثبوت شرعی رسیده میتواند آن وجه را بگیرد یا نه جواب
از ورثه بگیرند و بدهند و صغیر هم دارد جواب هرگاه کبیر از ورثه اجازه کنند موافق رسد از خود میتوانند بگیرد
و از رسد صغیر تا ثابت نشود حکم ندارد سؤال روایت جراحت سر که شتر قوم انداخته در این ایام هر شتری چند
قیمت میشود جواب شتر وسطی قیمت میشود و دادن میشود سؤال هرگاه دو نفر همدیگر را بزنند دو احت
مکرر شد — نمایند مثلا اسم چیز دیگر لازم میآید یا نه جواب چیزی لازم نمی آید سؤال چه میفرمایند در این مسئله که شخص
دختری را با فرزند که مبلغ پنجاه تومان مثلا شیربها بدختر یا مادر او داده و هنوز عقد وقوع نکرده او در این ایام
کرده برده است و دختر چند سال گذشته بزرگ شده است و الحال میخواهد عروسی شود برادر مادر او که حاضر است
مطالبه وجه را میکند میخواهم برادر من عروس مرا دختر میگوید وجه را از من هست خرج کرده ام چه صورت دارد
جواب هرگاه عیبی بر طرف شده اگر چه شخص هم حاضر نبود نمیتواند بگیرد و برادر را نیز نمیرسد
بگیرد سؤال کسی که زکوة بر او هست اما فقیر است و دو ازن امامیه از وجه زکوة باو چیزی میتواند داد
مکرر شد — یا نه جواب زکوة واجب به منتجا از نفقه نمیتوان داد سؤال چه میفرمایند در حوالها و عمارت
که صاحبش حاضر نیست و مفقود است شخص آمده در این مکان منزل آیا آن هم داخل غصب است که نماز در آن مکان
جایز نیست یا غصب نیست که شخص صاحب خانه را عنفا از خانه بیرون کند و مکان نماید جواب
هرگاه بدون اذن صاحب مکان منزل غصب است مگر باذن حاکم شرع با رعایت مصلحت صاحب در مکان
سؤال شخص چه میفرماید که بعد از فوت بیت که طفل از او مانده جد پدری آن طفل باز وصی او هست یا اناث
او در زمان حیات پدر او است جواب جد پدری ولایت دارد والله اعلم
سؤال علمای امامیه چه میفرمایند در این مسئله شرعیه که زید از عمرو ملکی را مثلا یک ساله اجاره نموده

بمقدار ده عزوار غله و در ضمن عقد اجاره شرط نموده که هرگاه بعلت آفت ارضی یا سماوی نقصانی بحاصل

ملک مزبور برسد چنانچه تا نصف بوده باشد در عهده مستاجر و اضافه بر نصف از وار باز دید اهل خبرت در

وجه بدل الاجاره محسوب خواهد شد نیز مانیه که این نقصان تا نصف بر کل حاصل ملک مزبور است

یا بر نصف بدل الاجاره است جواب موافق ظاهر و سیاق عبارت بر نصف حاصل است

سؤال دیگر نیز مانیه که شخص فوت شده است و از او طفل صغیر مانده و ملکی ترکه او شده و وصی

تعیین نکرده صغیر الحال عسرت میکشند میتوان ملک او را فروخت و خرج او کرد جواب جواب

هرگاه وصی باشد وصی یا بفروشد و هرگاه نباشد قیم شرعی او میتواند فروخت اگر قیم هم نداشته

باشد عدول المؤمنین میتوانند ملک او را بفروشند و خرج صغیر نمایند عسرت داشتن او ضرورت

سؤال یک چیز گران و به دیگری ارزان میتوان فروخت یا نه جواب میتوان اما ردّ تفاوت

سؤال طعام فروختن در بازار چه صورت دارد جواب اگر از اهل آن باشد ضرر ندارد سؤال

در معامله نقد و نسیه را تفاوت در قیمت میتوان داد یا نه جواب میتوان اما هر کدام را که اختیار

میکنند بگویند و معین کنند و بعد صیغه را جاری کنند سؤال اجرت بر قرآن خواندن و نماز

و ... چون است جواب مانعی ندارد سؤال لباس نجس را در میان آب بگویند و آب ترشح کند

پاک است یا نجس جواب اگر کمتر از کر باشد نجس است و اگر کر باشد و متغیر نشود پاک است الفضل بحمد الله

و آلاخرد سؤال زکوة غلات اربع در دانه تعلق است یا در وقت تلف جواب هرگاه از کاه

جدا شد یا انگور مویز شود دیگر تأمل نباید کرد سؤال بذر غله را قرض کرده اند و کاشته اند زکوة دارد یا نه

جواب زکوة دارد سؤال در دیوار مسجد میتوان محراب کند جهت نماز یا نه جواب بکنند سؤال زید

میشنود

میشنود که عمرو فلان جا را تاخت کرده یا فلان قلعه را گرفته خوشحال میشود

آن خوشحالی نفی عدالت او میکند یا نه جواب اگر اهل قلعه و آنجا مظلوم باشند و مستحق

نباشند ضرر دارد و بعدالت ... سؤال مادیان غصبی را کسی از اسب مباح بکشد کره

آن اسب بکه میرسد جواب بصاحب مادیان سؤال زید شعر میگوید یا در کتابت مینویسد

معلوم مرا بفلان برسان لازمست که برساند جواب احتیاط کند و برساند سؤال

در قیامت و در بهشت زنان را حجاب لازمست یا نیست جواب امور آخرت

بخصوص نصّی ندارد حکم نمیتوان کرد ممکن است که باعتبار حرمت محرم

حجاب باشد والله یعلم سؤال جوانه گاو غصبی را بگواره سر میدهند از

نسل او آنچه بعمل آید یا شیر ماده گاوها حلالست یا حرام جواب هرگاه ...

حلال باشند حلالست سؤال دزد هم با صاحب مال میتوانند مدافعه کنند یا نه

جواب نمیتوانند سؤال اگر صد من گندم با آسیایی بریم یا قدری با آن عوض میکنند آرد

میدهند و از آرد کم میکنند صورت دارد یا نه اجرت او را چیزی دیگر میتوان داد

یا نه جواب آرد نمیتوان داد و اجرت چیزی دیگر دادن مشکل است

جواب فتاوی چند که عالیحضرت شیخنا علامة العلائی المجتهد الزمانی میرزا محمد مهدی نوشته اند

علمای امامیه رضوان الله علیهم چه میفرمایند در این مسئله شرعیه که شخص بخطا
چهار پای را بکشد ضامن است یا نه جواب ضامن است والله اعلم سؤال طفل نابالغ
بخطا حیوان شخص را بکشد عاقله ضامن آنهم است یا نه جواب عاقله ضامن
حیوان نیست سؤال هرگاه کسی در دست فصد کند آنرا آنچه بخود بشوید جواب
انگشت را بر بالای رگ گذاشته بشویند سؤال زنی شوهرش فوت شده است
قباله نکاح را بیرون آورده ادعای مهر بر ورثه کبیر و صغیر شوهر خود
میکند آیا بمحض قباله مهر ثابت میشود یا باید باثبات شرعی برساند
جواب باید اثبات کند سؤال شخصی دختری را نامزد کرده است و مبلغی از نقد
و جنس بعنوان شیربها باو داده هنوز عقد نکرده دختر زنا کرده و حامله
شده الحال آن مرد آن دختر را بسبب زنا و حمل او نمیخواهد و ادعای
آنچه بدختر داده میکند که بعضی را خورده و بعضی هست آیا لازمست
که آنچه دختر از او گرفته است باو رد کنند یا نه جواب آنچه هست باید بدهد
سؤال شخص دختر بکسی عقد کرده و قدری شیربها از او گرفته الحال دختر باکره
ثیبه بیرون آمده زوج ادعای شیربهائی که داده از آن شخص میکند لازم

هست

هست که آنچه زوج بآن مرد داده رد کند یا نه و مهر آن دختر هم قدری کم میشود مهر ثیبه
باید بدهد یا نه جواب بمصالحه طی کنند سؤال شیربهائی که متعارفست که پدر
دختر یا خویشان او از زوج میگیرند آیا تنها حلالست یا نه مال دختر است
یا بجهة استرضای ایشان داده حلالست یا نه جواب صورت ندارد سؤال
در عقد دختر باکره مشهور اینست که رضای پدر و دختر هر دو شرطست
الحال دختر بزید راضی است پدر دختر بعمرو میخواهد و او بعمرو بدهد دختر بعمرو
راضی نمیشود کار معطل شده چه نحو باید نمود و رضای کدام یک در اینصورت
شرط است جواب رضای دختر مقدم است سؤال شخصی با دختری زنا کرده و دختر حامله
شده و در میان حمل همان دختر را بجهة خود عقد نموده آیا آن عقد صحیح است
یا باطل و در ایام حمل شوهرش دخول میتواند کرد یا نه و هرگاه فسخ
نماید احتیاج بطلاق دارد یا نه یا آنکه باطل است بعد از وضع حمل عقد
جدید بکند یا نه جواب عقد صحیح است و دخول میتواند کرد و احتیاج بطلاق
دارد سؤال شخصی دختر صغیر خود را در حیات خود بشخصی عقد کرده و بعد از
مردن پدر دختر بالغ شده باین شخص رضا نمیدهد آیا آن عقد درست است
یا باطل و بهمان عقد پدر برقرار میتوان داد یا نه جواب صحیح است و باید بهمان شخص داد

سؤال شخصی با دختری که چند خواهر دارد شیر خورده برادر مرتضع خواهرهای
که شیر خورده و خواهرهای دیگرش را میتواند خواست و زن کند یا نه
جواب نکاح اخوهٔ مرتضع در اولاد مرضعه ضرر ندارد و اخوات ترکت
سؤال آنچه از میراث اختصاص بولد اکبر کدام است و بمسئله حبوه عمل
میتوان کرد یا نه جواب اقوی عمل بحبوه است و حبوه لباس و انگشتر و
شمشیر و قرآن است سؤال شخصی قدری املاک خریده و قباله بعضی را باسم
خود و بعضی را باسم یکی از فرزندان خود نوشته و ملک گرفته الحال
بعد از پدر آن پسری که قباله باسم او است دعوای آن ملک بجهت خود میکند
از میانه ورثه باو میرسد یا نه جواب آنچه شهود بگویند سؤال شخصی
مرد اجنبی را نزد خود آورده نگاه داشته هردو جفا کشیده اند و خرج کرده اند
و مال بهم رسانده الحال آن مرد فوت شده و آن مرد اجنبی ادعای
مال با ورثه میکند که من هم جفا کشیده ام مال بهم رسانده ام با آن هم
مالی میرسد یا نه جواب هرگاه اجیر بوده مستحق اجره است و بس سؤال
شخصی مثلاً آسیا خرابه زید را بدون اذن او بکسی فروخته و مشتری
علم بغصبیت او نداشته و آن آسیا را پول خرج کرده و دایر نموده و
مدتها کم دانیده منتفع شده الحال صاحب آسیا آمده و ادعای ملکیت آن

آسیا را میکند این چه صورت دارد آنچه مشتری خرج کرده و دایر نموده باید بکند جواب
باید بمالک رد کنند و رجوع به بایع کند سؤال شخصی متوفی شده و قدری املاک از او
میراث مانده و دو نفر فرزند از او مانده و فرزندان تا زنده بوده اند
با یکدیگر بطور نحوه صرف معیشت خود مینموده اند بعد پسر بزرگتر فوت
شده پسر کوچکتر بطور مینموده و در تصرف او بوده و بعد آن پسر کوچک نیز
متوفی شده و از دو پسر اولاد مانده الحال میانه اولاد اینها
دعوا افتاده اولاد پسر بزرگ ~~میشود~~ که میگویند این املاک
از جد ما مانده است و املاک مزبور تقسیم نشده ما هم در این املاک
شریکیم و سهم خود تقسیم میکنیم و ورثه پسر کوچکتر سخن ایشان
اینست که چند سال گذشته و پدر ما بطور مینموده و در تصرف او بوده
و ما مال خود میدانیم و او را بحق متصرف میدانیم شما اولاد پسر بزرگتر
دخلی ندارید جواب اولاد ولد اکبر باید اقامه شهود نمایند بر
بطلان تصرف اولاد ولد اصغر جمیع را و هرگاه عاجز باشند تسلط
قسم نفی علم دارند سؤال چه میفرمایند در باب حلیت و حرمت فقاعی
آنچه در این ایام معمول شده که اولاً انگور را در دیگ کرده میجوشانند
تا سرخ شود و بعد از آن بعد بیرون آورده در قلبیر ریخته از همان آب انگور

بر بالای آن ریخته و بپزند تا آب و مغز و پوست انگور بیرون میرود و دانه اش را
در بیرون ریخته همان آب و مغز انگور را بجوش کنند تا بقوام آید و ثلث ثلثان
میشود بلکه از چهار و پنج یکی نقصان بعمل آید در صورت مسطوره همین فقاعی
حلالست یا نه چون بعضی علما میگویند این حرام و نجس است چون مغز و پوست
انگور ثلثان نمیشود و الّا باید پیش از جوشیدن انگور آب او را کم قسمت بجوش
کنند تا ثلثان شود بعد مغز و جرم انگور را داخل نموده بجوش کنند تا بقوام
آید که آنوقت حلال میشود جواب هرگاه تخم را بگیرند و پوست هم در عرف
باقی را عصیر غلیظ گویند و بجوش کنند حلالست و پاک هرگاه ذهاب
ثلثان محقق باشد والله العالم سؤال شخصی قبل از ظهر یوم چهارشنبه
ماه را دیده و بهمین استدلال نموده که از شب گذشته است و
افطار کرده و جمعی از اناث و ذکور نیز افطار نموده اند و بعد
ظاهر شد که یوم پنجشنبه عید بوده بر اینها کفاره هست یا نه جواب
هرگاه مقلد مجتهد بر بوده که چنین میدانسته بر او چیزی نیست
و الّا قضا لازم است و احوط آنست که کفاره هم بدهد والله العالم
سؤال هرگاه زید ملکی بعمرو بفروشد و عمرو مبلغ کلی در آن ملک خرج نماید و بعد

معلوم

معلوم شود که ملک مزبور مال زید نبوده و مال غیر بوده آیا عمرو را میرسد که اخراجات
خود را و آنچه ضرر باو رسیده است از زید مطالبه نماید یا نه جواب هرگاه عمرو علم
نداشته که ملک مال غیر است تسلط دارد که آنچه باو ضرر رسیده است از زید بگیرد
سؤال شخصی فوت نموده است از او والده و زوجه ترکه متوفی چه نوع قسمت
میشود و از املاک غیر منقولات مثل باغ و حوالی و زمین زوجه را رسد میدهند
یا نه جواب بزوجه ربع و باقی بوالده میرسد و از زمین و آب جاری ارث نمیبرد
زوجه بی ولد و از قطایع ارث میبرد سؤال طفل زیاده از شش سال و کمتر از
پانزده سال در نماز میت بعد از تکبیر چهارم مصلی چه دعا بخواند دعای میت یا
دعای طفل بخواند جواب دعای اطفال طفل میخواند سؤال با مس میت و مع
عذر نماز واجب میتوان کرد یا نه جواب نماز واجب را بدون غسل مس میت
نمیتوان کرد و اگر عذر شرعی دارد تیمم میکند سؤال ضعیفه میتواند برادر
یا برادرزاده خود یا برادر و خواهر شوهر خود و یا فرزند برادرزاده و خواهر
زاده خود را شیر دهد یا نه جواب ضرر ندارد سؤال در اثنای دوختن
گوسفند بول کند در میان شیر آن شیر چه باید کرد جواب پنیر باید نمود سؤال
شخصی در حضور دو نفر عادل صیغه طلاق جاری کند و آن دو عادل عامی
باشند معنی صیغه را ندانند آیا طلاق منعقد میشود یا نه جواب
هرگاه بعربی جاری نماید منعقد نمیشود و اگر فارسی جاری کند طلاق صحیح است

مسئله شخص ضعیفهٔ را عقد کرده از جهة خفی و دختر بالغهٔ خود را
از جهة والد ضعیفه عقد بسته و ضعیفه را تصرف کرده و مدت یکسال
بیشتر میشود و الحال حرف پدر دختر اینست که من دختر را
عقد کرده ام شما خرید از جهة آدم خفی آورده دختر را
به برید و الآخر خرج دختر را بدهید حرف والد ضعیفه
اینست تا مادام که در خانهٔ پدرش است من خرج نمیدهم
بمنه ام نمیرسد هرگاه خرج دختر به پدر دختر باشد کما که
جواب قلمی نمایند جواب هرگاه خرجیه را شرط کرده اند اخراجات
میرسد و الا فلا و هرگاه زوجه تمکین زوج نه نماید قولاً یا فعلاً یا زنا
یا مکان نفقه بزوج لازم نیست مسئله زاینه مهر بر دوش شود هر حق
دارد یا نه جواب زنا کردن زن مسقط مهر نیست مسئله در نماز اجاره که
مرد از جهة زن نماز میکند در نماز های جهریه جهر میکنند یا نه جواب

جواب

در جهریه باید جهر کند مسئله تسبیح اربعه را در نماز اجاره بیک مرتبه
اکتفا میتوان کرد یا نه جواب باید سه مرتبه تسبیح بگوید مگر شرط
کرده باشد مسئله چه میفرمایند که شخص فوت نموده و ورثه سه پسر و یک دختر
ترکه هر چه بوده در نزد دخترش بوده و پسرها تا مادام الحیات خواهر خود ادعای
مال پدر را نکرده اند و بعد از ممات خواهر ادعای مال پدر با وارث خواهر خود دارند
حرف وارث دختر اینست که شما در زنده گی خواهر خود میبایست رسید مال را
بگیرید و نا گرفتید شما یا علت بخشیده است و حرف پسرها اینست که مادر خفیه
میطلبیدیم بما رد نمیداد و آشکارا باعث خفت خود میدانستیم و الحال
هر چه از آن مال پدر باقی مانده رسد میخواهیم و میرسد الحال ترکهٔ مال
پدر بکنند یا نه جواب هرگاه دعوی بخشیدن کنند باید ثابت کنند
و هرگاه عاجز بشوند از اثبات قسم دارند و باید حصهٔ ایشان را
بدهند مسئله چه میفرمایند که هرگاه چند جلد کتاب فیمابین چند نفر بسبب ارث
مشترک باشد و یکی از شرکا بعض ورّاث را بنوع شرعی راضی کرده باشد
و کتاب رسد او ها را اخذ نموده و در دست او بوده باشد و هم بعضی فوت شده
باشد و وارث بعضی مطالبه مینمایند که ما خبر نداریم و باید که کتاب رسد ما را

بما پس بدهید چکنند کسی که کتابها را در تصرّف دارد جواب هرگاه دعوی کند
که راضی کرده ام باید ثابت کند و شهادت زن هم هرگاه عادله باشد مسموع است

سؤال چه میفرمایند که جماعهٔ ترکمانیهٔ ملعون میآیند بتاخت و تاز
مسلمانان و اسیر میشوند و مسلمانان اسیرها را میفروشند وجه اسیرهای
ترکمانیه بر مسلمانان حلالست یا نه جواب حرامست صورت ندارد سؤال
طاق دقان در خیست میوهٔ او مثل میوهٔ آلوبالو دانه دارد میآورند
در آسیا آرد میکنند که گوشت و پوست و مغز باهم مخلوط میگردد یکی میشود
گوشت و مغز متعارفست پوست او چه حکم دارد حلالست یا نه
جواب هرگاه مضرّ ببدن باشد حرامست والّا فلا سؤال
زرشک را باب جوش نیدن که ترشیش بیرون آید و خوردن او حلالست یا نه
جواب ضرر ندارد حلالست سؤال نماز کردن بر میّت ولی میّت
شخصی را اذن میدهد که نماز کند و بنیّت وجوب نماز میکند و مردم دیگر
که در عقب او میایستند چه نیّت کنند جواب نیّت وجوب میکنند

در جواب فتاوی چند که از علمای [illegible] رضوان الله [illegible]

سؤال علمای اعلامیه چه میفرمایند در این مسئلهٔ شرعیه که زن مدخوله مطلقه بعد از دیدن سه حیض در
سه ماه بعقد دوام شخصی را تزویج میکند و سخن آن زن این است که من عادت
میدیدم و سه مرتبه در مدت سه ماه عادت دیدم و بعد از عادت سیم که طاهر
شدم بشوهر رفتم و احتمال حمل بخود نمیدادم تا اینکه در خانهٔ زوج ثانی
از روز عقد و دخول بمدت شش ماه فرزندی آورد بفرمایید که این زن با این
زوج ثانی حلالست یا حرام و مهر شش میرسد که از زوج ثانی بگیرد یا نه
جواب اگر زوج ثانی وطی نموده بر او حرام ابد میشود و اگر نه [illegible]
جدید دارد و مهر المثل از شوهر ثانی در صورت اولی میگیرد و در صورت ثانی نه
مهر المثل دارد و نه مسمّی والله اعلم سؤال بر میّت ترکمانی که نماز کردن او [illegible]
غسل و کفن و نماز و دفن میتوان کرد یا نه و اگر شیعه براو نماز کند چند تکبیر بگوید
جواب او را بطریق اهل خلاف کفن و دفن نمایند و چهار تکبیر در نماز براو میگویند
و بجای دعا نفرین براو میکنند سؤال شخصی [illegible]

برنج بده چه صورت دارد جواب ضرر ندارد سؤال شخصی جو را برابر گندم میدهد
ضرر دارد یا نه جواب ضرر ندارد سؤال یکمن ده من جو را بیکمن گندم معاوضه
میکند ربا است یا نه جواب ربا است صورت ندارد سؤال شخصی ده من قند
بیکمن برنج میدهد چه ربا است یا نه جواب ضرر ندارد سؤال
تسبیح اربع را در نماز واجب بیکبار به اکتفا میتوان کرد یا نه جواب اقوی
جواز و احوط سه مرتبه با یک استغفار است سؤال هرگاه شخصی [illegible]
خود را درست نمیداند و بجماعت حاضر شود به نماز اقتدا مرد واجب قصد
کند یا سنت جواب واجب قصد کند سؤال موی [illegible] آدمی در جامه
اگر چسبیده باشد عمدا نماز کردن با او چه صورت دارد جواب ضرر ندارد
سؤال شخصی [illegible] وکیل کرد اند که ایشان را با هم عقد کند وکیل اسم
[illegible] کرده اسم [illegible] گفته و بعد از عقد و دخول معلوم شد که
اسم داماد [illegible] بود صیغه عقد با اسم داماد [illegible]
درست نیست یا نه جواب درست است ضرر ندارد

سؤال چه چیز باعث ارتداد میشود که اقسام ان چیست جواب
ارتداد سه قسم میشود فعلی و قولی و اعتقادی اما فعلی فعل چیزیست
که موجب اهانت و خفت شرع باشد مانند انکه العیاذ بالله قرآن را
در نجاست بیندازد یا لگد بزند و قولی آنست که چیزی بگوید که اهانت
باصل شرع باشد هرچند مزاح باشد مثل آنکه ضروری دین را
منکر شود یا نسبت خدا یا پیغمبر یا یکی از ائمه را بکند و اعتقادی آنست
که اعتقاد بر خلاف یکی از اصول دین بکند و مثل آنست اعتقاد
بر خلاف ضروری مذهب اسلام سؤال شخصی ادعا کند با دختری
که عقد کرده ام و دخول هم کرده ام دختر منکر عقد و منکر دخول جواب
مدعی زوجیت هرگاه شاهد بر عقد نداشته باشد تسلط قسم بر صبیه دارد
و بعد صبیه میتواند زوج اختیار نماید ولکن بر مدعی زوجیت لزوم دارد
که او را طلاق بدهد اگر فیما بین او و خدا عقد واقع شده والله هو العالم
واحکام دیگر نیز وقوع میشود مثلا هرگاه سه زن غیر از او داشته باشد
و خواسته باشد زن دیگر بگیرد نمیتواند تا او را طلاق ندهد سؤال
زید جو و گندم با آسیا مرد بار آرد معاوضه میکند در عوض دو سیر مزد آسیا حساب میکند

که صورت بدویه کم آرد میدهد ربا و حرام میشود یا نه جواب بکنند والله اعلم

سؤال

عمرو و زید و بکر سه برادرند عمرو زید را گفته که دختر تو را دیدم با ولد فلان کس اجنبی
که در بالای دختر سوار شده بود و دختر هم عقد کرده ولد بکر بوده و زید میگوید آنکه
دختر مرا دیدی باید کار لجه باشد برادر خود بکر را خبر میدهد و امر میکند که عمرو دست را
بکشد و بکر هم بظن آنکه البته برادرم راست میگوید دختر را خفه کرده و کشته
و بعد معلوم شده که دختر با بالغ خویش طبع کرده بوده و پسر دختر را دست زده افتاده بوده
و پسر هم از بالای دختر افتاده بوده که در آن آن وقت عمرو دختر را میدیده و دیده خبر
به برادر خود زید داده والحال خون دختر بکدام یک از این سه برادر میرسد به پدر دختر
که امر کرده یا او برادری که شهادت بزور داده یا او برادری که کشته و هر سه برادر را
حکمش بفرمایند و شوهر دختر میتواند از اینها هر کدام را که بفرماید خون بها بگیرد
یا قصاص کند جواب کشنده را قصاص میکنند بعد از آنکه ورثه زن نصف
دیه قاتل را بورثه قاتل رد کنند و بمصالحه طی کنند بهتر است والله اعلم

سؤال زوجه مدعیه است که زوج عنن دارد و زوج منکر و مدعی وطی است و هرگاه
ثابت شود عنن زوج در آن وقت زوجه چه کند جواب فتوای میرزا عبد الجواد
قول زوج مقدم است با قسم یاد نمودن او و در صورت ثبوت عنن هرگاه ثابت
شود که قبل از عقد بوده و زوجه مطلع نبوده زوجه میتواند عقد را بر هم زند و محتاج
بطلاق نیست

و هرگاه قبل ثابت نشود هرگاه زوجه صبر نماید [کند] اختیار دارد و هرگاه صبر ننماید
باید رفع امر خود کند بحاکم شرع و او مهلت میدهد زوج را یکسال پس اگر یکسال
منقضی شد و وطی ننمود اختیار زوجه با خود اوست و نصف مهر را میگیرد والله هو العالم

سؤال زید ملک ارث مادری صبیه خود را بعمرو فروخته و بعد دختر را بشوهر داده
و از دختر فرزندی بعمل آمده والحال بعد از فوت زید و عمرو و دختر زوج دختر
ادعا با ورثه عمرو میکند که این ملک از زوجه منست بمن و بفرزندم میرسد حرف
ورثه عمرو اینست که بما میراث از پدر مانده و اما قباله ملک را که عمرو از
زید خریده است جواب باید مدعی بطلان بطلان تصرف متصرف را
اثبات نماید اگر متصرف ادعای حقیت تصرف کند و اگر ادعای خریدن
کند از مورث مدعی باید اثبات نماید و مجرد قباله نمودن تا اقرار بخریدن نکند
فایده ندارد و هرگاه طفل صغیر بوده اختیار با پدر او است که ولی است
بشرط ملاحظه صرفه و غبطه صغیر بهر جهت باید فروختن اثبات شود
چه بشهود چه باقرار متصرف و مجرد آنکه از پدر دختر خریده فایده ندارد
تا مادامیکه ثابت نشود آنکه پدر صغیر ملاحظه غبطه نکرده و نیز اینکه ظاهر
در فعل مسلم صحت است تا فساد ظاهر شود و مرافعه باسقاط نمیشود
باید رفع شود والله هو العالم

علمای امامیه چه میفرمایند در خصوص آنکه زید و عمرو گفتگو دارند در کواکب ثوابت و سیاره
گفتگوی عمرو آنست که آنچه کواکب است همگی در آسمان اول است بدلیل آیه و حدیث
که جناب اقدس الهی میفرمایند انا زینا السماء الدنیا بمصابیح و جناب معصوم
میفرمایند که ولایت ما اهل بیت را به آسمانها عرض کردند و آسمان اول قبول کرد
از آن زینت دادند به کواکب پس بنابر آیه شریفه و حدیث معصوم باید کواکب جمیعا
در آسمان اول باشند و ما را نمی رسد که در برابر نص گفتگو بکنیم و آنچه از معصوم رسیده باشد
ما قبول میکنیم و به عقلیات رجوع نداریم و گفتگوی زید آنست که آیه و حدیث معصوم
تاویل دارد و ظاهر آیات عمل کردن امکان دارد در علم هیئت و غیره مبرهن است
که هفت کوکب سیاره در هفت آسمان است و باقی کواکب ثوابت در فلک هشتم است
که بلسان شرع عبارت از کرسی باشد و فلک نهم که عبارت از عرش باشد خالی است
بفرمایند که حرف زید درست است یا از عمرو و تاویلات آیه و حدیث را بفرمایند و حقیقت را از [illegible]
جواب سخن عمرو اعتبار ندارد بعلت آنکه هرگاه تاویل در قرآن جایز نباشد آیه و ما
یعلم تاویله الا الله والراسخون فی العلم چه معنی دارد دیگر آنکه هفتاد و سه فرقه اسلام
همه عمل بقرآن میکنند و حال آنکه یک فرقه ناجی اند و باقی هالک دیگر ائمه هدی فرموده اند
حدیث ما اهل بیت صعب مستصعب است هرگاه احادیث بنحوی باشد که همه کس
بفهمد صعب مستصعب چه معنی دارد و تاویل در قرآن جایز نیست تا مخالف

حققه بالله

عقل نباشد مثل آیه شریفه ید الله فوق ایدیهم باید حمل بر ید قدرت شود
چرا که ببدیهه عقل ثابت است که خدا جسم نیست یا [illegible] پس مثل آیه
مزبوره چرا که ماه ثوابت را میپوشد و هر پوشنده مقدم است بر پوشیده شده
پس تاویل آیه و حدیث آنست که کواکب در آسمان اول دیده میشوند
پس او مزین بکواکب است سؤال دیگر چه میفرمایند در گفتگوی زید و عمرو
در خصوص متکلمین و گفتگوی عمرو آنست که متکلمین مطلقا بدند
و اعتقاد ایشان بیجاست آنچه از معصوم رسیده باشد درست است
و گفتگوی زید آنست که مطلق متکلمین را بد دانستن از جمله عقاید
باطله است چرا که اکثر اهل سنت در این زمان در اصول دین دو فرقه
شده اند اشاعره و معتزله و متکلمین امامیه هم هستند مطلق متکلمین را
بد دانستن درست نیست چرا که باید اصول دین به نظر و استدلال باشد
آنچه که گفتگو در علم کلام میکنند اینها را متکلمین میگویند و گفتگوی عمرو آنست
که هر چیز که ماثور نباشد ما قبول نمیکنیم و گفتگوی زید آنست که آنها در نقلیات است
نه در عقلیات بیان فرمایند جواب بد دانستن متکلم هرگاه بسبب آنست
عقیده فاسد دارد این حرف صحیح است والا فلا چرا که متکلم حکیم موافق شرع
پس بد دانستن صورت ندارد علاوه بر این اصحاب ائمه صلوات الله علیهم

متکلم بوده اند علاوه برآن هرگاه عمل بجا نیاورند همه جا لازم باشد لازم میآید
که حسن و قبح اشیا عقلی نباشد و این مذهب باطل است والله یعلم سؤال
زمین نجسی بر چه چیز پاک میتوان کرد مثلاً خانه ببول نجس شده است
و آن زمین را که نجس شده حفر کرده اند حتی اگر رطوبت بول در زمین مانده
و خاک خشک ریخته و هموار کرده اند و الحال آن خانه رطوبت میدهد
نماز کردن در آن خانه چه صورت دارد جواب اگر میتوان کرد
و جمیع خاک رطوبت دار را بکنند پاک میشود سؤال شخصی از
عربیت هر رشته جلد کتاب از مقدمات مثل صرف میر و هدایه نحو خوانده است
و صیغهٔ عقد نکاح را بخواند و معانی هایش را بداند و بداند که فعل لازم است
یا متعدی و متعدی بچه چیز میشود و حروف ها را او نحو تحصیل کرده
از مخرج ادا کند و انشا بخواند میتواند عقد نکاح بکند یا نه
جواب هرگاه جمیع را موافق ضابطه فهمیده باشد مانع ندارد
سؤال کسی مسئلهٔ شرعیه را از مجتهدی اخذ کرده باشد و الحال آن مجتهد
در حیات نباشد و کسی دیگر میتواند بدان مسئلهٔ او عمل کند یا نه
جواب نمیتواند والله یعلم

سؤال چه میفرمایند که از خم رنگرزی موش مرده بیرون آوردن و چگونه خم را
پاک میتوان کرد و الحال کنارهای خم را بگل گرفته که یکوجب از خم بالا برده و آب ریخته
پر آب کرده و یکنفر خشک آب را بر سرش گرفته از بالا آب را متصل میریخته و گلهای
کنار خم را برداشته اند که آب سرشار از خم شده است آیا خم مذکور پاک است یا نه
جواب از میرزا عبدالجواد است هرگاه منصوب بزمین باشد دو مرتبه پر آب
کنند و خالی کنند بنحوی که از غساله هیچ نماند پاک میشود و هرگاه منصوب نباشد
و ممکن النقل باشد در جاری یا کر فرو برند پاک میشود و اگر معلق نگاه دارند
و از یکسمت آب را بریزند بنحوی که غساله از خم بیرون رود و همچنین تا مجموع
خم شسته شود پاک میشود لکن متوجه شوند که غساله در خم نماند و بنحوی
که در اصل نوشته اند پاک نمیشود والله اعلم سؤال زوجه مدعیه است
که زوج عنن دارد و زوج منکر و مدعی وطی است در این صورت حکم شرع آن
چه نحو است و هرگاه ثابت شود عنن زوج در آن وقت زوجه چه کند حکم شرعی آن
هر دو مسئله را بیان فرمایند جواب از میرزا عبدالجواد است قول زوج مقدم است با قسم یاد نمودن
و در صورت ثبوت عنن هرگاه ثابت شود که قبل از عقد بوده و زوجه مطلع نبوده
زوجه میتواند عقد را برهم زند و محتاج بطلاق نیست و هرگاه قبل ثابت نشود

هرگاه زوجه صبر کند اختیار دارد و هرگاه صبر ننماید باید رفع امر خود کند بحاکم شرع
و او مهلت میدهد زوج را یکسال پس اگر منقضی شد و وطی ننمود اختیار زوجه
با خود اوست و نصف مهر را میگیرد والله هو العالم بحقایق الامور و الاحکام سؤال
هرگاه شخصی فوت شود و زوجه او ولد که ربع می برد آیا از آب و زمین زراعت هم ارث میبرد یا نه
و اگر ارث از آب و زمین نبرد ملکی که بعنوان ارث تصرف کند و بفروشد بیع آن
صحیح است یا باطل جواب از میرزا هدایت الله هرگاه مسئله بهمین طور باشد که زوجه ولد از این زوج ندارد
ربع از ما ترک میت میبرد و غیر از آب و زمین زراعت و اما در باب آب و زمین زراعت
بهتر اینست که مصالحه شود و اما بیع و شرای آن ملک که بعنوان ارث تصرف کرده باطل است
و رثهٔ میت را میرسد که اخذ ملک نمایند والله اعلم سؤال هرگاه زید ملکی را بیع شرط
عمرو نمود و بعد بایع وفات یافت و رثهٔ بایع مطلع نشدند و مشتری هم ایشان را مطلع
نکرد در این صورت مشتری میتواند ملک را تصرف کند یا نه جواب هرگاه زمان
خیار منقضی شود بیع لازم میشود و رثهٔ بایع شرعاً تسلط ندارند والله اعلم





